

بعثت تا غدیر

در سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

بسم الله الرحمن الرحیم

بعثت تا غدیر در سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

نویسنده:

واحد تحقیقات مرکز غدیرستان کوثر نبی صلی الله علیه و آله و سلم

ناشر چاپی:

مرکز غدیرستان کوثر نبی (صلی الله علیه و آله و سلم)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

بعثت تا غدیر در سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

مشخصات کتاب

سرشناسه:مرکز تخصصی غدیرستان کوثر نبی (ص)

عنوان و نام پدیدآور:ببعثت تا غدیر در سیره پیامبر صـلی الله علیه و آله و سلم/مرکز تخصصی غدیرستان کوثر نبی (ص)/محمدرضا شریفی

مشخصات ظاهری:نرم افزار تلفن همراه و رایانه

موضوع: بعثت- غدیر

ص: ۱

مقدمه: بعثت تا غدیر

خداوند متعال پس از خلقت آدم تا به امروز، رسولانی را برای هدایت بشر فرستاد، تا مردم به آنها ایمان آورده، و دچار ذلّت و خواری نشوند. خداوند در قرآن کریم در این زمینه می فرماید:

«وَ لَوْ أَنَّا أَهْلَکْناهُمْ بِعَذابٍ مِنْ قَبْلِهِ لَقالُوا رَبَّنا لَوْ لا أَرْسَلْتَ إِلَيْنا رَسُولاً فَنَتَّبِعَ آياتِکَ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَذِلَّ وَ نَخْزى»؛ (۱)

«اگر ما آنان را پیش از آن(که قرآن نازل شود) با عذابی هلاک می کردیم، (در قیامت) می گفتند": پروردگارا! چرا پیامبری برای ما نفرستادی تا از آیات تو پیروی کنیم، پیش از آن که ذلیل و رسوا شویم»"!

انبیاء و رسولان نیز یکی پس از دیگری، با تبلیغ دینی واحد، همان گونه که خداوند در قرآن می فرماید: «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلامُ»(۲)؛ «همانا دین در نزد خدا، اسلام (و تسلیم بودن در برابر حقّ) است»، وظیفه ی خود را انجام داده، تا نوبت به خاتم الانبیاء حضرت محمد صلی الله علیه و آله رسید و خداوند دین ایشان را، خاتم الادیان و قرآن، معجزه ی جاوید را، قانون الهی، برای بشریّت معرفی فرمود و بر این بعثت، بر مؤمنین منّت نهاد. و خداوند در قرآن کریم می فرماید:

«لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولاً مِنْ أَنْفُسِهِم»(۳)؛ «خداوند بر مؤمنان منّت نهاد [نعمت بزرگی بخشید] هنگامی که در میان آنها، پیامبری از خودشان برانگیخت.»

بیست و سه سال دوره ی رسالت، سراسر حادثه، همراه با رنج و مشقت و اذیت برای پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله ، همان گونه که پیامبرصلی الله علیه و آله فرمودند: «ما أوذِیَ نَبِیٌّ بمثلِ ما أوذیتُ»؛ «هیچ پیامبری به اندازه ی من مورد آزار قرار نگرفت.» (۴)، آن هم برای دعوت و هدایت مردم، از شرک و بت پرستی به سوی توحید و یکتاپرستی و ترک عادات زمان جاهلیّت، در حال سپری شدن بود. و آخرین سال عمر شریف ایشان وقایع مهمی را در خود جای داده بود، و آن حضرت به امر الهی، در حالی خود را برای سفر آخرت آماده می نمود که، دو حکم الهی یکی حج و دیگری اعلان ولایت باقی مانده بود.

لذا اجرای این دو حکم با هم قرین گشته و بلافاصله پس از حجه الوداع و فراغت از آن، خداوند به پیامبرش فرمود:

«فَإِذا فَرَغْتَ فَانْصَبْ»(۵)؛ «پس هنگامی که از کار مهمّی فارغ می شوی به مهم دیگری بپرداز.»

واقعه ی تاریخی غدیر خم، در روز هجده ذی الحجه سال دهم هجری اتفاق افتاد، و خداوند به وسیله ی پیک وحی، حضرت جبرییل، قبولی رسالتِ بیست و سه ساله ی آن حضرت، را با آن همه زحمت، در گرو انتصاب علی علیه السلام به عنوان جانشین خود، قرار داد. قرآن شریف به این امر مهم اشاره نموده است، آنجا که می فرماید: «وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَما بَلَّغْتَ رِسالَتَهُ»(۶)؛ «[ای پیامبر! آن چه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است، (به مردم) برسان!] و اگر نکنی، رسالت او را انجام نداده ای!»

ص: ۲

پس از اجرای این حکم الهی، خداوند، بر رسالت خاتم الاوصیاء، و اسلامِ با علی بن ابی طالب علیه السلام، مهر تأیید زد، و فرمود:

«الْیَوْمَ أَکْمَلْتُ لَکُمْ دینَکُمْ وَ أَتْمَمْتُ عَلَیْکُمْ نِعْمَتی وَ رَضیتُ لَکُمُ الْإِسْلامَ دیناً»(۷)؛ «امروز، دین شما را کامل کردم؛ و نعمت خود را بر شما تمام نمودم؛ و اسلام را به عنوان آئین (جاودان) شما پذیرفتم.»

خداوند پیامبرش را از توطئه ی منافقین در به هم زدن چنین کنگره ی عظیم جهان اسلام، در روز غدیر، حفظ نمود و فرمود:

«وَ اللَّهُ یَعْصِمُکَ مِنَ النَّاسِ»(۸)؛ «خداوند تو را از (خطرات احتمالی) مردم، نگاه می دارد.»

غدیر روز تجلی هدایتگران الهی

بسیت و سه سال مردم با پیامبرصلی الله علیه و آله، علت محدثه ی اسلام آشنا شده بودند ولی علت مبقیه ی اسلام، حضرت علی علیه السلام را در آیه ی «إِنَّما أَنْتَ مُنْذِرٌ وَ لِکُلِّ قَوْمٍ هادٍ» (۹) جستجو می کردند و پرسش داشتند.

ابن عباس می گوید: از من سؤال می شود که تفسیر این آیه چیست؟ ما «منذر» را که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله باشد شناخته ایم، امّا «هادی» و راهنمای امت را نمی شناسیم. اگر بگویم مقصود از «هادی امّت» حضرت علی علیه السلام است، به راستی سخن گفته ام؛ زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله پیرامون این آیه فرمودند:

«انا المنذرُ و علیٌ الهادی و بکَ یا علیُ یَهتدِی المُهتَدُون»؛ «من ترساننده ی امّت و علی علیه السلام راهنمای آنان می باشد و [سپس فرمودند:] یا علی! به توسط تو مردم به راه راست هدایت خواهند شد.» (۱۰)

ص: ۳

خداونـد، روز غدیر را، زمان پاسخ گویی به همه ی این سؤالات و جواب نیاز «اهدانا»، بشـریت، همان گونه که فرموده است: «اهْدِنَا الصِّراطَ الْمُسْتَقِیمَ»؛ «ما را به راه راست هدایت کن»(۱۱) روزِ غـدیر را روزِ تجلّیِ هـدایتگران الهی، قرار داد و بنابراین، آیه ی «لِکُلِّ قَوْمٍ هادٍ»(۱۲) تفسیر شد و نیاز بشریت پاسخ داده شد.

پاورقی:

۱. طه/۱۳۴.

۲. آل عمران/۱۹.

۳ . آل عمران/۱۶۴.

۴ . کشف الغمه فی معرفه الأئمه، ج ۲، ص۵۳۷؛ بحارالانوار، ج۳۹، ص۵۶.

۵ . انشراح/۷.

۶. مائده/۶۷.

۷. مائده/۳.

۸. مائده/۶۷.

۹. «تو فقط بیم¬دهنده ای! و برای هر گروهی هدایت¬کننده ای است.» (رعد/۷.)

۱۰. تفسیر ثعلبی، ج۵، ص۲۷۲؛ شواهد التنزیل، ج۱، ص۳۸۱؛ تفسیر رازی، ج۱۹، ص۱۴؛ تفسیر آلوسی، ج۱۳، ص۱۰۸؛ جامع البیان طبری، ج۱۳، ص۱۴۲.

۱۱. فاتحه/۶.

۱۲. رعد/۷.

تبیین آیات الهی در شان و فضیلت صاحب غدیر

(۱)

أَلْقِیا فی جَهَنَّمَ کُلَّ کَفَّارٍ عَنِیدٍ (۲۴) سوره ق از «شریک» نقل شده است که پیامبر فرمود:

«اذا کان یوم القیامه قال اللّه تبارک و تعالی لی و لعلیّ: القیا فی النّار من ابغضـکما و ادخلا فی الجنّه من احبّکما فذلک قوله تعالی: و أَلْقِیا فِی جَهَنَّمَ کُلَّ کَفَّارٍ عَنِیدٍ

چون روز قیـامت شود خداونـد تبـارک و تعالی به من و علی (علیه السـلام) می فرمایـد به دوزخ افکنیـد هر کسـی را که دشـمن می داریـد و داخل بهشت نمائید هر کسـی را که دوست می دارید و این اشاره به همین آیه است که می فرماید: « (امروز هر کافر معاند را به دوزخ افکنید) و ظاهرا ابو حنیفه و همراهانش از این صحبت ناراحت شدند جلسه را ترک گفتند.

ص: ۴

ترجمه الطرائف ،ص:۱۹۷

امام

شافعی ابن مغازلی در کتاب «المناقب» به سند خود از «عبد اللَّه بن مسعود» روایت کرده که گفت: رسول خدا فرمود: من از دعای پدرم ابراهیم هستم.

گفت گفتیم: ای رسول خدا چگونه از دعای پدرت ابراهیم هستی؟

فرمود: خداوند به ابراهیم (علیه السلام) وحی کرد که «إِنِّی جاعِلُکَ لِلنَّاسِ إِماماً» (من ترا امام و رهبر مردم قرار دادم) ابراهیم خوشحال شد و گفت: پروردگارا از دودمان من نیز امامانی مثل من قرار بده.

خداوند به ابراهیم وحی فرستاد: ای ابراهیم من عهدی به تو نمی دهم که به آن وفا نکنم، عرض کرد خدایا آن چه عهدی است که اگر به من عطا کنی وفا نکنی؟

فرمود: من پیمان امامت را به ستمکاران از دودمان تو نمی بخشم.

ابراهیم عرض کرد: ستمکارانی که این پیمان به آنها نمی رسد، کیانند؟

به او فرمود: کسی که برای بتی سجده و عبادت کند.

ابراهیم عرض کرد: «وَ اجْنُبْنِی وَ بَنِیَّ أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنامَ رَبِّ إِنَّهُنَّ أَضْلَلْنَ کَثِیراً مِنَ النَّاسِ».

پروردگارا من و فرزندانم را از پرستش بتان دور بدار.

پیامبر صلی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود: دعای ابراهیم به من و علی (علیه السلام) منتهی شد

«لم یسجد احدنا لصنم قطّ فاتّخذنی نبیّا و اتّخذ علیّا وصیّا»

. و هیچ یک از ما در مقابل بتی هرگز سجده نکردیم پس خداوند مرا برای خود پیامبر و علی را وصی اخذ کرد

ترجمه الطرائف ،ص:۲۰۸

منذر

ثعلبی در تفسیر آیه: إِنَّما أَنْتَ مُنْذِرٌ وَ لِکُلِّ قَوْمٍ هادٍ: (تو تنها بیم دهنده ای و برای هر گروهی هدایت کننده) از «ابن عباس» روایت کرده است که گفت: چون این آیه نازل شد، پیامبر دستش را بر سینه خود زد و فرمود: «منم منذر» سپس به شانه علی اشاره کرد و فرمود:

ص: ۵

«أنت الهادی یا علی بک یهتدی المهتدون من بعدی»

توئی هادی! و به وسیله تو بعد از من هدایت یافتگان هدایت می شوند.

این روایت را علمـای معروف اهـل تسـنن چون: ابن کثیر در تفسـیر خود، ابن صـباغ مالکی در «فصول المهمه» و «گنجی شافعی» در «کفایه الطالب» و طبری در تفسـیر خود و ابو حیان اندلسـی در تفسیرش به نام «بحر المحیط» و همچنین نیشابوری در تفسیر خویش و گروه دیگری نقل کرده اند.

میر غیاث الدین مؤلف کتاب «حبیب السیر» می نویسد: «قد ثبت بطرق متعدّده انّه لما نزل قوله تعالی إِنَّما أَنْتَ مُنْذِرٌ وَ لِکُلِّ قَوْمٍ هادٍ

قال لعلیّ انا المنـذر و انت الهادی بک یا علی یهتدی المهتدون من بعدی به طرق متعددی نقل شده هنگامی که آیه: «إِنَّما أَنْتَ مُنْذِرٌ وَ لِکُلِّ قَوْمٍ هادٍ» نازل شـد پیامبر به علی (علیه السـلام) فرمود: من منذرم و تو هادی ای علی! به وسـیله تو هدایت یافتگان هدایت می شوند.

ترجمه الطرائف ،ص:۲۰۹

شاهد

از «صدق به» علی (علیه السلام) می باشد .

ابن مغـازلی در آیه شـریفه: «أَ فَمَنْ کـانَ عَلی بَیِّنَهٍ مِنْ رَبِّهِ وَ یَتْلُوهُ شاهِـدٌ مِنْهُ»: (آیا آن کسـی که دلیل آشـکاری از پروردگار خویش دارد و به دنبال آن شاهدی از سوی او می باشد، روایت کرده که پیامبر فرمود:

«انا علی بینه من ربّه و علیّ الشّاهد منه»

من دارای «بینه الهی» هستم و علی (علیه السلام) شاهد او است.

ترجمه الطرائف ،ص:۲۱۰

گوشهای شنوا

باز ثعلبی در تفسیر آیه: «وَ تَعِیَها أُذُنٌ واعِیَهٌ»: (و گوشهای شنوا آن را نگهداری می کنند) روایت کرده که پیامبر صلی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود:

ص: ۶

«سألت اللّه عزّ و جلّ ان یجعلها اذنک یا علی»

: (من از خدا خواستم که گوش علی را از این گوشهای شنوا و نگه دارنده حقایق قرار دهد) و به دنبال آن علی (علیه السلام) می فرمود:

فما نسیت شیئا بعد ذلک و ما کان لی ان انساه

»: (من هیچ سخنی بعد از آن از رسول خدا صلی اللّه علیه و آله و سلّم نشنیدم که آن را فراموش کنم، بلکه همیشه آن را به خاطر داشتم) .

نظیر این روایت را ابن المغازلی در کتاب خود از پیامبر اکرم صلی اللّه علیه و آله و سلّم نقل کرده است

سؤال از ولایت امیر مؤمنان

باز حافظ محمد بن مؤمن شیرازی به سند خود از «سدی» نقل کرده که رسول خدا صلی اللّه علیه و آله و سلّم در تفسیر: «عَمَّ یَتَساءَلُونَ عَنِ النَّبَإِ الْعَظِیمِ» فرمود: منظور ولایت علی بن ابی طالب است که از آنها در باره آن در قبر سؤال می شود و هیچ کس در شرق و غرب عالم، در برّ و بحر از دنیا نمی رود مگر این که فرشتگان از او در باره ولایت امیر مؤمنان بعد از مرگ سؤال می کنند و به میت می گویند:

من ربّک؟ و ما دینک؟ و من نبیّک؟ و من امامک

.

خدایت کیست؟ دینت چیست؟ پیامبرت کیست؟ و امامت کیست؟.

اختیار و گزینش امام معصوم

همچنین محمد بن مؤمن شیرازی در کتاب مذکور در تفسیر آیه: «وَ رَبُّکَ یَخْلُقُ ما یَشاءُ وَ یَخْتارُ ما کانَ لَهُمُ الْخِیَرَهُ سُبْحانَ اللّهِ وَ تَعالی عَمَّا یُشْرِکُونَ»: (پروردگار تو هر چه را بخواهد می آفریند و هر چه را بخواهد بر می گزیند آنها (در برابر او) اختیاری ندارند، منزه است خداوند و برتر است از شریک هائی که برای او قائل می شوند) به سند خود از «انس بن مالک» روایت کرده که گفت: از رسول خدا از معنی آیه:

ص: ۷

«وَ رَبُّکَ یَخْلُقُ ما یَشاءُ ...» سؤال کردم؟ فرمود: خداوند آدم را از گل هر طوری که می خواست، آفرید سپس فرمود:

«و یختار» «انّ اللّه تعالی اختارنی و اهل بیتی علی جمیع الخلق فانتجبنا فجعلنی الرّسول و جعل علیّ بن ابی طالب (علیه السلام) الوصیّ»

«(۲).

یعنی خداوند تعالی مرا و اهل بیت مرا بر جمیع خلق اختیار کرد و ما را از میان آنها برگزید (به این ترتیب که) مرا پیغمبر و علی را وصی و جانشین قرار داد.

سپس فرمود: «ما کانَ لَهُمُ الْخِیَرَهُ» یعنی برای مردم حق انتخاب قرار داده نشده است یعنی آنها حق انتخاب ندارند و حق انتخاب با من است هر که را بخواهم من انتخاب می کنم.

پس من و اهل بیت من از میان خلق او برگزیده او هستیم.

سپس فرمود: «سُبْحانَ اللَّهِ عَمَّا یُشْرِکُونَ» یعنی منزه است خداوند از شریکهائی که کفار مکه برای او قائل می شوند

«و ربک یعلم»

یعنی ای محمدپروردگار تو می داند «ما تکنّ صدورهم»

آنچه را که منافقان از عداوت و کینه نسبت به تو و اهل بیت تو در سینه های خود پنهان می دارند «و ما یعلنون»

و آنچه را که با زبانهای خود از محبت و دوستی نسبت به تو و به اهل بیت تو آشکار می سازند.

و در روایاتی که از طریق اهل بیت به ما رسیده آیه فوق به مسأله اختیار و گزینش امام معصوم از سوی خدا تفسیر شده است و جمله «ما کانَ لَهُمُ الْخِیَرَهُ» (آنها اختیاری در این زمینه ندارند) نیز بر همین معنی تطبیق شده و این در واقع از قبیل بیان مصداق روشن است، چرا که مسأله حفظ دین و انتخاب امام معصوم برای این هدف، جز از ناحیه خدا ممکن نیست

ص: ۸

ترجمه الطرائف ،ص:۲۱۵

صالح المؤمنین

«ثعلبی» در تفسیر آیه: «وَ إِنْ تَظاهَرا عَلَیْهِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلاهُ وَ جِبْرِیلُ وَ صالِحُ الْمُؤْمِنِینَ وَ الْمَلائِکَهُ بَعْدَ ذلِکَ ظَهِیرٌ» «۲».

روایت کرده است که پیامبر فرمود:

«و صالح المؤمنین هو علی بن ابی طالب (علیه السلام)

. منظور از

«صالح المؤمنین»

علی بن ابی طالب است

ترجمه الطرائف ،ص:۲۱۷

طوبی درختی در خانه علی بن ابی طالب

ثعلبی در تفسیر خود از ابن عباس در تفسیر آیه: طُوبی لَهُمْ وَ حُسْنُ مَآبٍ

(۱) روایت کرده که گفت: رسول خدا صلی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود:

«طوبی شجره اصلها فی دار علیّ بن ابی طالب و فی دار کلّ مؤمن منها غصن»

: (طوبی درختی است که اصلش در خانه علی بن ابی طالب (علیه السلام) و شاخه های آن همه جا و بر سر همه مؤمنان و بر فراز خانه هایشان گسترده است).

بعد فرمود:

«طُوبی لَهُمْ وَ حُسْنُ مَآبٍ»

خوشا بر احوال آنها و مقام نیکوی آنها یعنی نیکو مکان برگشتی است

ترجمه الطرائف ،ص:۲۱۹

سؤال از پیامبران

محدث ابو نعیم در کتابی که آن را از کتاب «استیعاب» استخراج کرده، در تفسیر آیه: «وَ سْئَلْ مَنْ أَرْسَلْنا مِنْ قَبْلِکَ مِنْ رُسُلِنا» (از رسولانی که قبل از تو پیامبر صلی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود: در شبی که مرا بالا بردند، خداوند بین من و تمام پیامبران را جمع

کرد سپس فرمود: ای محمد از پیامبران پیشین سؤال کن، بر چه مبعوث شدند؟

گفتند:

«بعثنا علی شهاده ان لا اله الّا اللّه و الإقرار بنبوّتک و الولایه لعلیّ بن ابی طالب» (علیه السلام)

ص: ۹

.

جواب دادند، ما مبعوث شدیم بر شهادت به وحدانیت خداوند و اقرار به نبوت تو و ولایت علی بن ابی طالب.

ترجمه الطرائف ،ص:۲۲۱

بهترین مخلوقات

ابن مردویه به سند خود از «ابن عباس» روایت کرده که گفت: آیه: إِنَّ الَّذِینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ أُولئِکَ هُمْ خَیْرُ الْبَرِیَّهِ در باره علی (علیه السلام) نازل شده است .

ابن عباس می گوید: هنگامی که آیه: «إِنَّ الَّذِینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ أُولئِکَ هُمْ خَیْرُ الْبَرِیَّهِ» نازل شد، پیغمبر اکرم صلی اللَّه علیه و آله و سلّم به علی فرمود:

«هو انت و شیعتک تأتی انت و شیعتک یوم القیامه راضین مرضیّین و یأتی عدوّک غضبانا مقمحین»

«(۳).

منظور از این آیه تو و شیعیانت هستند که در روز قیامت وارد عرصه محشر می شوید در حالی که هم شما از خدا راضی و هم خدا از شما راضی است و دشمنت خشمگین وارد محشر می شود و به زور به جهنم می رود.

در حدیث دیگر از «ابو برزه» آمده است که وقتی پیغمبر اکرم صلی اللَّه علیه و آله و سلّم این آیه را قرائت کرد فرمود:

«هم انت و شیعتک یا علیّ، و میعاد ما بینی و بینک الحوض»

آنها تو و شیعیانت هستند، ای علی وعده من و شما کنار حوض کوثر است .

در «الدر المنثور» از «ابن مردویه» از علی (علیه السلام) نقل می کند که پیغمبر اکرم به من فرمود:

«ا لم تسمع قول اللَّه: إِنَّ الَّذِینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ أُولئِکَ هُمْ خَیْرُ الْبَرِیَّهِ»؟ انت و شیعتک و موعدی و موعدکم الحوض اذا جئت الامم للحساب تدعون غرّا محجّلین».

ص: ۱۰

آیا این سخن خدا را نشنیده ای که می فرماید: کسانی که ایمان آورده و عمل صالح انجام داده اند، بهترین مخلوقاتند؟ این تو و شیعیان تو هستند، وعده گاه من و شما کنار حوض کوثر است، هنگامی که من برای حساب امتها می آیم و شما دعوت می شوید در حالی که پیشانی سفید و شناخته شده اید

ترجمه الطرائف ،ص:۲۲۲

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا

احمد بن حنبل در مسندش به سند خود از «عبد اللَّه بن عباس» روایت کرده که گفت: شنیدم از رسول خدا صلی اللَّه علیه و آله و سلّم که می فرمود:

«لیس من آیه فی القرآن یا ایّها الّذین آمنوا إلّا و علیّ رأسها و امیرها و شریفها»

«۲». در قرآن آیه ای نیست که مؤمنان با «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» مورد خطاب قرار گرفته اند، مگر این که علی (علیه السلام) در رأس آنها و امیر و شریف آنهاست و خداوند در قرآن اصحاب محمد صلی اللَّه علیه و آله و سلّم مورد عتاب قرار داده ولی از علی ذکر نشده مگر به خیر و نیکی.

ترجمه الطرائف ،ص:۲۲۲

زمینه سازی پیامبر برای وصایت صاحب غدیر در وقایع مختلف

در خانه پیامبر

در خانه پیامبر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم حضرت علی (ع) را به خانه خود می برداز آنجا که خدا می خواهد ولی بزرگ دین او در خانه پیامبر بزرگ شود وتحت تربیت رسول خدا قرار گیرد، توجه پیامبر را به این کار معطوف می دارد. مورخان اسلامی می نویسند: خشکسالی عجیبی در مکه واقع شد.ابوطالب، عموی پیامبر، با عایله وهزینه سنگینی روبرو بود. پیامبر با عموی دیگر خود، عباس، که ثروت ومکنت مالی او بیش از ابوطالب بود به گفتگو پرداخت وهر دو توافق کردند که هرکدام یکی از فرزندان ابوطالب را به خانه خود ببرد تا در روزهای قحطی گشایشی در کار ابوطالب پدید آید. از این جهت عباس، جعفر را وپیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم حضرت علی را به خانه خود بردند. [۱] این بار که امیر مؤمنان به طور کامل در اختیار پیامبر قرار گرفت از خرمن اخلاق وفضایل انسانی او بهره های بسیار برد وموفق شد تحت رهبری پیامبر به عالیترین مدارج کمال خود برسد. امام - علیه السلام در سخنان خود به چنین ایام ومراقبت های خاص پیامبر اشاره کرده، می فرماید: ولقد کنت اتبعه اتباع الفصیل اثر امه یرفع لی کل یوم من اخلاقه علما ویامرنی بالاقتداء به . [۲] من به سان بچه ناقه ای که به دنبال مادر خود می رود در پی پیامبر می رفتم ;هر روز یکی از فضایل اخلاقی خود را به من تعلیم می کرد ودستور می داد که ازآن پیروی کنم. حضرت علی(ع) در غار حرا

ص: ۱۱

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم پیش ازآنکه مبعوث به رسالت شود، همه ساله یک ماه تمام را در غار حرا به عبادت می پرداخت ودر پایان ماه از کوه سرازیر می شد ویکسره به مسجد الحرام می رفت وهفت بار خانه خدا را طواف می کرد وسپس به منزل خود باز می گشت. در اینجا این سؤال پیش می آید که با عنایت شدیدی که پیامبر نسبت به حضرت علی داشت آیا او را همراه خود به آن محل عجیب عبادت ونیایش می برد یا او را در این مدت ترک می گفت؟ قراین نشان می دهد از هنگامی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم حضرت علی –علیه السلام را به خانه خود برد هرگز روزی او را ترک نگفت.مورخان می نویسند: علی آنچنان با پیامبر همراه بود که هرگاه پیامبر از شهر خارج می شد وبه کوه وبیابان می رفت او را همراه خود می برد. [۳] ابن ابی الحدید می گوید: احادیث صحیح حاکی است که وقتی جبرئیل برای نخستین بار بر پیامبر نازل شد و او را به مقام رسالت مفتخر ساخت علی در کنار حضرتش بود.آن روز از روزهای همان ماه بود که پیامبر برای عبادت به کوه حرا رفته بود. امیر مؤمنان، خودد ر این باره می فرماید: «ولقد کان یجاور فی کل سنه بحراء فاراه ولا یراه غیری ...». [۴] پیامبر هر سال در کوه حرا به عبادت می پرداخت وجز من کسی او را نمی دید. این جمله اگر چه می تواند ناظر به مجاورت پیامبر در حرا در دوران پس از رسالت باشد ولی قراین گذشته واینکه مجاورت پیامبر در حرا غالبا قبل از رسالت بوده است تایید می کند که این جمله ناظر به دوران قبل از رسالت است. طهارت نفسانی حضرت علی –علیه السلام وپرورش پیگیر پیامبر از او سبب شد که در همان دوران کودکی، با قلب حساس ودیده نافذ وگوش شنوای خود، چیزهایی را ببیند واصواتی را بشنود که برای مردم عادی دیدن وشنیدن آنها ممکن نیست; چنانکه امام، خود در این زمینه می فرماید: «اری نور الوحی و الرساله و اشم ریح النبوه ». [۵] من در همان دوران کودکی، به هنگامی که در حرا کنار پیامبر بودم، نور وحی ورسالت را که به سوی پیامبر سرازیر بود می دیدم وبوی پاک نبوت را از او استشمام می کردم. امام صادق –علیه السلام می فرماید: امیر مؤمنان پیش از بعثت پیامبر اسلام نور رسالت وصدای فرشته وحی را می شنید. در لحظه بزرگ وشگفت تلقی وحی پیامبر به حضرت علی فرمود: اگر من خاتم پیامبران نبودم پس از من تو شایستگی مقام نبوت را داشتی، ولی تو وصی ووارث من هستی، تو سرور اوصیا وپیشوای متقیانی. [۶] امیر مؤمنان در باره شنیدن صداهای غیبی در دوران کودکی چنین می فرماید:هنگام نزول وحی بر پیامبر صدای ناله ای به گوش من رسید ;به رسول خدا عرض کردم این ناله چیست؟ فرمود: این ناله شیطان است وعلت ناله اش این است که پس از بعثت من از اینکه در روی زمین مورد پرستش واقع شود نومید شد. سپس پیامبر رو به حضرت علی کرد وگفت: «انک تسمع ما اسمع و تری ما اری، الا انک لست بنبی و لکنک لوزیر ». [۷] تو آنچه را که من می شنوم ومی بینم می شنوی ومی بینی، جز اینکه تو پیامبر نیستی بلکه وزیر ویاور من هستی. فروغ ولایت ص ۱۸ آیت الله شیخ جعفرسبحانی [۱] – سیره ابن هشام، ج ۱، ص ۲۳۶. [۲] – نهج البلاغه عبده، ج ۲، ص ۱۸۲. [۳] – شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱۳، ص ۲۰۸. [۴] – نهج البلاغه، خطبه ۱۸۷(قاصعه). [۵] – پیش از آنکه پیامبر اسلام از طرف خدا به مقام رسالت برسد وحی وصداهای غیبی را به صورت مرموزی، که در روایات بیان شده است، درک می کرد. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱۳، ص ۱۹۷. [۶] – شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱۳، ص ۳۱۰. [۷] – نهج البلاغه، خطبه قاصعه.

ص: ۱۲

خلقت نوری

احمد بن حنبل در مسند خود روایت کرده است که پیامبر فرمود: «من و علی بن ابیطالب

چهارده هزار سال پیش از آفرینش آدم، نوری در محضر خدا بودیم. هنگامی که خدا آدم را آفرید، آن نور را به دو بخش کرد، جزئی از آن منم و پاره ای علی.» «۱»

در حدیث دیگری که ابن مغازلی شافعی نقل کرده آمده است. هنگامی که خدا آدم را خلق کرد، آن نور در صلب او قرار گرفت. پیوسته آن نور، یکپارچه بود تا در صلب عبد المطلب دوگانه شد. در پیامبر به پیامبری و در علی به خلافت تبدیل گشت. «۲»

در روایت دیگری که ابن مغازلی از جابر نقل کرده در پایان حدیث این جمله افزوده شده است: «تا آنکه خدا نور را دو بخش کرد، پاره ای را در صلب عبد اللّه و جزئی را در صلب ابیطالب قرار داد و مرا پیامبر و علی را ولی گردانید.» «۳»

ترجمه نهج الحق و کشف الصدق، ص: ۲۲۴

یوم الانذار

.۲

حدیث خلافت در مسند احمد است که پس از نزول آیه «خویشاوندان نزدیکت را بترسان.» پیامبر سی تن از اهل و خاندان خویش را سه نوبت فرا خواند و آنها سه بار به میهمانی خوردند و نوشیدند. پیامبر هر بار به آنها فرمود: «چه کسی دین و وعده های مرا می پذیرد تا جانشین من و همنشین من در بهشت باشد. علی گفت:

من، و پیامبر فرمود: تو (اینگونه ای)» ثعلبی همین روایت را در تفسیر خود گفته است:

«پس از سه بار، و هر بار جز علی دیگران ساکت بودند»

ترجمه نهج الحق و کشف الصدق، ص: ۲۲۵

ص: ۱۳

حدیث وصیت

حدیث وصیت در مسند از سلمان روایت شده است که از پیامبر پرسید: «ای رسول خدا جانشین و وصی تو کیست؟ پیامبر فرمود: ای سلمان جانشین برادرم موسی که بود؟ سلمان پاسخ داد: یوشع بن نون. پیامبر فرمود: پس همانا جانشین و وارث من که دین مرا بجا می آورد و وعده مرا تحقق می بخشد علی بن ابیطالب است.»

گرامی نزد پیامبر

در کتاب مناقب ابوبکر احمد بن مردویه که حجت چهار مذهب سنی است، با اسناد ابوبکر از ابوذر روایت شده است که بر پیامبر وارد شدیم و پرسیدیم: کدامیک از یاران شما نزدتان گرامی ترند؟

فرمود: علی که به سلامت درون و اسلام از شما پیشتازتر است.»

وارث پیامبر

ابن مغازلی شافعی به اسناد خود در کتابش روایت کرده است که پیامبر فرمود: «هر پیامبری وصی و وارثی داشته است و وصی و وارث من علی بن ابیطالب است.» «۳»

ابلاغ برائت

در مسند احمد و جمع میان صحاح سته حدیثی وجود دارد که با نقل به معنا بازگو

می کنیم: «پیامبر ابوبکر را برای ابلاغ برائت به سوی مردم مکه فرستاد «هنگامی که او به ذی الحلیفه رسید به فرمان رسول خدا بازگشت و از پیامبر پرسید: آیا چیزی درباره من نازل شده است؟ پیامبر فرمود: نه، اما جبرئیل مرا گفت که ابلاغ برائت یا باید از سوی تو (پیامبر) باشد و یا از جانب مردی که از تو است.

ترجمه نهج الحق و کشف الصدق، ص: ۲۲۶

حدیث مناجات

: در جمع میان صحاح سته و تفسیر ثعلبی و روایت ابن مغازلی شافعی آمده است که آیه مناجات مخصوص امیر المؤمنین می باشد و گفته اند «او در حال مناجات به دیناری صدقه داد و نه پیشتر و نه پس از وی هیچکس چنین نکرد» امیر المؤمنین خود فرموده اند: «در کتاب خدا آیتی است که پیش از من کسی بدان عمل نکرد و پس از من نیز نخواهد کرد: «ای کسانی که ایمان آورده اید، چون خواهید که با پیامبر نجوا کنید، پیش از نجوا کردنتان صدقه بدهید.» خداوند بوسیله من این عمل را از امت برداشت و بار ایشانرا سبک نمود و آیه، پس از من نیز درباره هیچکس نخواهد بود.»

ص: ۱۴

حدیث مباهله

: آیه مباهله (از دیگر مفاخر امیر المؤمنین و اهل بیت است) در جمع میان صحیحین آمده است: «هنگامی که پیامبر آهنگ مباهله با مسیحیان نجران را نمود، حسین را در آغوش خود گرفت و دست حسن را بدست داشت. فاطمه پشت سر آن حضرت و علی پشت سر فاطمه حرکت می کردند و پیامبر به ایشان می گفت،

هرگاه دعا کردم آمین بگویید. چه فضیلتی برتر از این که پیامبر در دعای خویش از آنان یاری جوید و آنها را واسطه میان خود و خدایش قرار دهد؟»

ترجمه نهج الحق و کشف الصدق، ص: ۲۲۷

حدیث منزلت

: در مسند احمد از برخی طریقه ها و در صحیح بخاری از طریقه های دیگر نقل شده است: «هنگامی که پیامبر به جنگ تبوک می رفت علی را جانشین خود و پاسدار اهل خویش، در مدینه قرار داد. علی علیه السّلام گفت: می خواهم به هر سوی که می روی با تو باشم. پیامبر فرمود: آیا خرسند نیستی که برای من، چون هارون به موسی هستی، جز آنکه پس از من پیامبری نیست.»

فتح خیبر

در مسند احمد از برخی طریقه ها و در صحیح مسلم و بخاری و جمع میان صحاح سته، از طرق دیگر از عبد اللّه بن بریده نقل شده است، که پدرم می گفت: «ما خیبر را به محاصره در آوردیم و ابوبکر پرچم را گرفت، ولی کاری از پیش نبرد و بازگشت.

روز بعد عمر پرچمدار شد و همان واقعه تکرار گردید و آن روز به مسلمانان سختی بسیار رسید. پیامبر فرمود: فردا پرچم را به مردی می سپارم که خدا و پیامبرش را دوست دارد و آنان نیز او را، حمله وری گریز ناپذیر است و تا خدایش پیروزی نبخشد باز نگردد.

ص: ۱۵

شبانگاه مردم در این سخن بودند که او کیست. سپیده دمان به نزد پیامبر شدند و هر یک آرزومند پرچمداری بود. پیامبر فرمود: علی بن ابیطالب کجاست؟ گفتند به

چشم درد مبتلاست. رسول خدا علی را فرا خواند و آب دهان بر دیده او مالید که عافیت یافت. در حق او دعا کرد و پرچم به وی سپرد. علی به پیکار شد و بازنگشت مگر با پیروزی و بختیاری.»

ترجمه نهج الحق و کشف الصدق، ص: ۲۲۸

ایمان در برابر کفر

جمهور روایت کرده اند که چون عمرو بن عبدود عامری در غزوه خندق هماورد خواست و جمله مسلمین فرو ماندند، پیامبر فرمود: «همه ایمان با همه کفر به پیکار برخواسته است.»

سدابواب

در مسند احمد از برخی طریقه ها روایت شده است که پیامبر فرمان داد جز در منزل علی بن ابیطالب همه درها را ببندند. مردم زبان به اعتراض گشودند. پیامبر خطبه خواند و ستایش و سپاس الهی بجای آورد و فرمود: «به من فرمان داده شده که جز در سرای علی همه درها را ببندم و بدگوی شما، زبان به یاوه گشود. به خدا سوگند جز از فرمان حق پیروی نکردم.»

حدیث مواخاه

: در مسند احمد بن حنبل از برخی طریقه ها چنین روایت شده است:

«پیامبر میان مسلمانان برادری نهاد و برای علی کسی را برنگزید. او از پیامبر پرسید:

ای رسول خدا میان یارانت برادری افکندی و مرا وا نهادی؟ پیامبر فرمود: تو را برای خود برگزیدم. تو برادر منی و من برادر توام. اگر کسی زبان بر تو گشود بگو من بنده خدا و برادر فرستاده خدا هستم، پس از تو، تنها دروغزنان چنین پایگاهی را دعوی می کنند. سوگند به آنکه مرا به حق برانگیخته، پیمان برادری ات را به تأخیر نیفکندم

ص: ۱۶

ترجمه نهج الحق و کشف الصدق، ص: ۲۲۹

مگر از آن رو که تـو را برای خـویش برگزینم. «۱» و جایگاه تو نسـبت به من، جایگاه هارون به قیاس موسـی است جز آنکه پس از من پیامبری نیست و تو برادر و وارث منی.» «۲»

در جمع میان صـحاح سـته از پیامبر آمده است: «دو هزار سال پیش از آفرینش آسـمانها بر در بهشت نگاشـته بودند که محمّد پیامبر خدا و علی برادر فرستاده خداست.» «۳»

علی از من و من از او

در مسـند احمـد بن حنبل و در صـحاح سـته از پیامبر روایت شده است که علی از من است و من از علی هسـتم. او ولی همه مؤمنان پس از من است. (وظائف و رسالات) مرا جز من یا علی هیچکس بجای نمی آورد. «۴»

همچنین در همان کتب آمده است که پس از کشته شدن پرچمداران کفر در جنگ احد به دست علی، جبرئیل به پیامبر گفت: «این حقیقت برادری است و پیامبر فرمود:

همانا علی از من است و من از او هستم. جبرئیل گفت: و من نیز از شما دو تنم ای فرستاده خدا»

ترجمه نهج الحق و کشف الصدق، ص: ۲۳۰

شبیه عیسی

در مسـند احمـد بن حنبـل آمـده است: پیـامبر به علی فرمود: «در تو شـباهتی به عیسـی است، یهود او را چنـان دشـمن داشـتند که به مادرش نسبت ناروا دادند و مسیحیان آنگونه دوستش داشتند که او را در جایگاه ناسزاوار قرار دادند.» «۲» پیامبر سخن درستی فرمود زیرا خوارج با امیر المؤمنین دشمنی کردند و نصیریه او را خدا پنداشتند.

مؤمن دوستدار

ص: ۱۷

در مسند احمد بن حنبل، جمع بین الصحیحین و جمع میان صحاح سته آمده است که پیامبر فرمود: «تو را جز مؤمن دوست ندارد و جز منافق دشمن.»

قاتل بر تاویل

در مسند احمد بن حنبل آمده است: پیامبر فرمود: «همانا شخصی از شما به سبب تأویل قرآن خواهد جنگید همانگونه که من برای تنزیل آن جنگیدم. ابوبکر گفت: آن شخص منم؟ پیامبر فرمود: نه، عمر گفت: ای پیامبر آیا من هستم؟ رسول خدا فرمود:

نه، آن شخص وصله زننده کفش است و در همان هنگام علی کفش پیامبر را در حجره نزد حضرت فاطمه علیها السّلام وصله می زد.» «۴»

در جمع میان صحاح سته آمده است که پیامبر فرمود: «قریش باید از رفتار خود بازایستند وگرنه خداوند مردی را بر سر ایشان برمی انگیزد که قلب او را در ایمان آزموده است و به غیرت دین، سر از تن قریش خواهد افکند از پیامبر پرسیدند: ای فرستاده خدا، او ابوبکر است؟ فرمود نه. پرسیدند: عمر است پاسخ فرمود: نه «۱»، او وصله زننده کفش در حجره است.»

ترجمه نهج الحق و کشف الصدق، ص: ۲۳۱

حدیث طیر

: در مسند احمد بن حنبل و جمع میان صحاح سته از انس بن مالک نقل شده است که نزد پیامبر پرنده ای پخته شده بود، حضرتش دعا کرد که بارالها گرامی ترین و محبوبترین مردم در پیشگاه خود را بفرست تا با من غذا بخورد.

علی علیه السّلام آمد و با پیامبر طعام خورد. «۲»

و از او روایت است که ابن عباس هنگام مرگ، چنین می گفت: «خدایا به ولایت علی بن ابیطالب به تو نزدیکی و تقرب می جویم.» «۳»

ص: ۱۸

ترجمه نهج الحق و کشف الصدق، ص: ۲۳۲

حدیث ایذاء

: در مسند احمد از برخی طریقه ها روایت شده که پیامبر فرمود: «هرکه علی را بیازارد مرا آزرده است. «۳» ای مردم، هر که به علی آزار رساند در قیامت یهودی یا نصرانی برانگیخته می گردد.» «۴»

ترجمه نهج الحق و کشف الصدق، ص: ۲۳۳

میزان حق

در جمع میان صحاح سته از پیامبر روایت شده است که فرمود: «رحمت خداوند بر علی باد، خدایا به هر سوی که می گردد حق را با او بگردان.» «۵»

جمهور روایت کرده اند که پیامبر به عمّار فرمود: «به زودی در امت من فتنه و بلا و اختلاف آشکار می شود تا آنجا که بر یکدیگر تیغ می کشند و کشتار می کنند و از هم بیزاری می جویند. ای عمّار گروه ستمگران تو را خواهند کشت و تو در آن زمان با حقی و حق با تست. همانا علی تو را به باطل نزدیک نمی کند و از هدایت خارج

ترجمه نهج الحق و کشف الصدق، ص: ۲۳۵

نمی نمایند. ای عمّار هر کس به یاری علی شمشیر برکشد خداوند در قیامت دو حمایل از گوهر بر او آراسته سازد و هر که در راه دشمنی او چنین کند دو حمایل آتشین بر تن او خواهد بود هرگاه آن وقایع را دیدی بر تو باد پیروی از اینکه در جانب راست من ایستاده است (مراد پیامبر علی بود) اگر چه همه مردم به سویی روند و علی به راهی دیگر، سالك طریق علی باش و همگان را رها ساز.

ای عمّار، علی پیوسته بر حق است. ای عمّار پیروی از علی پیروی از من است و اطاعت از من اطاعت از خداست.» «۱»

ص: ۱۹

احمـد بن موسـی بن مردویه از جمهور و بـا برخی از طریقه هـا از عایشه نقل کرده است که پیامبر فرمود. «حق با علی است و علی با حق است و این دو از هم جدا نمی شوند تا آنکه در کنار حوض با من دیدار کنند.» «۲»

حدیث ثقلین

: احمد بن حنبل در مسـند خود می گوید: «پیامبر دست حسن و حسـین را گرفت و فرمود: هر که مرا، این دو فرزند را و پدر و مادر آنها را دوست داشته باشد.

در قیامت با من هم درجه است.» «۳»

نیز در مسـند از جابر چنین روایت شـده است: «روزی پیامبر در عرفات در حالی که علی برابر او بود فرمود: ای علی نزدیک من آی. درخت وجود من و تو یکی است.

من ریشه درخت هستم و تو تنه آنی و حسن و حسین شاخه های آن می باشند.

ترجمه نهج الحق و کشف الصدق، ص: ۲۳۶

هر کسی به شاخی از آن درخت چنگ زند خدایش به بهشت آورد.» «۱»

همچنین در آن کتاب از ابو سـعید خـدری نقل شـده است که پیامبر فرمود: «من دو میراث برای شـما باقی می گذارم که اگر به آنها دست یازید گمراه نشوید؛ آن دو میراث گرانسـنگ، یکی از دیگری برتر است: کتاب خدا و اهل بیت و خاندانم. این دو از هم جدا نمی گردند تا بر حوض وارد شوند.»

احمد همین روایت را با طریقه های دیگر بیان نموده است.

در دو موضع صحیح مسلم از زید بن ارقم روایت شده است که فرستاده خدا در کنار آبی میان مکه و مدینه که «خم» نامیده می شد خطبه خواند و پس از اندرز فرمود:

ص: ۲۰

«ای مردم من انسانی هستم که بدون تردید فرشته مرگ و فرستاده خدایم را دیدار خواهم کرد اما در میان شما دو میراث گرانقدر بر جای می نهم، نخستین آنها کتاب حق است که در آن هدایت و نور است، به آن دست یازید و چنگ زنید، در آن بیندیشید و به آن اهتمام ورزید. سپس فرمود: و اهل بیت و خاندان من، اهل بیتم را به شما خاطر نشان می کنم، در رفتار با آنها خداوند را به یاد آورید در رفتار با آنها خداوند را به یاد آورید در رفتار با آنها خداوند را به یاد آورید.» «۲»

ترجمه نهج الحق و کشف الصدق، ص: ۲۳۷

زمخشری که از دشمن ترین افراد نسبت به خاندان پیامبر بود و جمهور او را مرد امین و معتمد مأمون می شناسند، روایت می کند که پیامبر فرمود: «فاطمه قلب و پسرانش پاره تن و شوهرش نور چشمان منند. امامانی که از فرزندان اویند امینان خدایند و بند کشیده میان حق و خلق، هر که به آنها چنگ زند رهایی یابد و هر که

ترجمه نهج الحق و کشف الصدق، ص: ۲۳۸

ایشان را فرو نهد، فرو افتد.» «۱»

ثعلبی در تفسیر گفتار خدای بزرگ: «و همگان دست در ریسمان خدا زنید و پراکنده مشوید.» «۲» به اسانید فراوان از پیامبر آورده است که حضرتش فرمود: «ای مردم در میان شما دو گرانسنگ بر جا نهادم. دو جانشین که اگر از آنها پیروی کنید پس از من گمراه نگردید و از آن دو یکی از دیگری برتر است، کتاب خدا که بند کشیده میان آسمان و زمین است و عترت و اهل بیت من. آن دو از هم جدا نمی شوند تا در کنار حوض بر من در آیند.»

ص: ۲۱

و در جمع بین صحیحین روایت است: «نزدیک است که فرستاده خدایم نزد من آید و او را پاسخ گویم. من در میان شما دو گرانسنگ بر جای نهم: کتاب خدا که در آن

ترجمه نهج الحق و کشف الصدق، ص: ۲۳۹

هدایت و نور است، به آن چنگ زنید و اهل بیتم، شما را به آنها سفارش می کنم.»

حدیث کساء

در مسند احمد بن حنبل از برخی طریقه ها و در جمع میان صحاح سته از ام سلمه روایت شده که پیامبر در خانه ام سلمه بود و فاطمه وارد شد. پیامبر فرمود: «شوهر و دو پسرت را بیاور. علی، فاطمه، حسن و حسین آمدند. رسول خدا بر پوششی خیبری نشسته بود که خداوند این آیه را فرستاد: «ای اهل بیت، خدا می خواهد پلیدی را از شما دور کند و شما را پاک دارد.» «۱» پیامبر کساء را بر ایشان افکند و دست به آسمان برداشت و گفت: اینان اهل بیت من هستند. (ام سلمه می گوید) من نیز سرم را داخل اتاق نمودم و پرسیدم: من هم با آنها هستم. پیامبر فرمود: تو بر خیری.»

نزدیک به همین معنا در برخی از مواضع صحیح ابی داوود، موطا مالک و صحیح مسلم از برخی طریقه ها روایت شده است. «۲»

وزیر پیامبر

همین روایت را صدر الائمه، محمّد بن احمد المکی ذکر کرده است.

در مسند احمد آمده است که پیامبر فرمود: «خدایا من همان سخنی را که برادرم

موسی گفت می گویم: برای من وزیری از اهلم قرار ده، برادرم علی را و بواسطه او پشتم را نیرومند ساز و علی را در کار من شریک گردان.»

ص: ۲۲

ترجمه نهج الحق و کشف الصدق، ص: ۲۴۰

بیان قدرت صاحب غدیر

[تاریخ بغداد خطیب بغدادی ۱/ ۱۳۳] به سند خود، از «ربعی بن خراش» روایت می کند که در مدائن از علی علیه السّلام شنیدم، می فرمود: «سهیل بن عمرو» حضور رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله شرفیاب شد و عرض کرد که عده ای از بردگان ما که از امور دینی بهره ای نمی توانند ببرند به شما پیوسته اند، از شما تقاضا داریم که آنها را به ما تحویل دهی. «ابو بکر» و «عمر» از فرصت استفاده کرده، گفتند: یا رسول اللّه! «سهیل» راست می گوید! رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله (به سخن آندو اعتنائی نکرد و) خطاب به قریش، فرمود: ای گروه قریش! اگر از این تصمیم منصرف نشوید، خدای تعالی مردی را علیه شما برمی انگیزد که دلش را به نور ایمان امتحان کرده است و او گردن شما را که مانند شتران بیمناك و سر کنده از این طرف به آن طرف می روند، می زند. «ابو بکر» گفت: یا رسول الله! آن مرد من هستم؟! حضرت فرمود:

نه. «عمر» گفت: آیا آن مرد من هستم؟! حضرت فرمود: نه. بلکه آن مرد همان کسی است که کفش را وصله می زند. همان هنگام علی علیه السّلام داشت کفش رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله را وصله می زد.

مؤلف گوید: «خطیب» همین روایت را به طریق دیگر در [۸/ ۴۳۳] روایت می کند و «طحاوی» مختصری از آن حدیث را در [شرح معانی الآثار ۲/ ۴۰۸] نقل کرده است

. فضائل پنج تن(ع)در صحاح ششگانه اهل سنت ،ج ۳،ص:۲۰۷

۲۳ سال بیان فضائل امیرالمومنین در کلام پیامبر

ولادت امیرالمومنین از زبان پیامبر

ولادت در کعبه

ص: ۲۳

در کتـاب روضه الواعظین و سـایر کتب معتبره از جابر بن عبـد الله انصاری روایت کرده انـد که جابر گفت: سؤال کردم از حضـرت رسالت صـلّی اللّه علیه و آله و سـلّم از ولادت با سعادت حضرت امیر المؤمنین علیه السّلام. حضرت فرمود که: آه آه سؤال کردی از بهترین کسـی که بعـد از من متولّد شده است و سـنّت حضـرت مسـیح علیه السّـلام در او جاری خواهد شد، به درستی که حق تعالی خلق کرد مرا و علی را از یک نور پیش از آنکه خلایق را بیافریند به پانصد هزار سال، پس ما در عالم ملکوت تسبیح و تقدیس حیّ لاـ یموت می گفـتیم، چون حق تعـالی آدم را آفریـد مـا را در صـلب او قرار داد، پس من در جـانب راست او قرار گرفتم و علی در جانب چپ او،

---

(۱) امالی شیخ طوسی ۴۵۶.

(۲) عیون أخبار الرضا ۲/ ۶۵.

(۳) کافی ۱/ ۴۵۴.

جلاء العیون، مجلسی ،ص:۲۹۵

پس ما را نقل کرد از صلب آدم بسوی اصلاب طاهره و ارحام پاکیزه، پس مرا از صلب طیّبه بیرون آورد که عبد الله بن عبد المطلّب بـود، و در بهـترین رحمی قرار داد که آن رحم آمنه بـود، پس علی را از صـلب طـاهری بیرون آورد که ابو طـالب بود و در بهـترین رحمی قرار داد که آن رحم فاطمه بنت اسد بود.

پس حضـرت فرمود: ای جـابر پیش از آنکه علی در شـکم مـادرش قرار گیرد، در زمان او مرد راهبی بود که او را مثرم بن رعیبا می گفتنـد، و در عبادت و زهد مشـهور آفاق بود، و در مدّت صد و نود سال حق تعالی را به صدق و اخلاص عبادت کرده بود، از خدا برای خود حـاجتی نطلبیـده بود. روزی از پروردگـار خود سؤال کرد که دوستی از دوسـتان خود را به او بنمایـد، پس حق تعـالی ابو طالب را به نزد او فرستاد، چون مثرم ابو طالب را دید و انوار جلالت در جبین او مشاهده نموده، برخاست و سر او را بوسید، او را در پیش روی خود نشانیـد و گفت: تو کیستی خـدا تو را رحمت کنـد؟ ابو طالب گفت: منم مردی از اهل تهامه، پرسـید از کـدام شـهر تهامه؟ ابو طالب گفت: از مکّه، پرسـید از کدام قبیله؟ ابو طالب گفت: از فرزندان عبد مناف، پرسـید که: از کدام شـعبه عبد مناف؟ گفت: از فرزندان هاشم.

ص: ۲۴

چون راهب این نسب بزرگوار را شنید، برجست و بار دیگر سر آن سرور را بوسید و گفت: حمد و سپاس می کنم خداوندی را که مسئلت مرا به من عطـا فرمود، و مرا از دنیا نبرد تا دوستی از دوسـتان خود را به من نمود، پس گفت: بشارت باد تو را که حق تعالی مرا در باب تو بشارتی الهام کرده است، ابو طالب گفت: آن بشارت کدام است؟ مثرم گفت:

فرزنـدی از صـلب تو بیرون خواهـد آمد که او ولیّ خدا و پیشوای متّقیان و وصـیّ رسول پروردگار عالمیان باشد، چون آن فرزند را دریابی، سلام مرا به او برسان و بگو که: مثرم تو را سلام می رساند و گواهی می دهد به وحدانیّت خدا و آنکه او را شریکی نیست، و شـهادت می دهـد که محمّـد بنـده و رسول خـدا است و تو وصـیّ اوئی، و به محمّـد تمـام می شود پیغمبری و به تو تمام می شود وصیّت.

چـون ابو طـالب این بشـارت را شـنید، قطرات اشـک از دیـده باریـد گفت: آن مولود چه نـام دارد؟ گفت: نـام او علی است، گفت: حقیقت گفتار تو بر من ظاهر نمی شود مگر به برهان و

جلاء العیون، مجلسی ،ص:۲۹۶

دلیـل واضـحی است که مشاهـده نمایم، مثرم گفت: چه چیز می خواهی که برای تو در این وقت سؤال کنم که حق تعالی بزودی تو را عطا کند تا بدانی که من صادقم در گفتار خود؟ گفت:

در این وقت طعامی از بهشت می خواهم که برای من حاضر شود.

پس راهب مشـغول دعا شد، هنوز دعای او تمام نشده بود که طبقی نزد ایشان حاضر شد که در آن رطب و انگور و انار بهشت بود، پس ابو طـالب انار را برداشت شاد و خنـدان برخاست به منزل خود مراجعت نمود، آن انار را تناول فرمود، حق تعالی از آن انار آبی در صـلب او آفریـد، در همان ساعت با فاطمه بنت اسـد مقاربت نمود و به علی بن أبی طالب علیه السّـلام حامله شـد، چون آن نطفه مبـارک در رحم فـاطمه قرار گرفت، از مهابت آن حضـرت زمین به حرکت آمـد و چنـد روز می لرزیـد، قریش را به این سـبب فزع عظیمی حاصل شد، گفتند:

ص: ۲۵

برخیزیـد که بتهای خود را ببریم بر سـر کوه ابو قبیس، از ایشان سؤال کنیم شاید این زلزله از ما زایل گردد. چون بتها را بر سـر کوه ابو قبیس بالا بردند، زلزله شدیدتر شد، سـنگها از کوه در گردید، و اجزای کوه از هم پاشید و بتها به رو در افتادند. چون این حالت را مشاهده کردند، متحیّر گردیدند گفتند: این بلائی است که ما را رهائی از آن ممکن نیست.

در این حـال ابو طـالب بر کوه برآمـد، از آن حـالت پروائی نمی کرد، پس گفت: ایّهـا النّـاس به درستی که حق تعـالی در این شـب حادثه ای پدیـد آورده است، و خلق مبارکی آفریده است که اگر او را اطاعت نکنید و اقرار به ولایت او ننمائید و شـهادت به امامت او ندهید، این زلزله هرگز از شما ساکن نگردد و یک خانه در تهامه از برای شما نماند، قریش گفتند:

ای ابو طالب آنچه بفرمائی می گوئیم و اطاعت می نمائیم.

پس ابو طالب به گریه آمـد و دست بسوی آسـمان بلنـد کرد گفت: الهی و سـیّدی اسألک بالمحمّـدیه المحموده و بالعلویّه العالیّه و بالفاطمیّه البیضاء الّا تفضّـلت علی تهامه بالرأفه و الرّحمه. یعنی: ای خداوند من و سـیّد من سؤال می کنم از تو به حقّ ملّت محمّد که پسندیده است، و طریقه علی که بلند مرتبه است، و طریقه فاطمه که روشن و نورانی است که البتّه تفضّل کنی بر اهل تهامه به رأفت و رحمت.

پس حضرت فرمود که: به حقّ آن کسی که دانه ها را شکافته و گیاهها را از آن بیرون

جلاء العیون، مجلسی ،ص:۲۹۷

آورده و پروردگار خلایق است، سوگند یاد می کنم که جمیع عرب این کلمات را نوشـتند، و در جاهلیّت هر شدّت که ایشان را رو می داد به این کلمات خدا را دعا می کردند، دعای ایشان مستجاب می شد، و حقیقت معنی این کلمات را نمی دانستند.

ص: ۲۶

چون شب ولادت حضرت امیر المؤمنین علیه السّلام شد، روشنی عظیم در آسمان پیدا شد و نور ستاره ها مضاعف گردیده، پس قریش از مشاهده این احوال متعجّب گردیدند و گفتند:

در آسمان حادثه غریبی حادث گردیده، ابو طالب از خانه بیرون آمد و در کوچه ها و بازارهای مکّه می گشت، به آواز بلند می گفت: ایّها النّاس تمام شد حجّت خدا. چون مردم ابو طالب را دیدند پرسیدند که: این چه انوار است که ما در آسمان مشاهده می کنیم؟

ابو طالب گفت: بشارت باد شما را که ظاهر شد در این شب دوستی از دوستان خدا که حق تعالی در او کامل خواهد کرد خصلتهای خیر را، و به او ختم خواهد کرد اوصیای پیغمبران را و پیشوای متّقیان است، و یاری دهنده دین خداوند عالمیان است، و براندازنده شیطان است، و به خشم آورنده منافقان و زینت عبادت کنندگان است، و وصیّ پیغمبران است، پیشوای هدایت است و نجم فلك رفعت است، و کلید علم حکمت است، و هلاك کننده شرك و شبهه ها است.

ابو طالب پیوسته این کلمات و الفاظ را می گفت تا صبح شد. پس چهل روز از قوم خود غایب گردید، جابر گفت: یا رسول اللّه به کجا رفت؟ حضرت فرمود: به طلب مثرم رفت، او وفات یافته بود در کوه لگام، پس بپوشان یا جابر این حدیث را از غیر اهلش که این از اسرار مکنونه و علوم مخزونه حق تعالی است، به درستی که مثرم وصیّت کرده بود برای ابو طالب غاری را در کوه لگام و گفته بود که: اگر خواهی مرا بیابی، به آن موضع بیا که مرا در آنجا مرده یا زنده خواهی یافت.

ص: ۲۷

چون ابو طالب بسوی آن غار رفت، داخل شـد مثرم را دیـد که مرده است و خود را در جامه ای پیچیده رو به قبله خوابیده است، دو مار یکی سیاه و یکی سفید نزد او هستند و نمی گذارند که آسیبی از جانوری به او برسد و او را حراست می نمایند. چون مارها ابو طالب را دیدند، در غار پنهان شدند، و ابو طالب نزدیک مثرم رفت و گفت: السّلام علیک

جلاء العیون، مجلسی ،ص:۲۹۸

یا ولیّ اللّه و رحمه اللّه و برکاته، پس حق تعالی به قـدرت کامله خود مثرم را زنده گردانید و برخاست و دست بر روی خود مالید و گفت: أشهد أن لا آله الّا اللّه وحده لا شریک له، و أنّ محمّدا عبده و رسوله، و أنّ علیّا ولیّ اللّه و الامام بعد نبیّ اللّه.

پس ابو طالب گفت: بشارت باد تو را که علی به زمین آمـد، مثرم گفت: چه علامت ظاهر شد در شبی که او بوجود آمد؟ ابو طالب گفت: چون ثلثی از شب گـذشت، فاطمه را درد زائیدن گرفت، گفتم به او که: چه می شود تو را ای بهترین زنان؟ گفت: اضـطرابی در خود مشاهـده می نمـایم، پس بر او خوانـدم اسم اعظم الهی را که در آن نجـات از همه دردهـاست تـا آنکه اضـطراب او سـاکن گردیـد، پس به او گفتم: من بروم و جمعی از زنـان را بیاورم که تو را در این امر معاونت نماینـد در این شب، گفت: آنچه می دانی بکن ای ابو طالب. چون برخاستم از کنار خانه، صدای هاتفی را شنیدم که گفت: باش ای ابو طالب که دستهای آلوده به گناهان، به بدن مطهّر او نمی رسد، ناگاه دیدم که چهار زن پیدا شدند و جامه هایی مانند حریر سفید پوشیده بودند و بوی ایشان از بوی مشک نیکوتر بود، چون داخل شدنـد گفتند: السّـلام علیک ای زنی که دوست خدائی، پس فاطمه ایشان را جواب گفت، در پیش روی او نشستند و غالیه دانی بیرون آوردند از نقره و او را یاری کردند و دلداری کردند تا حضرت امیر المؤمنین علیه السّلام متولّد شد، بی تابانه من نزدیک او رفتم، ناگاه دیدم که به سجده رفته است و مانند خورشید تابان نوری از او ساطع است و می گوید:

ص: ۲۸

أشـهد أن لا اله الّا اللّه، و أنّ محمّدا رسول اللّه، و أنّ عليّا وصيّ محمّد رسول اللّه، بمحمّد يختم اللّه النبوّه، و بى يتمّ الوصيّه و أنا أمير المؤمنين.

پس یکی از آن زنان دست دراز کرد، او را در دامان خود گذاشت، چون نظر آن حضرت بر روی او افتاد به زبان فصیح بلیغ گفت: السّلام علیک ای مادر، او در جواب گفت: علیک السّلام ای فرزند گرامی، حضرت گفت: چه خبر داری از پدر من؟ آن زن گفت: در نعمتهای حق تعالی می گردد و به قرب وصال او تنعّم می نماید.

چون این سخن را شنیدم، بی تاب شده گفتم: ای فرزند گرامی مگر من پدر تو نیستم؟

گفت: بلی تو پدر منی و من و تو هر دو از صلب آدم به هم رسیده ایم و این مادر من است

جلاء العیون، مجلسی ،ص:۲۹۹

حوّا. چون این سـخن را شـنیدم، از شـرم حضـرت حوّا سـر خود را به ردای خود پوشانیـدم در زاویه خـانه خزیـدم، پس زن دیگر به نزدیـک او آمـده ظرف غـالیه را در دست داشت و علی را گرفت. چون نظر آن حضـرت بر روی او افتـاد گفت: السّـلام علیـک ای خواهر من، آن زن گفت: و علیک السّلام ای برادر من، پس حضرت فرمود: از عمّ من چه خبر داری؟ گفت:

حال او نیک است و تو را سلام می رساند، در این حال گفتم: ای فرزند این خواهر کیست؟

و این عمّ کیست؟ فرمـود: این مریم دخـتر عمران است، و عمّ من عیسـی بن مریم است، پس آن زن بـوی خـوش از آن ظرف غـالیه بیرون آورد و آن طیّب را به آن بـوی خوش مطیّب گردانیـد، پس زنی دیگر او را گرفت و او را در جـامه ای که بـا خود آورده بود پیچید.

ص: ۲۹

ابو طالب گفت: در این حال گفتم: اگر او را اکنون ختنه می کردیم بر او آسان تر بود، زیرا که سنّت عرب در آن وقت چنین بود که فرزندان خود را ختنه می کردند، آن زن گفت: ای ابو طالب این فرزند طاهر و مطهّر است و نمی چشد او گرمی آهن را در دنیا مگر بر دست مردی که خدا و رسول و ملائکه و آسمانها و زمینها و کوه ها و دریاها او را دشمن می دارند و لعنت می کنند، و آتش جهنّم مشتاق اوست. ابو طالب گفت: آن مرد کیست؟ آن زنان گفتند: ابن ملجم مرادی است که او را در کوفه شهید خواهد کرد بعد سی سال از وفات محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم. ابو طالب گفت: در این حال حضرت رسالت صلّی اللّه علیه و آله و سلّم به خانه درآمد و آن حضرت را از دست آن زنان گرفت و دست او را به دست خود گرفت و سخنان بسیار به او گفت، علی علیه السّلام نیز اسرار بسیار به آن حضرت گفت، پس آن زنان غایب شدند و در خاطر خود گفتم: کاش آن دو زن دیگر را می شناختم.

در این حال علی علیه السّلام به الهام حق تعالی گفت: ای پدر من! زن اوّل حوّا مادر عالمیان بود، و زن دوّم مریم دختر عمران بود، و آن زنی که مرا در جامه پیچید آسیه زن فرعون بود، و آن زنی که مرا خوشبو گردانید مادر موسی علیه السّلام بود. پس گفت: برو در این وقت بسوی مثرم و او را بشارت ده به ولادت من، و آنچه دیدی و شنیدی به او بازگوی، او در فلان غار است، و خبر این مار را نیز به من گفت. پس من به فرموده او به نزد او آمدم و احوال او این بود که به تو گفتم.

ص: ۳۰

جلاء العیون، مجلسی ،ص:۳۰۰

چون از سخنان خود با حضرت رسول صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فارغ شد، به حالت طفولیّت برگشت و ساکت شد، چون مثرم این را شنید به سجده افتاد و شکر حق تعالی بجا آورد و رو به قبله خوابید و گفت: جامه بر روی من بپوشانید. چون جامه را بر روی او افکندم، به سرای باقی رحلت کرد و به حالت خود برگشت، سه روز در آنجا ماندم، هر چند به او سخن گفتم جواب نشنیدم. پس آن مارها بیرون آمده به سخن آمدند و گفتند: السّلام علیك یا ابا طالب. چون جواب سلام ایشان گفتم، گفتند: برو ملحق شو به ولیّ خدا که تو از همه کس سزاوارتری به حراست و محافظت او، من گفتم به ایشان: کیستید شما؟ گفتند: ما عمل شایسته اوئیم، حق تعالی ما را از نیکیهای عمل او خلق کرده تا آنکه دفع کنیم اذیّتها را از او تا روز قیامت. چون در روز قیامت زنده شود، یکی از ما در پیش روی او و دیگری در عقب او خواهیم بود، و راهنمائی او خواهیم کرد بسوی بهشت، پس ابو طالب به مکّه برگشت.

جابر گفت: چون حضرت رسالت صلّی اللّه علیه و آله و سلّم این خبر را نقل کرد گفتم: اللّه اکبر مردم می گویند ابو طالب کافر مرد، حضرت فرمود: ای جابر! پروردگار تو به غیب داناتر است، در شب معراج چون به زیر عرش رسیدم چهار نور دیدم گفتم: الهی این نورها چیست؟ ندا رسید: یا محمّد یکی عبد المطّلب و دیگری ابو طالب و دیگری پدر تو عبد الله و دیگری برادر تو طالب است، گفتم: الها ایشان این درجه را به چه چیز یافته اند؟ حق تعالی فرمود:

ص: ۳۱

به آنکه ایمان خود را پنهان داشتند، از قوم خود تقیه کردند و به آزارهای ایشان صبر کردند تا از دنیا رحلت نمودند «۱».

مؤلّف گویـد: می تواند بود که این احوال در میان کعبه واقع شده باشد تا آنکه با احادیث دیگر مخالفت نداشته باشد، و آنکه واقع شده بود که حرارت آهن به آن حضرت نخواهد رسید مگر بر دست ابن ملجم، شاید مراد آن باشد که جراحتی که بی اختیار خود و دوستان او باشد به او نخواهد رسید مگر در ضربت آخر، زیرا که آن جراحتهای دیگر را خود باعث شد و برای خدا خود را در معرض آنها می آورد، و محتمل است که در آن جراحات دیگر

---

(۱) روضه الواعظین ۷۷.

جلاء العیون، مجلسی ،ص:۳۰۱

المی به آن حضرت نرسیده باشد. ایضا ذکر طالب برادر آن حضرت غریب است و محتمل است که برادر حضرت امیر المؤمنین مراد باشد، چون در بعضی اخبار وارد شده که او مسلمان از دنیا رفت، و در بعضی از کتب به جای او جعفر بن أبی طالب مذکور است.

خلقت نوری

محمّد بن العبّاس به سند خود از ابن عبّاس روایت کرده است که گفت: روزی در خدمت حضرت رسول صلّی اللّه علیه و آله و سلّم بودیم، حضرت امیر المؤمنین علیه السّلام پیدا شد، چون آن حضرت را نظر بر او افتاد تبسّم نمود فرمود: مرحبا به آن کسی که خدا او را پیش از آدم خلق کرده است به چهل هزار سال، گفتم: یا رسول اللّه می تواند بود که فرزند پیش از پدر مخلوق شود؟ فرمود: بلی، حق تعالی خلق کرد نور مرا و علی را پیش از آنکه آدم را خلق کند به این مدّت، پس آن را به دونیم کرد، از نصف آن مرا آفرید و از نصفی علی را آفرید پیش از آنکه اشیاء دیگر را بیافریند، و آنها را از نور من و نور علی منوّر گردانید، پس ما را در جانب راست عرش خود جا داد، بعد از ما ملائکه را آفرید.

ص: ۳۲

چون ما تسبیح و تهلیل و تحمید حق تعالی کردیم، ملائکه از ما آموختند تسبیح و تکبیر و تهلیل حق تعالی را، پس حق تعالی چنین مقرّر فرمود که دوست من و علی داخل جهنّم نشود و دشمن من و علی داخل بهشت نشود، به درستی که حق تعالی ملکی چند آفریده است که در دست ایشان ابریقهاست از نقره بهشت، و آن ابریقها را پر کرده اند از آب حیات که چشمه ای است از جنّه الفردوس. چون اراده می نماید پدر یکی از شیعیان علی که با مادر او مقاربت نماید در وقتی که حق تعالی می خواهد که نطفه او منعقد شود، یکی از آن ملائکه می آید و از آن آب بهشت قدری می ریزد در آبی که او در آن وقت می آشامد و آن آب با نطفه او مخلوط می گردد، پس به این سبب به هم می رسد در دل او محبّت من و علی و فاطمه و حسن و حسین و نه امام از فرزندان حسین.

پس حضرت فرمود که: شکر می کنم خداوندی را که محبّت علی و ایمان به او را سبب دخول بهشت و نجات از جهنّم گردانیده است «۱».

جلاء العیون، مجلسی ،ص:۲۹۱

واقعه غدیر

واقعه ی تاریخی غدیر خم، در روز هجده ذی الحجه سال دهم هجری اتفاق افتاد، و خداوند به وسیله ی پیک وحی، حضرت جبرییل، قبولی رسالتِ بیست و سه ساله ی آن حضرت، را با آن همه زحمت، در گرو انتصاب علی علیه السلام به عنوان جانشین خود، قرار داد. قرآن شریف به این امر مهم اشاره نموده است، آنجا که می فرماید: «وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَما بَلَّغْتَ رِسالَتَهُ»(۶)؛ «[ای پیامبر! آن چه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است، (به مردم) برسان!] و اگر نکنی، رسالت او را انجام نداده ای!»

ص: ۳۳

پس از اجرای این حکم الهی، خداوند، بر رسالت خاتم الاوصیاء، و اسلام با علی بن ابی طالب علیه السلام، مهر تأیید زد، و فرمود:

«الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دينَكُمْ وَ أَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتي وَ رَضيتُ لَكُمُ الْإِسْلامَ ديناً»(۷)؛ «امروز، دین شما را کامل کردم؛ و نعمت خود را بر شما تمام نمودم؛ و اسلام را به عنوان آئین (جاودان) شما پذیرفتم.»

خداوند پیامبرش را از توطئه ی منافقین در به هم زدن چنین کنگره ی عظیم جهان اسلام، در روز غدیر، حفظ نمود و فرمود:

«وَ اللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ»(۸)؛ «خداوند تو را از (خطرات احتمالی) مردم، نگاه می دارد.»

خطابه پیامبراکرم صلی الله علیه و آله در روز غدیرخم

متن عربی

؛ خطبه رسول الله فی یوم الغدیر باللغه العربیه

اَلْحَمْدُ لِلّهِ الَّذی عَلا فی تَوَحُّدِهِ وَ دَنا فی تَفَرُّدِهِ وَجَلَّ فی سُلْطانِهِ وَعَظُمَ فی اَرْکانِهِ، وَاَحاطَ بِکُلِّ شَیءٍ عِلْماً وَ هُوَ فی مَکانِهِ وَ قَهَرَ جَمیعَ الْخَلْقِ بِقُدْرَتِهِ وَ بُرْهانِهِ،حَمیداً لَمْ یَزَلْ، مَحْموداً لایَزالُ (وَ مَجیداً لایَزولُ، وَمُبْدِئاً وَمُعیداً وَ کُلُّ أَمْرٍ إِلَیْهِ یَعُودُ). بارِئُ الْمَسْمُوکاتِ وَداحِی الْمَدْحُوّاتِ وَجَبّارُ الْأَرَضینَ وَ السّماواتِ، قُدُّوسٌ سُبُّوحٌ، رَبُّ الْمَلائِکَهِ وَالرُّوحِ، مُتَفَضِّلٌ عَلی جَمیعِ مَنْ بَرَأَهُ، مُتَطَوِّلٌ عَلی جَمیعِ مَنْ أَنْشَأَهُ. یَلْحَظُ کُلَّ عَیْنٍ وَالْعُیُونُ لاتَراهُ. کَریمٌ حَلیمٌ ذُوأَناتٍ، قَدْ وَسِعَ کُلَّ شَیءٍ رَحْمَتُهُ وَ مَنَّ عَلَیْهِمْ بِنِعْمَتِهِ. لا یَعْجَلُ بِانْتِقامِهِ، وَلایُبادِرُ إِلَیْهِمْ بِمَا اسْتَحَقُّوا مِنْ عَذابِهِ. قَدْفَهِمَ السَّرائِرَ وَ عَلِمَ الضَّمائِرَ، وَلَمْ تَخْفَ عَلَیْهِ الْمَکْنوناتُ ولا اشْتَبَهَتْ عَلَیْهِ الْخَفِیّاتُ. لَهُ الْإِحاطَهُ بِکُلِّ شَیءٍ، والغَلَبَهُ علی کُلِّ شَیءٍ والقُوَّهُ فی کُلِّ شَیءٍ والقُدْرَهُ عَلی کُلِّ شَیءٍ وَلَیْسَ مِثْلَهُ شَیءٌ. وَ هُوَ مُنْشِئُ الشَّیءِ حینَ لاشَیءَ دائمٌ حَی وَقائمٌ بِالْقِسْطِ، لاإِلاهَ إِلاَّ هُوَ الْعَزیزُالْحَکیمُ. جَلَّ عَنْ أَنْ تُدْرِکَهُ الْأَبْصارُ وَ هُوَ یُدْرِکُ الْأَبْصارَ وَ هُوَاللَّطیفُ الْخَبیرُ. لایَلْحَقُ أَحَدٌ وَصْفَهُ مِنْ مُعایَنَهٍ، وَلایَجِدُ أَحَدٌ کَیْفَ هُوَمِنْ سِرٍ وَ عَلانِیَهٍ إِلاّ بِمادَلَّ عَزَّوَجَلَّ عَلی نَفْسِهِ. وَأَشْهَدُ أَنَّهُ الله الَّذی مَلَأَ الدَّهْرَ قُدْسُهُ، وَالَّذی یَغْشَی الْأَبَدَ نُورُهُ، وَالَّذی یُنْفِذُ أَمْرَهُ بِلامُشاوَرَهِ مُشیرٍ وَلامَعَهُ شَریکٌ فی تَقْدیرِهِ وَلایُعاوَنُ فی تَدْبیرِهِ. صَوَّرَ مَا ابْتَدَعَ عَلی غَیْرِ مِثالٍ، وَ خَلَقَ ما خَلَقَ بِلامَعُونَهٍ مِنْ أَحَدٍ وَلا تَکَلُّفٍ وَلاَ احْتِیالٍ. أَنْشَأَها فَکانَتْ وَ بَرَأَها فَبانَتْ. فَهُوَالله الَّذی لا إِلاهَ إِلاَّ هُوالمُتْقِنُ الصَّنْعَهَ، اَلْحَسَنُ الصَّنیعَهِ، الْعَدْلُ الَّذی لایَجُورُ، وَالْأَکْرَمُ الَّذی تَرْجِعُ إِلَیْهِ الْأُمُورُ. وَأَشْهَدُ أَنَّهُ الله الَّذی تَواضَعَ کُلُّ شَیءٍ لِعَظَمَتِهِ، وَذَلَّ کُلُّ شَیءٍ لِعِزَّتِهِ، وَاسْتَسْلَمَ کُلُّ شَیءٍ لِقُدْرَتِهِ، وَخَضَعَ کُلُّ شَیءٍ لِهَیْبَتِهِ. مَلِکُ الْاَمْلاکِ وَ مُفَلِّکُ الْأَفْلاکِ وَمُسَخِّرُالشَّمْسِ وَالْقَمَرِ، کُلٌّ یَجْری لِاَجَلٍ مُسَمّی. یُکَوِّرُاللَّیْلَ عَلَی النَّهارِ وَیُکَوِّرُالنَّهارَ عَلَی اللَّیْلِ یَطْلُبُهُ حَثیثاً. قاصِمُ کُلِّ جَبّارٍ عَنیدٍ وَ مُهْلِکُ کُلِّ شَیْطانٍ مَریدٍ. لَمْ یَکُنْ لَهُ ضِدٌّ وَلا مَعَهُ نِدٌّ أَحَدٌ صَمَدٌ لَمْ یَلِدْ وَلَمْ یُولَدْ وَلَمْ یَکُنْ لَهُ کُفْواً أَحَدٌ. إلاهٌ واحِدٌ وَرَبٌّ ماجِدٌ یَشاءُ فَیُمْضی، وَیُریدُ فَیَقْضی، وَیَعْلَمُ فَیُحْصی، وَیُمیتُ وَیُحْیی، وَیُفْقِرُ وَیُغْنی، وَیُضْحِکُ وَیُبْکی، (وَیُدْنی وَ یُقْصی) وَیَمْنَعُ وَ یُعْطی، لَهُ الْمُلْکُ وَلَهُ الْحَمْدُ، بِیَدِهِ الْخَیْرُ وَ هُوَ عَلی کُلِّ شَیءٍ قَدیرٌ. یُولِجُ اللَّیْلَ فِی النَّهارِ وَیُولِجُ النَّهارَ فی اللَّیْلِ، لاإِلاهَ إِلاّهُوَالْعَزیزُ الْغَفّارُ. مُسْتَجیبُ الدُّعاءِ وَمُجْزِلُ الْعَطاءِ، مُحْصِی الْأَنْفاسِ وَ رَبُّ الْجِنَّهِ وَالنّاسِ، الَّذی لایُشْکِلُ عَلَیْهِ شَیءٌ، وَ لایُضْجِرُهُ صُراخُ الْمُسْتَصْرِخینَ وَلایُبْرِمُهُ إِلْحاحُ الْمُلِحّینَ. اَلْعاصِمُ لِلصّالِحینَ، وَالْمُوَفِّقُ لِلْمُفْلِحینَ، وَ مَوْلَی الْمُؤْمِنینَ وَرَبُّ الْعالَمینَ. الَّذی اسْتَحَقَّ مِنْ کُلِّ مَنْ خَلَقَ أَنْ یَشْکُرَهُ وَیَحْمَدَهُ (عَلی کُلِّ حالٍ). أَحْمَدُهُ کَثیراً وَأَشْکُرُهُ دائماً عَلَی السَّرّاءِ والضَّرّاءِ وَالشِّدَّهِ وَالرَّخاءِ، وَأُومِنُ بِهِ و بِمَلائکَتِهِ وکُتُبِهِ وَرُسُلِهِ. أَسْمَعُ لِاَمْرِهِ وَاُطیعُ وَأُبادِرُ إِلی کُلِّ مایَرْضاهُ وَأَسْتَسْلِمُ لِماقَضاهُ، رَغْبَهً فی طاعَتِهِ وَ خَوْفاً مِنْ عُقُوبَتِهِ، لِاَنَّهُ الله الَّذی لایُؤْمَنُ مَکْرُهُ وَلایُخافُ جَورُهُ. وَأُقِرُّلَهُ عَلی نَفْسی بِالْعُبُودِیَّهِ وَ أَشْهَدُ لَهُ بِالرُّبُوبِیَّهِ، وَأُؤَدّی ما أَوْحی بِهِ إِلَیَّ حَذَراً مِنْ أَنْ لا أَفْعَلَ فَتَحِلَّ بی مِنْهُ قارِعَهٌ لایَدْفَعُها عَنّی أَحَدٌ وَإِنْ عَظُمَتْ حیلَتُهُ وَصَفَتْ خُلَّتُهُ

ص: ۳۴

- لاإلاهَ إلاّهُوَ - لِأنّهُ قَدْأَعْلَمَنی أَنّی إنْ لَمْ أُبَلِّغْ ما أَنْزَلَ إلَی (فی حَقِّ عَلِی) فَما بَلِّغْتُ رِسالَتَهُ، وَقَدْ ضَمِنَ لی تَبارَکَ وَتَعالَی الْعِصْمَهَ (مِنَ النّاسِ) وَ هُوَالله الْکافِی الْکَریمُ.

فَأَوْحی إلَی: (بِسْمِ الله الرَّحْمانِ الرَّحیم، یا أَیُهَاالرَّسُولُ بَلِّغْ ما أُنْزِلَ إلَیْکَ مِنْ رَبِّکَ - فی عَلِی یَعْنی فِی الْخِلاَفِهِ لِعَلِی بْنِ أَبی طالِبٍ - وَإنْ لَمْ تَفْعَلْ فَما بَلِّغْتَ رِسالَتَهُ وَالله یَعْصِمُکَ مِنَ النّاسِ).

مَعاشِرَالنّاسِ، ما قَصَّرْتُ فی تَبْلیغِ ما أَنْزَلَ الله تَعالی إلَی، وَ أَنَا أُبَیِّنُ لَکُمْ سَبَبَ هذِهِ الْآیَهِ: إنّ جَبْرئیلَ هَبَطَ إلَی مِراراً ثَلاثاً یَأْمُرُنی عَنِ السَّلامِ رَبّی - وَ هُوالسَّلامُ - أنْ أَقُومَ فی هذَا الْمَشْهَدِ فَأُعْلِمَ کُلَّ أَبْیَضَ وَأَسْوَدَ: أنّ عَلِی بْنَ أَبی طالِبٍ أَخی وَ وَصِیّی وَ خَلیفَتی (عَلی أُمَّتی) وَالْإمامُ مِنْ بَعْدی، الَّذی مَحَلُّهُ مِنّی مَحَلُّ هارُونَ مِنْ مُوسی إلاّ أَنَّهُ لانَبِی بَعْدی وَهُوَ وَلِیُّکُمْ بَعْدَالله وَ رَسُولِهِ.

وَقَدْ أَنْزَلَ الله تَبارَکَ وَ تَعالی عَلَی بِذالِکَ آیَهً مِنْ کِتابِهِ (هِی): (إنَّما وَلِیُّکُمُ الله وَ رَسُولُهُ وَالَّذینَ آمَنُواالَّذینَ یُقیمُونَ الصَّلاهَ وَیُؤْتونَ الزَّکاهَ وَ هُمْ راکِعُونَ)، وَ عَلِی بْنُ أَبی طالِبٍ الَّذی أَقامَ الصَّلاهَ وَ آتَی الزَّکاهَ وَهُوَ راکِعٌ یُریدُالله عَزَّوَجَلَّ فی کُلِّ حالٍ.

وَسَأَلْتُ جَبْرَئیلَ أنْ یَسْتَعْفِی لِی (السَّلامَ) عَنْ تَبْلیغِ ذالِکَ إلیْکُمْ - أَیُّهَاالنّاسُ - لِعِلْمی بِقِلَّهِ الْمُتَّقینَ وَکَثْرَهِ الْمُنافِقینَ وَإدغالِ اللّائمینَ وَ حِیَلِ الْمُسْتَهْزِئینَ بِالْإسْلامِ، الَّذینَ وَصَفَهُمُ الله فی کِتابِهِ بِأَنَّهُمْ یَقُولُونَ بِأَلْسِنَتِهِمْ مالَیْسَ فی قُلوبِهِمْ، وَیَحْسَبُونَهُ هَیِّناً وَ هُوَ عِنْدَالله عَظیمٌ.

وَکَثْرَهِ أَذاهُمْ لی غَیْرَ مَرَّهٍ حَتّی سَمَّونی أُذُناً وَ زَعَمُوا أَنّی کَذالِکَ لِکَثْرَهِ مُلازَمَتِهِ إیّی وَ إقْبالی عَلَیْهِ (وَ هَواهُ وَ قَبُولِهِ مِنّی) حَتّی أَنْزَلَ الله عَزَّوَجَلَّ فی ذالِکَ (وَ مِنْهُمُ الَّذینَ یُؤْذونَ النَّبِی وَ یَقولونَ هُوَ أُذُنٌ، قُلْ أُذُنُ (- عَلَی الَّذینَ یَزْعُمونَ أَنَّهُ أُذُنٌ -) خَیْرٍ لَکُمْ، یُؤْمِنُ بِالله وَ یُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنینَ) الآیَهُ.

ص: ۳۵

وَلَوْشِئْتُ أَنْ أُسَمِّی الْقائلینَ بِذالِکَ بِأَسْمائِهِمْ لَسَمَّیْتُ وَأَنْ أُوْمِئَ إِلَیْهِمْ بِأَعْیانِهِمْ لَأَوْمَأْتُ وَأَنْ أَدُلَّ عَلَیْهِمْ لَدَلَلْتُ، وَلکِنِّی وَالله فی أُمورِهِمْ قَدْ تَکَرَّمْتُ. وَکُلُّ ذالِکَ لایَرْضَی الله مِنّی إِلاّ أَنْ أُبَلِّغَ ما أَنْزَلَ الله إِلَیَّ (فی حَقِّ عَلِی)، ثُمَّ تلا: (یا أَیُّهَاالرَّسُولُ بَلِّغْ ما أُنْزِلَ إِلَیْکَ مِنْ رَبِّکَ –فی حَقِّ عَلِی –وَ انْ لَمْ تَفْعَلْ فَما بَلَّغْتَ رِسالَتَهُ وَالله یَعْصِمُکَ مِنَ النّاسِ). فَاعْلَمُوا مَعاشِرَ النّاسِ (ذالِکَ فیهِ وَافْهَموهُ وَاعْلَمُوا) أَنَّ الله قَدْ نَصَبَهُ لَکُمْ وَلِیّاً وَإِماماً فَرَضَ طاعَتَهُ عَلَی الْمُهاجِرینَ وَالْأَنْصارِ وَ عَلَی التّابِعینَ لَهُمْ بِإِحْسانٍ، وَ عَلَی الْبادی وَالْحاضِرِ، وَ عَلَی الْعَجَمِی وَالْعَرَبی، وَالْحُرِّ وَالْمَمْلوکِ وَالصَّغیرِ وَالْکَبیرِ، وَ عَلَی الْأَبْیَضِ وَالأَسْوَدِ، وَ عَلی کُلِّ مُوَحِّدٍ.

ماضٍ حُکْمُهُ، جازٍ قَوْلُهُ، نافِذٌ أَمْرُهُ، مَلْعونٌ مَنْ خالَفَهُ، مَرْحومٌ مَنْ تَبِعَهُ وَ صَدَّقَهُ، فَقَدْ غَفَرَالله لَهُ وَلِمَنْ سَمِعَ مِنْهُ وَ أَطاعَ لَهُ.

مَعاشِرَالنّاسِ، إِنَّهُ آخِرُ مَقامٍ أَقُومُهُ فی هذا الْمَشْهَدِ، فَاسْمَعوا وَ أَطیعوا وَانْقادوا لِاَمْرِ(الله) رَبِّکُمْ، فَإِنَّ الله عَزَّوَجَلَّ هُوَ مَوْلاکُمْ وَإِلاهُکُمْ، ثُمَّ مِنْ دونِهِ رَسولُهُ وَنَبِیُهُ الْمخاطِبُ لَکُمْ، ثُمَّ مِنْ بَعْدی عَلی وَلِیُّکُمْ وَ إِمامُکُمْ بِأَمْرِالله رَبِّکُمْ، ثُمَّ الْإِمامَهُ فی ذُرِّیَّتی مِنْ وُلْدِهِ إِلی یَوْمٍ تَلْقَوْنَ الله وَرَسولَهُ.

لاحَلالَ إِلاّ ما أَحَلَّهُ الله وَ رَسُولُهُ وَهُمْ، وَلاحَرامَ إِلاّ ما حَرَّمَهُ الله (عَلَیْکُمْ) وَ رَسُولُهُ وَ هُمْ، وَالله عَزَّوَجَلَّ عَرَّفَنِی الْحَلالَ وَالْحَرامَ وَأَنَا أَفْضَیْتُ بِما عَلَّمَنی رَبِّی مِنْ کِتابِهِ وَحَلالِهِ وَ حَرامِهِ إِلَیْهِ.

مَعاشِرَالنّاسِ، علی (فَضِّلُوهُ). مامِنْ عِلْمٍ إِلاَّ وَقَدْ أَحْصاهُ الله فِیَّ، وَ کُلُّ عِلْمٍ عُلِّمْتُ فَقَدْ أَحْصَیْتُهُ فی إِمامِ الْمُتَّقینَ، وَما مِنْ عِلْمٍ إِلاّ وَقَدْ عَلَّمْتُهُ عَلِیّاً، وَ هُوَ الْإِمامُ الْمُبینُ (الَّذی ذَکَرَهُ الله فی سُورَهِ یس: (وَ کُلَّ شَیْءٍ أَحْصَیْناهُ فی إِمامٍ مُبینٍ).

مَعاشِرَالنّاسِ، لاتَضِلُّوا عَنْهُ وَلاتَنْفِرُوا مِنْهُ، وَلاتَسْتَنْکِفُوا عَنْ وِلایَتِهِ، فَهُوَالَّذی یَهدی إِلَی الْحَقِّ وَیَعْمَلُ بِهِ، وَیُزْهِقُ الْباطِلَ وَیَنْهی عَنْهُ، وَلاتَأْخُذُهُ فِی الله لَوْمَهُ لائِمٍ. أَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِالله وَ رَسُولِهِ (لَمْ یَسْبِقْهُ إِلَی الْایمانِ بی أَحَدٌ)، وَالَّذی فَدی رَسُولَ الله بِنَفْسِهِ، وَالَّذی کانَ مَعَ رَسُولِ الله وَلا أَحَدَ یَعْبُدُالله مَعَ رَسُولِهِ مِنَ الرِّجالِ غَیْرُهُ.

ص: ۳۶

(أَوَّلُ النّاسِ صَلاةً وَ أَوَّلُ مَنْ عَبَدَالله مَعی. أَمَرْتُهُ عَنِ الله أنْ یَنامَ فی مَضْجَعی، فَفَعَلَ فادِیاً لی بِنَفْسِهِ).

مَعاشِرَالنّاسِ، فَضِّلُوهُ فَقَدْ فَضَّلَهُ الله، وَاقْبَلُوهُ فَقَدْ نَصَبَهُ الله.

مَعاشِرَالنّاسِ، إِنَّهُ إِمامٌ مِنَ الله، وَلَنْ یَتُوبَ الله عَلی أَحَدٍ أَنْکَرَ وِلایَتَهُ وَلَنْ یَغْفِرَ لَهُ، حَتْماً عَلَی الله أنْ یَفْعَلَ ذالِکَ بِمَنْ خالَفَ أَمْرَهُ وَأَنْ یُعَذِّبَهُ عَذاباً نُکْراً أَبَدَا الْآبادِ وَ دَهْرَ الدُّهورِ. فَاحْذَرُوا أنْ تُخالِفوهُ. فَتَصْلُوا ناراً وَقودُهَا النّاسُ وَالْحِجارَهُ أُعِدَّتْ لِلْکافِرینَ.

مَعاشِرَالنّاسِ، بی — وَالله — بَشَّرَالْأَوَّلُونَ مِنَ النَّبِیّینَ وَالْمُرْسَلینَ، وَأَنَا (— وَالله —) خاتَمُ الْأَنْبِیاءِ وَالْمُرْسَلینَ والْحُجَّهُ عَلی جَمیعِ الْمَخْلوقینَ مِنْ أَهْلِ السَّماواتِ وَالْأَرَضینَ. فَمَنْ شَکَّ فی ذالِکَ فَقَدْ کَفَرَ کُفْرَ الْجاهِلِیَّهِ الْأُولی وَ مَنْ شَکَّ فی شَیءٍ مِنْ قَوْلی هذا فَقَدْ شَکَّ فی کُلِّ ما أُنْزِلَ إِلَیَّ، وَمَنْ شَکَّ فی واحِدٍ مِنَ الْأَئمَّهِ فَقَدْ شَکَّ فِی الْکُلِّ مِنْهُمْ، وَالشاکُّ فینا فِی النّارِ.

مَعاشِرَالنّاسِ، حَبانِیَ الله عَزَّوَجَلَّ بِهذِهِ الْفَضیلَهِ مَنّاً مِنْهُ عَلَیَّ وَ إِحْساناً مِنْهُ إِلَیَّ وَلا إِلاهَ إِلاّهُوَ، أَلا لَهُ الْحَمْدُ مِنّی أَبَدَ الْآبِدینَ وَدَهْرَالدّاهِرینَ وَ عَلی کُلِّ حالٍ.

مَعاشِرَالنّاسِ، فَضِّلُوا عَلِیّاً فَإِنَّهُ أَفْضَلُ النّاسِ بَعْدی مِنْ ذَکَرٍ و أُنْثی ما أَنْزَلَ الله الرِّزْقَ وَبَقِیَ الْخَلْقُ.

مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ، مَغْضُوبٌ مَغْضُوبٌ مَنْ رَدَّ عَلَیَّ قَوْلی هذا وَلَمْ یُوافِقْهُ.

أَلا إِنَّ جَبْرئیلَ خَبَّرنی عَنِ الله تَعالی بِذالِکَ وَیَقُولُ: «مَنْ عادی عَلِیّاً وَلَمْ یَتَوَلَّهُ فَعَلَیْهِ لَعْنَتی وَ غَضَبی»، (وَ لْتَنْظُرْ نَفْسٌ ما قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوالله — أنْ تُخالِفُوهُ فَتَزِلَّ قَدَمٌ بَعْدَ ثُبُوتِها — إِنَّ الله خَبیرٌ بِما تَعْمَلُونَ).

مَعاشِرَ النّاسِ، إِنَّهُ جَنْبُ الله الَّذی ذَکَرَ فی کِتابِهِ العَزیزِ، فَقالَ تعالی (مُخْبِراً عَمَّنْ یُخالِفُهُ): (أنْ تَقُولَ نَفْسٌ یا حَسْرَتا عَلی ما فَرَّطْتُ فی جَنْبِ الله).

مَعاشِرَالنّاسِ، تَدَبَّرُوا الْقُرْآنَ وَ افْهَمُوا آیاتِهِ وَانْظُرُوا إِلی مُحْکَماتِهِ وَلاتَتَّبِعوا مُتَشابِهَهُ، فَوَالله لَنْ یُبَیِّنَ لَکُمْ زواجِرَهُ وَلَنْ یُوضِحَ لَکُمْ تَفْسیرَهُ إِلاَّ الَّذی أَنَا آخِذٌ بِیَدِهِ وَمُصْعِدُهُ إِلیَّ وَشائلٌ بِعَضُدِهِ (وَ رافِعُهُ بِیَدَیَ) وَ مُعْلِمُکُمْ: أَنَّ مَنْ کُنْتُ مَوْلاهُ فَهذا عَلِیٌّ مَوْلاهُ، وَ هُوَ عَلِیُّ بْنُ أَبی طالِبٍ أَخی وَ وَصِیّی، وَ مُوالاتُهُ مِنَ الله عَزَّوَجَلَّ أَنْزَلَها عَلَیَّ.

ص: ۳۷

مَعاشِرَالنّاسِ، إنّ عَلِیّاً وَالطِّیِّبینَ مِنْ وُلْدی (مِنْ صُلْبِهِ) هُمُ الثِّقْلُ الْأَصْغَرُ، وَالْقُرْآنُ الثِّقْلُ الْأَکْبَرُ، فَکُلُّ واحِدٍ مِنْهُما مُنْبِئٌ عَنْ صاحِبِهِ وَ مُوافِقٌ لَهُ، لَنْ یَفْتَرِقا حَتّی یَرِدا عَلَی الْحَوْضَ.

أَلا إِنَّهُمْ أُمَناءُ الله فی خَلْقِهِ وَ حُکّامُهُ فی أَرْضِهِ. أَلاوَقَدْ أَدَّیْتُ.

أَلا وَقَدْ بَلَّغْتُ، أَلاوَقَدْ أَسْمَعْتُ، أَلاوَقَدْ أَوْضَحْتُ، أَلا وَ إِنّ الله عَزَّوَجَلَّ قالَ وَ أَنَا قُلْتُ عَنِ الله عَزَّوَجَلَّ، أَلاإِنَّهُ لا «أَمیرَالْمُؤْمِنینَ» غَیْرَ أَخی هذا، أَلا لاتَحِلُّ إِمْرَهُ الْمُؤْمِنینَ بَعْدی لِأَحدٍ غَیْرِه.

ثم قال: «ایهاالنّاسُ، مَنْ اَوْلی بِکُمْ مِنْ اَنْفُسِکُمْ؟ قالوا: الله و رَسُولُهُ. فَقالَ: اَلا من کُنْتُ مَوْلاهُ فَهذا عَلی مَوْلاهُ، اللهمّ والِ مَنْ والاهُ و عادِ مَنْ عاداهُ وَانْصُرْمَنْ نَصَرَهُ واخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ. مَعاشِرَالنّاسِ، هذا عَلِی أخی وَ وَصیی وَ واعی عِلْمی، وَ خَلیفَتی فی اُمَّتی عَلی مَنْ آمَنَ بی وَعَلی تَفْسیرِ کِتابِ الله عَزَّوَجَلَّ وَالدّاعی إلَیْهِ وَالْعامِلُ بِمایَرْضاهُ وَالْمحارِبُ لِاَعْدائِهِ وَالْمُوالی عَلی طاعَتِهِ وَالنّاهی عَنْ مَعْصِیَتِهِ. إِنَّهُ خَلیفَهُ رَسُولِ الله وَ أَمیرُالْمُؤْمِنینَ وَالْإمامُ الْهادی مِنَ الله، وَ قاتِلُ النّاکِثینَ وَالْقاسِطینَ وَالْمارِقینَ بِأَمْرِالله. یَقُولُ الله: (مایُبَدَّلُ الْقَوْلُ لَدَی).

بِأَمْرِکَ یارَبِّ أَقولُ: اَللّهُمَّ والِ مَنْ والاهُ وَعادِ مَنْ عاداهُ (وَانْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَاخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ) وَالْعَنْ مَنْ أَنْکَرَهُ وَاغْضِبْ عَلی مَنْ جَحَدَ حَقَّهُ.

اللهمّ إِنَّکَ أَنْزَلْتَ الْآیَهَ فی عَلِی وَلِیِّکَ عِنْدَتَبْیینِ ذالِکَ وَنَصْبِکَ إِیّاهُ لِهذَا الْیَوْمِ: (الْیَوْمَ أَکْمَلْتُ لَکُمْ دینَکُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَیْکُمْ نِعْمَتی وَ رَضیتُ لَکُمُ الْإِسْلامَ دیناً)، (وَ مَنْ یَبْتَغِ غَیْرَالْإِسْلامِ دیناً فَلَنْ یُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِی الْآخِرَهِ مِنَ الْخاسِرینَ). اللهمّ إِنّی أُشْهِدُکَ أَنّی قَدْ بَلَّغْتُ.

مَعاشِرَالنّاسِ، إِنَّما أَکْمَلَ الله عَزَّوَجَلَّ دینَکُمْ بِإِمامَتِهِ. فَمَنْ لَمْ یَأْتَمِّ بِهِ وَبِمَنْ یَقُومُ مَقامَهُ مِنْ وُلْدی مِنْ صُلْبِهِ إِلی یَوْمِ الْقِیامَهِ وَالْعَرْضِ عَلَی الله عَزَّوَجَلَّ فَأُولئِکَ الَّذینَ حَبِطَتْ أَعْمالُهُمْ (فِی الدُّنْیا وَالْآخِرَهِ) وَ فِی النّارِهُمْ خالِدُونَ، (لایُخَفِّفُ عَنْهُمُ الْعَذابُ وَلاهُمْ یُنْظَرونَ).

ص: ۳۸

مَعاشِرَالنّاسِ، هـذا عَلِی، أَنْصَرُکُمْ لی وَأَحَقُّکُمْ بی وَأَقْرَبُکُمْ إِلَی وَأَعَزُّکُمْ عَلَی، وَالله عَزَّوَجَلَّ وَأَنَاعَنْهُ راضِیانِ. وَ مانَزَلَتْ آیَهُ رِضاً (فی الْقُرْآنِ) إِلاّ فیهِ، وَلا خاطَبَ الله الَّذینَ آمَنُوا إِلاّبَدَأ بِهِ، وَلانَزَلَتْ آیَهُ مَدْحٍ فِی الْقُرْآنِ إِلاّ فیهِ، وَلاشَهِدَ الله بِالْجَنَّهِ فی (هَلْ أَتی عَلَی الْإِنْسانِ) إِلاّلَهُ، وَلا أَنْزَلَها فی سِواهُ وَلامَدَحَ بِها غَیْرَهُ.

مَعاشِرَالنّاسِ، هُوَ ناصِرُ دینِ الله وَالْمُجادِلُ عَنْ رَسُولِ الله، وَ هُوَالتَّقِی النَّقِی الْهادِی الْمَهْدِی. نَبِیُّکُمْ خَیْرُ نَبی وَ وَصِیُّکُمْ خَیْرُ وَصِی (وَبَنُوهُ خَیْرُالْأَوْصِیاءِ).

مَعاشِرَالنّاسِ، ذُرِّیَّهُ کُلِّ نَبِی مِنْ صُلْبِهِ، وَ ذُرِّیَّتی مِنْ صُلْبِ (أَمیرِالْمُؤْمِنینَ) عَلِی.

مَعاشِرَ النّاسِ، إِنَّ إِبْلیسَ أَخْرَجَ آدَمَ مِنَ الْجَنَّهِ بِالْحَسَدِ، فَلاتَحْسُدُوهُ فَتَحْبِطَ أَعْمالُکُمْ وَتَزِلَّ أَقْدامُکُمْ، فَإِنَّ آدَمَ أُهْبِطَ إِلَی الْأَرْضِ بِخَطیئَهٍ واحِدَهٍ، وَهُوَ صَفْوَهُالله عَزَّوَجَلَّ، وَکَیْفَ بِکُمْ وَأَنْتُمْ أَنْتُمْ وَ مِنْکُمْ أَعْداءُالله،

أَلا وَ إِنَّهُ لایُبْغِضُ عَلِیّاً إِلاّشَقِی، وَ لایُوالی عَلِیّاً إِلاَّ تَقِی، وَ لایُؤْمِنُ بِهِ إِلاّ مُؤْمِنٌ مُخْلِصٌ.

وَ فی عَلِی – وَالله – نَزَلَتْ سُورَهُ الْعَصْرِ: (بِسْمِ الله الرَّحْمانِ الرَّحیمِ، وَالْعَصْرِ، إِنَّ الْإِنْسانَ لَفی خُسْرٍ) (إِلاّ عَلیّاً الّذی آمَنَ وَ رَضِی بِالْحَقِّ وَالصَّبْرِ).

مَعاشِرَالنّاسِ، قَدِ اسْتَشْهَدْتُ الله وَبَلَّغْتُکُمْ رِسالَتی وَ ما عَلَی الرَّسُولِ إِلاَّالْبَلاغُ الْمُبینُ.

مَعاشِرَالنّاسِ، (إتَّقُوالله حَقَّ تُقاتِهِ وَلاتَموتُنَّ إِلاّ وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ).

مَعاشِرَالنّاسِ، (آمِنُوا بِالله وَ رَسُولِهِ وَالنَّورِ الَّذی أُنْزِلَ مَعَهُ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَطْمِسَ وُجُوهاً فَنَرُدَّها عَلی أَدْبارِها أَوْ نَلْعَنَهُمْ کَما لَعَنّا أَصْحابَ السَّبْتِ). (بالله ما عَنی بِهذِهِ الْآیَهِ إِلاَّ قَوْماً مِنْ أَصْحابی أَعْرِفُهُمْ بِأَسْمائِهِمْ وَأَنْسابِهِمْ، وَقَدْ أُمِرْتُ بِالصَّفْحِ عَنْهُمْ فَلْیَعْمَلْ کُلُّ امْرِئٍ عَلی مایَجِدُ لِعَلِی فی قَلْبِهِ مِنَ الْحُبِّ وَالْبُغْضِ).

مَعاشِرَالنّاسِ، النُّورُ مِنَ الله عَزَّوَجَلَّ مَسْلوکٌ فِی ثُمَّ فی عَلِی بْنِ أَبی طالِبٍ، ثُمَّ فِی النَّسْلِ مِنْهُ إِلَی الْقائِمِ الْمَهْدِی الَّذی یَأْخُذُ بِحَقِّ الله وَ بِکُلِّ حَقّ هُوَ لَنا، لِاَنَّ الله عَزَّوَجَلَّ قَدْ جَعَلَنا حُجَّهً عَلَی الْمُقَصِّرینَ وَالْمُعانِدینَ وَالْمُخالِفینَ وَالْخائِنینَ وَالْآثِمینَ وَالظّالِمینَ وَالْغاصِبینَ مِنْ جَمیعِ الْعالَمینَ.

ص: ۳۹

مَعاشِرَالنّاسِ، أُنْذِرُكُمْ أَنّى رَسُولُ الله قَدْخَلَتْ مِنْ قَبْلِى الرُّسُلُ، أَفَإِنْ مِتُّ أَوْقُتِلْتُ انْقَلَبْتُمْ عَلى أَعْقابِكُمْ؟ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلى عَقِبَيْهِ فَلَنْهان يَضُرَّالله شَيْئاً وَسَيَجْزِى الله الشّاكِرينَ (الصّابرِينَ). أَلاوَإِنَّ عَلِيّاً هُوَالْمَوْصُوفُ بِالصَّبْرِ وَالشُّكْرِ، ثُمَّ مِنْ بَعْدِهِ وُلْدى مِنْ صُلْبِهِ.

مَعاشِرَالنّاسِ، لاتَمُنُّوا عَلَى بِإِسْلامِكُمْ، بَلْ لاتَمُنُّوا عَلَى الله فَيُحْبِطَ عَمَلَكُمْ وَيَسْخَطَ عَلَيْكُمْ وَ يَبْتَلِيَكُمْ بِشُواظٍ مِنْ نارٍ وَنُحاسٍ، إِنَّ رَبَّكُمْ لَبِا الْمِرْصادِ.

مَعاشِرَالنّاسِ، إِنَّهُ سَيَكُونُ مِنْ بَعْدى أَئِمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى النّارِ وَيَوْمَ الْقِيامَهِ لايُنْصَرونَ. مَعاشِرَالنّاسِ، إِنَّ الله وَأَنَا بَريئانِ مِنْهُمْ.

مَعاشِرَالنّاسِ، إِنَّهُمْ وَأَنْصارَهُمْ وَأَتْباعَهُمْ وَأَشْياعَهُمْ فِى الدَّرْكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النّارِ وَلَبِئْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرينَ. أَلا إِنَّهُمْ أَصْحابُ الصَّحيفَهِ، فَلْيَنْظُرْ أَحَدُكُمْ فى صَحيفَتِهِ!!

مَعاشِرَالنّاسِ، إِنّى أَدَعُها إمامَهً وَ وِراثَهً (فى عَقِبى إِلى يَوْمِ الْقِيامَهِ)، وَقَدْ بَلَّغْتُ ما أُمِرتُ بِتَبْليغِهِهان حُجَّهً عَلى كُلِّ حاضِرٍ وَغائِبٍ وَ عَلى كُلِّ أَحَدٍ مِمَّنْ شَهِدَ أَوْلَمْ يَشْهَدْ، وُلِدَ أَوْلَمْ يُولَدْ، فَلْيُبَلِّغِ الْحاضِرُ الْغائِبَ وَالْوالِدُ الْوَلَدَ إِلى يَوْمِ الْقِيامَهِ. وَسَيَجْعَلُونَ الْإِمامَهَ بَعْدى مُلْكاً وَ اغْتِصاباً، (أَلا لَعَنَ الله الْغاصِبينَ الْمُغْتَصِبينَ)، وَعِنْدَها سَيَفْرُغُ لَكُمْ أَيُّهَا الثَّقَلانِ (مَنْ يَفْرَغُ) وَيُرْسِلُ عَلَيْكُما شُواظٌ مِنْ نارٍ وَنُحاسٌ فَلاتَنْتَصِرانِ.

مَعاشِرَالنّاسِ، إِنَّ الله عَزَّوَجَلَّ لَمْ يَكُنْ لِيَذَرَكُمْ عَلى ما أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتّى يَميزَالْخَبيثَ مِنَ الطَّيِّبِ، وَ ما كانَ الله لِيُطْلِعَكُمْ عَلَى الْغَيْبِ.

مَعاشِرَالنّاسِ، إِنَّهُ ما مِنْ قَرْيَهٍ إِلاّ وَالله مُهْلِكُها بِتَكْذيبِها قَبْلَ يَوْمِ الْقِيامَهِ وَ مُمَلِّكُهَا الْإِمامَ الْمَهْدِى وَالله مُصَدِّقٌ وَعْدَهُ.

مَعاشِرَالنّاسِ، قَدْ ضَلَّ قَبْلَكُمْ أَكْثَرُالْأَوَّلينَ، وَالله لَقَدْ أَهْلَكَ الْأَوَّلينَ، وَهُوَ مُهْلِكُ الْآخِرينَ.

قالَ الله تَعالى: (أَلَمْ نُهْلِكِ الْأَوَّلينَ، ثُمَّ نُتْبِعُهُمُ الْآخِرينَ، كذالِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمينَ، وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبينَ).

مَعاشِرَالنّاسِ، إِنَّ الله قَدْ أَمَرَنى وَنَهانى، وَقَدْ أَمَرْتُ عَلِيّاً وَنَهَيْتُهُ (بِأَمْرِهِ). فَعِلْمُ الْأَمْرِ وَالنَّهْى لَدَيْهِ، فَاسْمَعُوا لِأَمْرِهِ تَسْلَمُوا وَأَطيعُوهُ تَهْتَدُوا وَانْتَهُوا لِنَهْيِهِ تَرْشُدُوا، (وَصيرُوا إِلى مُرادِهِ) وَلا تَتَفَرَّقْ بِكُمُ السُّبُلُ عَنْ سَبيلِهِ.

ص: ۴۰

مَعاشِرَالنّاسِ، أَنَا صِراطُ الله الْمُسْتَقیمُ الَّذی أَمَرَکُمْ بِاتّباعِهِ، ثُمَّ عَلِی مِنْ بَعْدی. ثُمَّ وُلْدی مِنْ صُلْبِهِ أَئِمَّهُ (الْهُدی)، یَهْدونَ إِلَی الْحَقِّ وَ بِهِ یَعْدِلونَ.

ثُمَّ قَرَأَ: «بِسْمِ الله الرَّحْمانِ الرَّحیمِ الْحَمْدُلِلّهِ رَبِ الْعالَمینَ» ...إلی آخِرِها،

وَقالَ: فِی نَزَلَتْ وَفیهِمْ (وَالله) نَزَلَتْ، وَلَهُمْ عَمَّتْ وَإِیّاهُمْ خَصَّتْ، أُولئکَ أَوْلِیاءُالله الَّذینَ لاخَوْفٌ عَلَیْهِمْ وَلاهُمْ یَحْزَنونَ، أَلا إِنَّ حِزْبَ الله هُمُ الْغالِبُونَ. أَلا إِنَّ أَعْدائَهُمْ هُمُ السُّفَهاءُالْغاوُونَ إِخْوانُ الشَّیاطینِ یوحی بَعْضُهُمْ إِلی بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُروراً. أَلا إِنَّ أَوْلِیائَهُمُ الَّذینَ ذَکَرَهُمُ الله فی کِتابِهِ، فَقالَ عَزَّوَجَلَّ: (لاتَجِدُ قَوْماً یُؤمِنُونَ بِالله وَالْیَوْمِ الْآخِرِ یُوادّونَ مَنْ حادَّالله وَ رَسُولَهُ وَلَوْکانُوا آبائَهُمْ أَوْأَبْنائَهُمْ أَوْإِخْوانَهُمْ أَوْعَشیرَتَهُمْ، أُولئِکَ کَتَبَ فی قُلوبِهِمُ الْإیمانَ) إلی آخِرالآیَه.

أَلا إِنَّ أَوْلِیائَهُمُ الْمُؤْمِنونَ الَّذینَ وَصَفَهُمُ الله عَزَّوَجَلَّ فَقالَ: (الَّذینَ آمَنُوا وَلَمْ یَلْبِسُوا إیمانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولئِکَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَ هُمْ مُهْتَدونَ).

(أَلا إِنَّ أَوْلِیائَهُمُ الَّذینَ آمَنُوا وَلَمْ یَرْتابوا).

أَلا إِنَّ أَوْلِیائَهُمُ الَّذینَ یدْخُلونَ الْجَنَّهَ بِسَلامٍ آمِنینَ، تَتَلَقّاهُمُ الْمَلائِکَهُ بِالتَّسْلیمِ یَقُولونَ: سَلامٌ عَلَیْکُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلوها خالِدینَ.

أَلا إِنَّ أَوْلِیائَهُمْ، لَهُمُ الْجَنَّهُ یُرْزَقونَ فیها بِغَیْرِ حِسابٍ. أَلا إِنَّ أَعْدائَهُمُ الَّذینَ یَصْلَونَ سَعیراً.

أَلا إِنَّ أَعْدائَهُمُ الَّذینَ یَسْمَعونَ لِجَهَنَّمَ شَهیقاً وَ هِیَ تَفورُ وَ یَرَوْنَ لَهازَفیراً.

أَلا إِنَّ أَعْدائَهُمُ الَّذینَ قالَ الله فیهِمْ: (کُلَّما دَخَلَتْ أُمَّهٌ لَعَنَتْ أُخْتَها) الآیه.

أَلا إِنَّ أَعْدائَهُمُ الَّذینَ قالَ الله عَزَّوَجَلَّ: (کُلَّما أُلْقِیَ فیها فَوْجٌ سَأَلَهُمْ خَزَنَتُها أَلَمْ یَأْتِکُمْ نَذیرٌ، قالوا بَلی قَدْ جاءَنا نَذیرٌ فَکَذَّبْنا وَ قُلنا مانَزَّلَ الله مِنْ شَیءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلاّ فی ضَلالٍ کَبیرٍ) إلی قَوله: (أَلافَسُحْقاً لِأَصْحابِ السَّعیرِ). أَلا إِنَّ أَوْلِیائَهُمُ الَّذینَ یَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ بِالْغَیْبِ، لَهُمْ مَغْفِرَهٌ وَأَجْرٌ کَبیرٌ.

مَعاشِرَالنّاسِ، شَتّانَ مابَیْنَ السَّعیرِ وَالْأَجْرِ الْکَبیرِ.

(مَعاشِرَالنّاسِ)، عَدُوِّنا مَنْ ذَمَّهُ الله وَلَعَنَهُ، وَ وَلِیِّنا (کُلُّ) مَنْ مَدَحَهُ الله وَ أَحَبَّهُ.

ص: ۴۱

مَعاشِرَ النّاسِ، أَلاوَإِنّی (أَنَا) النَّذیرُ و عَلِی الْبَشیرُ.

(مَعاشِرَالنّاسِ)، أَلا وَ إِنّی مُنْذِرٌ وَ عَلِی هادٍ.

مَعاشِرَ النّاس (أَلا) وَ إِنّی نَبی وَ عَلِی وَصِیّی.

(مَعاشِرَالنّاسِ، أَلاوَإِنّی رَسولٌ وَ عَلِی الْإِمامُ وَالْوَصِی مِنْ بَعْدی، وَالْأَئِمَّهُ مِنْ بَعْدِهِ وُلْدُهُ. أَلاوَإِنّی والِدُهُمْ وَهُمْ یَخْرُجونَ مِنْ صُلْبِهِ).

أَلا إِنَّ خاتَمَ الْأَئِمَهِ مِنَّا الْقائِمَ الْمَهْدِی.

أَلا إِنَّهُ الظّاهِرُ عَلَی الدِّینِ.

أَلا إِنَّهُ الْمُنْتَقِمُ مِنَ الظّالِمینَ.

أَلا إِنَّهُ فاتِحُ الْحُصُونِ وَهادِمُها.

أَلا إِنَّهُ غالِبُ کُلِّ قَبیلَهٍ مِنْ أَهْلِ الشِّرْکِ وَهادیها.

أَلاإِنَّهُ الْمُدْرِکُ بِکُلِّ ثارٍ لِأَوْلیاءِالله.

أَلا إِنَّهُ النّاصِرُ لِدینِ الله.

أَلا إِنَّهُ الْغَرّافُ مِنْ بَحْرٍ عَمیقٍ.

أَلا إِنَّهُ یَسِمُ کُلَّ ذی فَضْلٍ بِفَضْلِهِ وَ کُلَّ ذی جَهْلٍ بِجَهْلِهِ.

أَلا إِنَّهُ خِیَرَهُالله وَ مُخْتارُهُ.

أَلا إِنَّهُ وارِثُ کُلِّ عِلْمٍ وَالْمُحیطُ بِکُلِّ فَهْمٍ.

أَلا إِنَّهُ الْمُخْبِرُ عَنْ رَبِّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ الْمُشَیِّدُ لِأَمْرِ آیاتِهِ.

أَلا إِنَّهُ الرَّشیدُ السَّدیدُ.

أَلا إِنَّهُ الْمُفَوَّضُ إِلَیْهِ.

أَلا إِنَّهُ قَدْ بَشَّرَ بِهِ مَنْ سَلَفَ مِنَ الْقُرونِ بَیْنَ یَدَیْهِ.

أَلا إِنَّهُ الْباقی حُجَّهً وَلاحُجَّهَ بَعْدَهُ وَلا حَقَّ إِلّا مَعَهُ وَلانُورَ إِلّاعِنْدَهُ.

أَلا إِنَّهُ لاغالِبَ لَهُ وَلامَنْصورَ عَلَیْهِ.

أَلاوَإِنَّهُ وَلِی الله فی أَرْضِهِ، وَحَکَمُهُ فی خَلْقِهِ، وَأَمینُهُ فی سِرِّهِ وَ علانِیَتِهِ.

مَعاشِرَالنّاسِ، إِنّی قَدْبَیَّنْتُ لَکُمْ وَأَفْهَمْتُکُمْ، وَ هذا عَلِی یُفْهِمُکُمْ بَعْدی. أَلاوَإِنّی عِنْدَ انْقِضاءِ خُطْبَتی أَدْعُوکُمْ إِلی مُصافَقَتی عَلی بَیْعَتِهِ وَ الإِقْرارِبِهِ، ثُمَّ مُصافَقَتِهِ بَعْدی. أَلاوَإِنّی قَدْ بایَعْتُ الله وَ عَلِی قَدْ بایَعَنی. وَأَنَا آخِذُکُمْ بِالْبَیْعَهِ لَهُ عَنِ الله عَزَّوَجَلَّ. (إِنَّ الَّذینَ یُبایِعُونَکَ إِنَّما یُبایِعُونَ الله، یَدُالله فَوْقَ أَیْدیهِمْ. فَمَنْ نَکَثَ فَإِنَّما یَنْکُثُ عَلی نَفْسِهِ، وَ مَنْ أَوْفی بِما عاهَدَ عَلَیْهُ الله فَسَیُؤْتیهِ أَجْراً عَظیماً).

مَعاشِرَالنّاسِ، إِنَّ الْحَجَّ وَالْعُمْرَهَ مِنْ شَعائِرِالله، (فَمَنْ حَجَّ الْبَیْتَ أَوِاعْتَمَرَ فَلاجُناحَ عَلَیْهِ أَنْ یَطَّوَّفَ بِهِما) الآیَه.

ص: ۴۲

مَعاشِرَالنّاسِ، حُجُّواالْبَیْتَ، فَماوَرَدَهُ أَهْلُ بَیْتٍ إِلّا اسْتَغْنَوْا وَ أُبْشِروا، وَلاتَخَلَّفوا عَنْهُ إِلّابَتَرُوا وَ افْتَقَرُوا.

مَعاشِرَالنّاسِ، ماوَقَفَ بِالْمَوْقِفِ مُؤْمِنٌ إِلّاغَفَرَالله لَهُ ماسَلَفَ مِنْ ذَنْبِهِ إِلی وَقْتِهِ ذالِکَ، فَإِذا انْقَضَتْ حَجَّتُهُ اسْتَأْنَفَ عَمَلَهُ.

مَعاشِرَالنّاسِ، الْحُجّاجُ مُعانُونَ وَ نَفَقاتُهُمْ مُخَلَّفَهٌ عَلَیْهِمْ وَالله لایُضیعُ أَجْرَالْمُحْسِنینَ.

مَعاشِرَالنّاسِ، حُجُّوا الْبَیْتَ بِکَمالِ الدّینِ وَالتَّفَقُّهِ، وَلاتَنْصَرِفُوا عَنِ الْمَشاهِدِإِلّا بِتَوْبَهٍ وَ إِقْلاعٍ.

مَعاشِرَالنّاسِ، أَقیمُوا الصَّلاهَ وَ آتُوا الزَّکاهَ کَما أَمَرَکُمُ الله عَزَّوَجَلَّ، فَإِنْ طالَ عَلَیْکُمُ الْأَمَدُ فَقَصَّرْتُمْ أَوْنَسیتُمْ فَعَلِی وَلِیُّکُمْ وَمُبَیِّنٌ لَکُمْ، الَّذی نَصَبَهُ الله عَزَّوَجَلَّ لَکُمْ بَعْدی أَمینَ خَلْقِهِ. إِنَّهُ مِنّی وَ أَنَا مِنْهُ، وَ هُوَ وَ مَنْ تَخْلُفُ مِنْ ذُرِّیَّتی یُخْبِرونَکُمْ بِماتَسْأَلُونَ عَنْهُ وَیُبَیِّنُونَ لَکُمْ ما لاتَعْلَمُونَ.

أَلا- إِنَّ الْحَلالَ وَالْحَرامَ أَکْثَرُمِنْ أَنْ أُحْصِیَهُما وَأُعَرِّفَهُما فَآمُرَ بِالْحَلالِ وَ اَنهَی عَنِ الْحَرامِ فی مَقامٍ واحِدٍ، فَأُمِرْتُ أَنْ آخُذَ الْبَیْعَهَ مِنْکُمْ وَالصَّفْقَهَ لَکُمْ بِقَبُولِ ماجِئْتُ بِهِ عَنِ الله عَزَّوَجَلَّ فی عَلِی أَمیرِالْمُؤْمِنینَ وَالْأَوْصِیاءِ مِنْ بَعْدِهِ الَّذینَ هُمْ مِنّی وَمِنْهُ إمامَهٌ فیهِمْ قائِمَهٌ، خاتِمُها الْمَهْدی إِلی یَوْمٍ یَلْقَی الله الَّذی یُقَدِّرُ وَ یَقْضی.

مَعاشِرَالنّاسِ، وَ کُلُّ حَلالٍ دَلَلْتُکُمْ عَلَیْهِ وَکُلُّ حَرامٍ نَهَیْتُکُمْ عَنْهُ فَإِنّی لَمْ أَرْجِعْ عَنْ ذالِکَ وَ لَمْ أُبَدِّلْ. أَلا فَاذْکُرُوا ذالِکَ وَاحْفَظُوهُ وَ تَواصَوْابِهِ، وَلا تُبَدِّلُوهُ وَلاتُغَیِّرُوهُ. أَلا وَ إِنّی اُجَدِّدُالْقَوْلَ: أَلا فَأَقیمُوا الصَّلاهَ وَآتُوا الزَّکاهَ وَأْمُرُوا بِالْمَعْروفِ وَانْهَوْا عَنِ الْمُنْکَرِ.

أَلاوَإِنَّ رَأْسَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ أَنْ تَنْتَهُوا إِلی قَوْلی وَتُبَلِّغُوهُ مَنْ لَمْ یَحْضُرْ وَ تَأْمُروُهُ بِقَبُولِهِ عَنّی وَتَنْهَوْهُ عَنْ مُخالَفَتِهِ، فَإِنَّهُ أَمْرٌ مِنَ الله عَزَّوَجَلَّ وَمِنّی. وَلا أَمْرَ بِمَعْروفٍ وَلا نَهْیَ عَنْ مُنْکَرٍ إِلّامَعَ إِمامٍ مَعْصومٍ.

مَعاشِرَالنّاسِ، الْقُرْآنُ یُعَرِّفُکُمْ أَنَّ الْأَئِمَّهَ مِنْ بَعْدِهِ وُلْدُهُ، وَعَرَّفْتُکُمْ إِنَّهُمْ مِنّی وَمِنْهُ، حَیْثُ یَقُولُ الله فی کِتابِهِ: (وَ جَعَلَها کَلِمَهً باقِیَهً فی عَقِبِهِ). وَقُلْتُ: «لَنْ تَضِلُّوا ما إِنْ تَمَسَّکْتُمْ بِهِما».

ص: ۴۳

مَعاشِرَالنّاسِ، التَّقْوی، التَّقْوی، وَاحْذَرُوا السّاعَهَ کَما قالَ الله عَزَّوَجَلَّ: (إنَّ زَلْزَلَهَ السّاعَهِ شَیءٌ عَظیمٌ). اُذْکُرُوا الْمَماتَ (وَالْمَعادَ) وَالْحِسابَ وَالْمَوازینَ وَالْمُحاسَبَهَ بَیْنَ یَدَی رَبِّ الْعالَمینَ وَالثَّوابَ وَالْعِقابَ. فَمَنْ جاءَ بِالْحَسَنَهِ أُثیبَ عَلَیْها وَ مَنْ جاءَ بِالسَّیِّئَهِ فَلَیْسَ لَهُ فِی الجِنانِ نَصیبٌ.

مَعاشِرَالنّاسِ، إِنَّکُمْ أَکْثَرُ مِنْ أنْ تُصافِقُونی بِکَفٍّ واحِدٍ فی وَقْتٍ واحِدٍ، وَقَدْ أَمَرَنِی الله عَزَّوَجَلَّ أنْ آخُذَ مِنْ أَلْسِنَتِکُمُ الْإِقْرارَ بِما عَقَّدْتُ لِعَلِی أَمیرِالْمُؤْمنینَ، وَلِمَنْ جاءَ بَعْدَهُ مِنَ الْأَئِمَّهِ مِنّی وَ مِنْهُ، عَلی ما أَعْلَمْتُکُمْ أنَّ ذُرِّیَّتی مِنْ صُلْبِهِ.

فَقُولُوا بِأَجْمَعِکُمْ: «إِنّا سامِعُونَ مُطیعُونَ راضُونَ مُنْقادُونَ لِما بَلَّغْتَ عَنْ رَبِّنا وَرَبِّکَ فی أَمْرِ إمامِنا عَلِی أَمیرِالْمُؤْمِنینَ وَ مَنْ وُلِدَ مِنْ صُلْبِهِ مِنَ الْأَئِمَّهِ. نُبایِعُکَ عَلی ذالِکَ بِقُلوُبِنا وَأَنْفُسِنا وَأَلْسِنَتِنا وَأَیْدینا. علی ذالِکَ نَحْیی وَ عَلَیْهِ نَموتُ وَ عَلَیْهِ نُبْعَثُ. وَلانُغَیِّرُ وَلانُبَدِّلُ، وَلا نَشُکُّ (وَلانَجْحَدُ) وَلانَرْتابُ، وَلا نَرْجِعُ عَنِ الْعَهْدِ وَلا نَنْقُضُ الْمیثاقَ.

وَعَظْتَنا بِوَعْظِ الله فی عَلِی أَمیرِالْمؤْمِنینَ وَالْأَئِمَّهِ الَّذینَ ذَکَرْتَ مِنْ ذُرِّیتِکَ مِنْ وُلْدِهِ بَعْدَهُ، الْحَسَنِ وَالْحُسَیْنِ وَ مَنْ نَصَبَهُ الله بَعْدَهُما. فَالْعَهْدُ وَالْمیثاقُ لَهُمْ مَأْخُوذٌ مِنّا، مِنْ قُلُوبِنا وَأَنْفُسِنا وَأَلْسِنَتِنا وَضَمائِرِنا وَأَیْدینا. مَنْ أَدْرَکَها بِیَدِهِ وَ إِلاّ فَقَدْ أَقَرَّ بِلِسانِهِ، وَلا نَبْتَغی بِذالِکَ بَدَلاً وَلایَرَی الله مِنْ أَنْفُسِنا حِوَلاً. نَحْنُ نُؤَدّی ذالِکَ عَنْکَ الّدانی والقاصی مِنْ اَوْلادِنا واَهالینا، وَ نُشْهِدُالله بِذالِکَ وَ کَفی بِالله شَهیداً وَأَنْتَ عَلَیْنا بِهِ شَهیدٌ».

مَعاشِرَالنّاسِ، ماتَقُولونَ؟ فَإِنَّ الله یَعْلَمُ کُلَّ صَوْتٍ وَ خافِیَهَ کُلِّ نَفْسٍ، (فَمَنِ اهْتَدی فَلِنَفْسِهِ وَ مَنْ ضَلَّ فَإِنَّما یَضِلُّ عَلَیْها)، وَمَنْ بایَعَ فَإِنَّما یُبایِعُ الله، (یَدُالله فَوْقَ أَیْدیهِمْ).

مَعاشِرَالنّاسِ، فَبایِعُوا الله وَ بایِعُونی وَبایِعُوا عَلِیّاً أَمیرَالْمُؤْمِنینَ وَالْحَسَنَ وَالْحُسَیْنَ وَالْأَئِمَّهَ (مِنْهُمْ فِی الدُّنْیا وَالْآخِرَهِ) کَلِمَهً باقِیَهً.

یُهْلِکُ الله مَنْ غَدَرَ وَ یَرْحَمُ مَنْ وَ فی، (وَ مَنْ نَکَثَ فَإِنَّما یَنْکُثُ عَلی نَفْسِهِ وَ مَنْ أَوْفی بِما عاهَدَ عَلَیْهُ الله فَسَیُؤْتیهِ أَجْراً عَظیماً).

ص: ۴۴

مَعاشِرَالنّاسِ، قُولُوا الَّذى قُلْتُ لَكُمْ وَسَلِّمُوا عَلى عَلى بِإِمْرَهِ الْمُؤْمِنينَ، وَقُولُوا: (سَمِعْنا وَ أَطَعْنا غُفْرانَکَ رَبَّنا وَ إِلَيْکَ الْمَصيرُ)، وَ قُولوا: (اَلْحَمْدُ لِلّهِ الَّذى هَدانا لِهذا وَ ما كُنّا لِنَهْتَدِىَ لَوْلا أَنْ هَدانَا الله) الآيه.

مَعاشِرَالنّاس، إنّ فَضائِلَ عَلى بْنِ أَبى طالِبٍ عِنْدَالله عَزَّوَجَلَّ – وَ قَدْ أَنْزَلَهافِى الْقُرْآنِ – أَكْثَرُ مِنْ أَنْ أُحْصِيَها فى مَقامٍ واحِدٍ، فَمَنْ أَنْبَاَكُمْ بِها وَ عَرَفَها فَصَدِّقُوهُ.

مَعاشِرَالنّاسِ، مَنْ يُطِعِ الله وَ رَسُولَهُ وَ عَلِيّاً وَ الْأَئِمَهَ الَّذينَ ذَكَرْتُهُمْ فَقَدْ فازَفَوْزاً عَظيماً.

مَعاشِرَالنّاسِ، السّابِقُونَ إِلى مُبايَعَتِهِ وَ مُوالاتِهِ وَ التَّسْليمِ عَلَيْهِ بِإِمْرَهِ الْمُؤْمِنينَ أُولئِکَ هُمُ الْفائِزُونَ فى جَنّاتِ النَّعيمِ.

مَعاشِرَالنّاسِ، قُولُوا ما يَرْضَى الله بِهِ عَنْكُمْ مِنَ الْقَوْلِ، فَإِنْ تَكْفُرُوا أَنْتُمْ وَ مَنْ فِى الْأَرْضِ جَميعاً فَلَنْ يَضُرَّالله شَيْئاً.

اللهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنينَ (بِما أَدَّيْتُ وَأَمَرْتُ) وَاغْضِبْ عَلَى (الْجاحِدينَ) الْكافِرينَ، وَالْحَمْدُ لِلّهِ رَبِّ الْعالَمينَ.

ترجمه فارسی

بسم الله الرحمن الرحيم

۱ حمد و ثنای الهی

حمد و سپاس خدایی را که در یگانگی خود بلند مرتبه،و در تنهایی وفرد بودن خود نزدیک است .در قدرت و سلطه خود با جلالت و در ارکان خود عظیم است.علم او به همه چیز احاطه دارد در حالی که در جای خود است،و همه مخلوقات را با قدرت و برهان خود تحت سیطره دارد.همیشه مورد سپاس بوده و همچنان مورد ستایش خواهد بود.

صاحب عظمتی که از بین رفتنی نیست.ابتدا کننده او و باز گرداننده اوست و هر کاری بسوی او باز می گردد.

بوجود آورنده بالا برده شده ها(کنایه از آسمانها و افلاک)و پهن کننده گسترده ها(کنایه از زمین)یگانه حکمران زمینها و آسمانها،پاک و منزه و تسبیح شده،پروردگار ملائکه و روح،تفضل کننده بر همه آنچه خلق کرده و لطف کننده بر هر آنچه بوجود آورده است.هر چشمی زیر نظر اوست ولی چشمها او را نمی بینند.

ص: ۴۵

کرم کننـده و بردبـار و تحمل کننـده است.رحمت او همه چیز را فرا گرفته و با نعمت خود بر همه آنها منت گـذارده است.در انتقام گرفتن خود عجله نمی کند،و به آنچه از عذابش که مستحق آنند مبادرت نمی ورزد.

باطنها و سریره ها را می فهد و ضمایر را می داند و پنهانها بر او مخفی نمی ماند و مخفی ها بر او مشتبه نمی شود.او راست احاطه بر هر چیزی و غلبـه بر همـه چیز و قـوت در هر چیزی و قـدرت بر هر چیزی،و ماننـد او شـیئی نیسـت.اوسـت بوجـود آورنـده شیئ(چیز)هنگامی که چیزی نبود .دائم و زنده است و به قسط و عدل قائم است.نیست خدایی جز او که با عزت و حکیم است.

بالاتر از آن است که چشمها او را درك كنند ولی او چشمها را درك می کند و او لطف کننده و آگاه است.هیچکس نمی تواند به دیدن به صـفت او راه یابد،و هیچکس به چگونگی او از سر و آشکار دست نمی یابد مگر به آنچه خود خداوند عز و جل راهنمایی کرده است.

گـواهی می دهم برای او که اوست خـدایی که قـدس و پـاکی و منزه بـودن او روزگـار را پر کرده است.او که نـورش ابـدیت را فرا گرفته است.او که دستورش را بدون مشورت مشورت کننده ای اجرا می کند و در تقدیرش شریك ندارد و در تدبیرش کمك نمی شود.

آنچه ایجاد کرده بـدون نمونه و مثالی تصویر نموده و آنچه خلق کرده بدون کمك از کسـی و بدون زحمت و بدون احتیاج به فکر و حیله خلـق کرده است.آنهـا را ایجـاد کرد پس بوجود آمدنـد و خلق کرد پس ظـاهر شدنـد.پس اوست خـدایی که جز او خـدایی نیست،صنعت او محکم و کار او زیبا است،عادلی که ظلم نمی کند و کرم کننده ای که کارها بسوی او باز می گردد.

ص: ۴۶

شهادت می دهم که اوست خدایی که همه چیز در مقابل عظمت او تواضع کرده و همه چیز در مقابل عزت او ذلیل شده و همه چیز در برابر قدرت او سر تسلیم فرود آورده و همه چیز در برابر هیبت او خاضع شده اند.

پادشاه پادشاهان و گرداننده افلاک و مسخر کننده آفتاب و ماه،که همه با زمان تعیین شده در حرکت هستند.شب را بر روی روز و روز را بر روی شب می گرداند که بسرعت در پی آن می رود .در هم شکننده هر زورگوی با عناد،و هلاک کننده هر شیطان سرپیچ و متمرد.

برای او ضدی و همراه او معارضی نبوده است.یکتا و بی نیاز است.زائیده نشده و نمی زاید و برای او هیچ همتایی نیست.خدای یگانه و پروردگار با عظمت.می خواهد پس به انجام می رساند،و اراده می کند پس مقدر می نماید،و می داند پس به شماره می آورد.می میراند و زنده می کند،فقیر می کند و غنی می نماید،می خنداند و می گریاند،نزدیک می کند و دور می نماید،منع می کند و عطا می نماید.پادشاهی از آن او و حمد و سپاس برای اوست.خیر بدست اوست و او بر هر چیزی قادر است.

شب را در روز و روز را در شب فرو می برد.نیست خدایی جز او که با عزت و آمرزنده است.اجابت کننده دعا،بسیار عطا کننده،شمارنده نفسها و پروردگار جن و بشر،که هیچ امری بر او مشکل نمی شود،و فریاد دادخواهان او را منضجر نمی کند،و اصرار اصرار کنندگانش او را خسته نمی کند .نگهدارنده صالحین و موفق کننده رستگاران و صاحب اختیار مؤمنین و پروردگار عالمین.خدایی که از هر آنچه خلق کرده مستحق است که او را در هر حالی که شکر و سپاس گویند.

ص: ۴۷

او را سپاس بسیار می گویم و دائما شکر می نمایم،چه در آسایش و چه در گرفتاری،چه در حال شدت و چه در حال آرامش.و به او و ملائکه اش و کتابهایش و پیامبرانش ایمان می آورم.دستورات او را گوش می دهم و اطاعت می نمایم وبه آنچه او را راضی می کند مبادرت می ورزم و در مقابل مقدرات او تسلیم می شوم بعنوان رغبت در اطاعت او و ترس از عقوبت او،چرا که اوست خدایی که نمی توان از مکر او در امان بود و از ظلم او هم ترس نداریم(یعنی ظلم نمی کند) .

۲ فرمان الهی برای مطلبی مهم

اقرار می کنم برای خداوند بر نفس خود بعنوان بندگی او،و شهادت می دهم برای او به پروردگاری،و آنچه به من وحی نموده ادا می نمایم از ترس آنکه مبادا اگر انجام ندهم عذابی از او بر من فرود اید که هیچکس نتواند آنرا دفع کند هر چند که حیله عظیمی بکار بندد و دوستی او خالص باشدنیست خدایی جز اوزیرا خداوند به من اعلام فرموده که اگر آنچه در حق علی برمن نازل نموده ابلاغ نکنم رسالت او را نرسانده ام،و برای من حفظ از شر مردم را ضمانت نموده و خدا کفایت کننده و کریم است.

خداوند به من چنین وحی کرده است:«بسم الله الرحمن الرحیم،یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربکفی علی یعنی فی الخلافه لعلی بن ابی طالبو إن لم تفعل فما بلغت رسالته و الله یعصمک من الناس»،«ای پیامبر ابلاغ کن آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده درباره علی،یعنی خلافت علی بن ابی طالبو اگر انجام ندهی رسالت او را نرسانده ای،و خداوند تو را از مردم حفظ می کند».

ص: ۴۸

ای مردم،من در رساندن آنچه خداوند بر من نازل کرده کوتاهی نکرده ام،و من سبب نزول این آیه را برای شما بیان می کنم:

جبرئیل سه مرتبه بر من نازل شد و از طرف خداوند سلام پروردگارمکه او سلام است مرا مأمور کرد که در این محل اجتماع بپا خیزم و برهر سفید و سیاهی اعلام کنم که«علی بن ابی طالب برادر من و وصی من و جانشین من بر امتم و امام بعد از من است.نسبت او بمن همانند نسبت هارون به موسی است جز اینکه پیامبری بعد از من نیست.و او صاحب اختیار شما بعد از خدا و رسولش است»،و خداوند در این مورد آیه ای از کتابش بر من نازل کرده است:«انما ولیکم الله و رسوله و الذین آمنوا الذین یقیمون الصلاه و یؤتون الزکاه و هم راکعون»،«صاحب اختیار شما خدا و رسولش هستند و کسانی که ایمان آورده و نماز را بپا می دارند و در حال رکوع زکات می دهند»،و علی بن ابی طالب است که نماز را بپا داشته و در حال رکوع زکات داده و در هر حال خداوند عز و جل را قصد می کند.ای مردم،من از جبرئیل درخواست کردم که از خدا بخواهد تا مرا از ابلاغ این مهم معاف بدارد،زیرا از کمی متقین و زیادی منافقین و افساد ملامت کنندگان و حیله های مسخره کنندگان اسلام اطلاع دارم،کسانی که خداوند در کتابش آنان را چنین توصیف کرده استکه با زبانشان می گویند آنچه در قلبهایشان نیست و این کار را سهل می شمارند در حالیکه نزد خداوند عظیم است.و همچنین بخاطر اینکه منافقین بارها مرا اذیت کرده اند تا آنجا که مرا«اذن»(گوش دهنده بر هر حرفی)نامیدند،و گمان کردند که من چنین هستم بخاطر ملازمت بسیار او(علی)با من و توجه من به او وتمایل او و قبولش از من،تاآنکه خداوند عز و جل در این باره چنین نازل کرد:«و منهم الذین یؤذون النبی ویقولون هو أذن قل اذنعلی الذین یزعمون أنه اذنخیر لکم،یؤمن بالله و یؤمن للمؤمنین»،«...و از آنان کسانی هستند که پیامبر را اذیت می کنند و می گویند او«اذن»(گوش دهنده بر هر حرفی)است،بگو:گوش استبر ضد کسانی که گمان می کنند او «اذن» استو برای شما خیراست،به خدا ایمان می آورد و در مقابل مؤمنین اظهار تواضع و احترام می نماید».

ص: ۴۹

و اگر من بخواهم گویندگان این نسبت(اذن)را نام ببرم می توانم، و اگر بخواهم به شخص آنها اشاره کنم می نمایم، و اگر بخواهم با علائم آنها را معرفی کنم می توانم، ولی بخدا قسم من در کار آنان با بزرگواری رفتار کرده ام.

بعد از همه اینها،خداوند از من راضی نمی شود مگر آنچه در حق علی بر من نازل کرده ابلاغ نمایم.

سپس حضرت این آیه را تلاوت فرمودند:«یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک فی حق علیو إن لم تفعل فما بلغت رسالته و الله یعصمک من الناس»،«ای پیامبر برسان آنچهدر حق علیاز پروردگارت بر تو نازل شده واگر انجام ندهی رسالت او را نرسانده ای،و خداوند تو را از مردم حفظ می کند».

۳ اعلان رسمی ولایت و امامت دوازده امام(ع)

ای مردم،این مطلب را درباره او بدانید وبفهمید،و بدانید که خداوند او رابرای شما صاحب اختیار و امامی قرار داده که اطاعتش را واجب نموده است بر مهاجرین و انصار و بر تابعین آنان به نیکی،و بر روستایی و شهری،و بر عجمی و عربی،و بر آزاد و بنده،و بر بزرگ و کوچک،و بر سفید و سیاه.بر هر یکتا پرستی حکم او اجرا شونده و کلام او مورد عمل و امر او نافذ است.هر کس با او مخالفت کند ملعون است،و هر کس تابع او باشد و او را تصدیق نماید مورد رحمت الهی است.خداوند او را و هر کس را که از او بشنود و او را اطاعت کند آمرزیده است .

ای مردم،این آخرین باری است که در چنین اجتماعی بپا می ایستیم،پس بشنوید و اطاعت کنید و در مقابل امر خداوند پروردگارتان سر تسلیم فرود آورید،چرا که خداوند عز و جل صاحب اختیار شما و معبود شما است،و بعد از خداوند رسولش و پیامبرش که شما را مخاطب قرار داده،و بعد از من علی صاحب اختیار شما و امام شما به امر خداوند است،و بعد از او امامت در نسل من از فرزندان اوست تا روزی که خدا و رسولش را ملاقات خواهید کرد.

ص: ۵۰

حلالی نیست مگر آنچه خدا و رسولش و آنان(امامان)حلال کرده باشند،و حرامی نیست مگر آنچه خداو و رسولش و آنان(امامان)بر شما حرام کرده باشند. خداوند عز و جل حلال و حرام را به من شناسانده است،و آنچه پروردگارم از کتابش و حلال وحرامش به من آموخته به او سپرده ام .

ای مردم،علی را(بر دیگران)فضیلت دهید.هیچ علمی نیست مگر آنکه خداوند آنرا در من جمع کرده است و هر علمی را که آموخته ام در امام المتقین جمع نموده ام،و هیچ علمی نیست مگر آنکه آنرا به علی آموخته ام.اوست«امام مبین»که خداوند در سوره یس ذکر کرده است:«و کل شیی ء احصیناه فی إمام مبین»،«و هر چزی را در امام مبین جمع کردیم».

ای مردم،از او(علی)بسوی دیگری گمراه نشوید،و از او روی بر مگردانید و از ولایت او سر باز نزنید.اوست که به حق هدایت نموده و به آن عمل می کند،و باطل را ابطال نموده و از آن نهی می نماید،و در راه خدا سرزنش ملامت کننده ای او را مانع نمی شود.

او(علی)اول کسی است که به خدا و رسولش ایمان آورد و هیچکس در ایمان به من بر او سبقت نگرفت.اوست که با جان خود در راه رسول خدا فداکاری کرد.اوست که با پیامبر خدا بود در حالی که هیچکس از مردان همراه او خدا را عبادت نمی کرد.اولین مردم در نماز گزاردن،و اول کسی است که با پیامبر خدا بود در حالی که هیچکس از مردان همراه او خدا را عبادت نمی کرد.اولین مردم در نماز گزاردن،و اول کسی است که با من خدا را عبادت کرد.از طرف خداوند به او امر کردم تا در خوابگاه من بخوابد،او هم در حالیکه جانش را فدای من کرده بود در جای من خوابید.

ص: ۵۱

ای مردم، او را فضیلت دهید که خدا او را فضیلت داده است،و او را قبول کنید که خداوند او را منصوب نموده است.

ای مردم،او از طرف خداونـد امـام اسـت،و هر کس ولایـت او را انکـار کنـد خداونـد هرگز تـوبه اش را نمی پـذیرد و او را نمی بخشد.حتمی است بر خداوند که با کسی که با او مخالفت نماید چنین کند و او را به عذابی شدید تا ابدیت وتا آخر روزگار معذب نمایـد.پس بپرهیزیـد از اینکه با او مخالفت کنید و گرفتار آتشی شوید که آتشگیره آن مردم وسنگها هستند و برای کافران آماده شده است.

ای مردم،بخـدا قسم پیـامبران و رسولاـن پیشـین به من بشـارت داده انـد، و من بخـدا قسم خـاتم پیـامبران و مرسلین و حجت بر همه مخلوقین از اهـل اسـمانها و زمینهـا هسـتم.هر کس در این مطـالب شک کنـد ماننـد کفر جاهلیت اول کافر شـده است.و هر کس در چیزی از این گفتـار من شک کنـد در همه آنچه بر من نازل شـده شک کرده است،و هر کس در یکی از امامان شک کنـد در همه آنان شک کرده است،و شک کننده درباره ما در آتش است.

ای مردم،خداونـد ایـن فضیلت را بر مـن ارزانی داشـته کـه منتی از او بر من و احسـانی از جـانب او بسـوی من است.خـدایی جز او نیست.حمد و سپاس از من بر او تا ابدیت و تا آخر روزگار و در هر حال.

ای مردم،علی را فضـیلت دهیـد که او افضل مردم بعـد از من از مرد و زن است تا مادامی که خداونـد روزی را نازل می کند و خلق باقی هستند.ملعون است ملعون است،مورد غضب است مورد غضب است کسی که این گفتار مرا رد کند و با آن موافق نباشد.بدانید که جبرئیل از جانب خداوند این خبر را برای من آورده است و می گوید:«هر کس با علی دشمنی کند و ولایت او را نپذیرد لعنت و غضب من بر او باد».هر کس ببیند برای فردا چه پیش فرستاده است.از خدا بترسید که با علی مخالفت کنید و در نتیجه قدمی بعد از ثابت بودن آن بلغزد،خداوند ازآنچه انجام می دهید آگاه است.

ص: ۵۲

ای مردم،او(علی)«جنب الله»است که خداونـد در کتـاب عزیزش ذکر کرده و دربـاره کسـی که بـا او مخالفت کنـد فرموده است:«ان تقول نفس یا حسرتا علی ما فرطت فی جنب الله»،«ای حسرت بر آنچه درباره جنب خداوند تفریط و کوتاهی کردم».

ای مردم،قرآن را تـدبر نمائیـد و آیات آن را بفهمیـد و در محکمات آن نظر کنیـد و بدنبال متشابه آن نروید.بخدا قسم، باطن آن را برای شـما بیان نمی کند و تفسـیرش را برایتان روشن نمی کند مگر این شخصـی که من دست او را می گیرم و او را بسوی خود بالا می برم و بـازوی او را می گیرم و بـا دو دسـتم او را بلنـد می کنم و به شـما می فهمانم که«هر کس من صاحب اختیار اویم این علی صـاحب اختیار او است».و او علی بن ابی طالب برادر و جانشـین من است،ولایت او از جانب خداونـد عز و جل است که بر من نازل کرده است.

ای مردم،علی و پاکـان از فرزنـدانم از نسل او ثقل اصـغرند و قرآن ثقل اکبر است.هر یک از این دواز دیگری خبر می دهـد و با آن موافق است.آنها از یکـدیگر جـدا نمی شونـد تا بر سـر حوض کوثر بر من وارد شونـد. بدانید که آنان امین های خداوند بین مردم و حاکمان او در زمین هستند.

بدانید که من ادا نمودم،بدانید که من ابلاغ کردم،بدانید که من شنوانیدم،بدانید که من روشن نمودم،بدانید که خداوند فرموده است و من از جانب خداونـد عز و جل می گویم،بدانیـد که امیر المؤمنینی جز این برادرم نیست.بدانیـد که امیر المؤمنین بودن بعـد از من برای احدی جز او حلال نیست.

ص: ۵۳

۴ معرفی و بلند کردن امیر المؤمنین(ع) بدست پیامبر(ص)

سپس پیـامبر(ص)دسـتش را بر بـازوی علی(ع)زد و آنحضـرت را بلنـد کرد. و این در حـالی بـود که امیر المـؤمنین(ع) از زمـانی که پیامبر(ص) بر فراز منبر آمده بود یک پله پائین تر از مکان حضـرت ایستاده بود و نسبت به صورت حضرت به طرف راست مایل بود که گویی هر دو در یک مکان ایستاده اند.

پس پیـامبر(ص)بـا دسـتش او را بلنـد کرد و هر دو دست را به سوی آسـمان باز نمود و علی(ع)را از جا بلنـد نمود تا حـدی که پای آنحضرت موازی زانوی پیامبر(ص)رسید.سپس فرمود:

ای مردم،این علی است برادر من و وصـی من و جامع علم من، و جانشـین من در امتم بر آنان که به من ایمان آورده انـد، و جانشـین من در تفسـیر کتاب خداوند عز و جل و دعوت به آن، و عمل کننده به آنچه او را راضـی می کند، و جنگ کننده با دشمنان خدا و دوستی کننده بر اطاعت او و نهی کننده از معصـیت او. اوست خلیفه رسول خدا، و اوست امیرالمؤمنین و امام هدایت کننده از طرف خداوند، و اوست قاتل ناکثان و قاسطان و مارقان به امر خداوند.

خداونـد می فرماید:«ما یبدل القول لدی»،«سـخن در پیشـگاه من تغییر نمی پذیرد»، پروردگارا، به امر تو می گویم:«خداوندا دوسـت بدار هر کس علی را دوست بدارد و دشمن بدار هر کس علی را دشمن بدارد.و یاری کن هر کس علی را یاری کندو خوار کن هر کس علی را خوار کند،و لعنت نما هر کس علی را انکار کندو غضب نما بر هر کس که حق علی را انکار نماید».

ص: ۵۴

پروردگارا،تو هنگام روشن شدن این مطلب و منصوب نمودن علی در این روز این آیه را درباره او نازل کردی:«الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الإسلام دینا» .«و من یبتغ غیر الإسلام دینا فلن یقبل منه و هو فی الآخره من الخاسرین».«امروز دین شما را برایتان کامل نمودم و نعمت خود را بر شما تمام کردم و اسلام را بعنوان دین شما راضی شدم»،«و هر کس دینی غیر از اسلام انتخاب کند هرگز از او قبول نخواهد شد و او در آخرت از زیانکاران خواهد بود».پروردگارا، تو را شاهد می گیرم که من ابلاغ نمودم.

۵ تأکید بر توجه امت به مسئله امامت

ای مردم، خداوند دین شما را با امامت او کامل نمود، پس هر کس اقتدا نکند به او و به کسانی که جانشین او از فرزندان من و از نسل او هستند تا روز قیامت و روز رفتن به پیشگاه خداوند عز و جل،چنین کسانی اعمالشان در دنیا و آخرت از بین رفته و در آتش دائمی خواهند بود.عذاب از آنان تخفیف نمی یابد و به آنها مهلت داده نمی شود.

ای مردم،این علی است که یاری کننده ترین شما نسبت بمن و سزاوارترین شما به من و نزدیک ترین شما به من و عزیزترین شما نزد من است.خداوند عز و جل و من از او راضی هستیم. هیچ آیه رضایتی در قرآن نازل نشده است مگر درباره او، و هیچگاه خداوند مؤمنین را مورد خطاب قرار نداده مگر آنکه ابتدا او مخاطب بوده است،و هیچ آیه مدحی در قرآن نیست مگر درباره او، و خداوند در سوره«هل اتی علی الإنسان»...شهادت به بهشت نداده مگر برای او و این سوره را درباره غیر او نازل نکرده و با این سوره جز او را مدح نکرده است.

ص: ۵۵

ای مردم،او یاری دهنـده دین خـدا و دفاع کننـده از رسول خـدا است،و اوست با تقوای پاکیزه هـدایت کننـده هدایت شده.پیامبرتان بهترین پیامبر و وصیتان بهترین وصی و فرزندان او بهترین اوصیاء هستند.

ای مردم،نسل هر پیامبری از صلب خود او هستند ولی نسل من از صلب امیر المؤمنین علی است .

ای مردم،شیطان آدم را با حسـد از بهشت بیرون کرد.مبادا به علی حسـد کنیـد که اعمالتان نابود شود و قـدمهایتان بلغزد.آدم بخاطر یک گناه بزمین فرستاده شد در حالیکه انتخاب شده خداوند عز و جل بود،پس شما چگونه خواهید بود در حالیکه شمائید و در بین شما دشمنان خدا هستند .

بدانیـد که با علی دشـمنی نمی کنـد مگر شـقی و با علی دوستی نمی کند مگر با تقوی، و به او ایمان نمی آورد مگر مؤمن مخلص. بخدا قسم درباره علی نازل شده است سوره«و العصـر»:«بسم الله الرحمان الرحیم، و العصـر،ان الإنسان لفی خسر»،«قسم به عصر،انسان در زیان است» مگر علی که ایمان آورد و به حق و صبر توصیه کرد.

ای مردم،من خـدا را شاهـد گرفتم و رسـالتم را به شـما ابلاغ نمودم،و بر عهـده رسول جز ابلاغ روشن چیزی نیست.ای مردم از خـدا بترسید آنطور که باید ترسید و از دنیا نروید مگر آنکه مسلمان باشید.

۶ اشاره به کارشکنیهای منافقین

ای مردم،«ایمان آوریـد به خدا و رسولش و به نوری که همراه او نازل شده است،قبل از آنکه هلاک کنیم وجوهی را و آن صورتها را به پشت بر گردانیم یا آنان را ماننـد اصـحاب سـبت لعنت کنیم». بخدا قسم، از این آیه قصد نشده است مگر قومی از اصـحابم که آنان را به اسم و نسـبشان می شناسم ولی مأمورم که از آنان پرده پوشی کنم.پس هر کس عمل کند مطابق آنچه در قلبش از حب یا بغض نسبت به علی می یابد.

ص: ۵۶

ای مردم،نور از جانب خداوند عز و جل در من نهاده شده و سپس در علی بن ابی طالب و بعد در نسل او تا مهدی قائم که حق خداوند و هر حقی که برای ما باشد می گیرد،چرا که خداوند عز و جل ما را بر کوتاهی کنندگان و بر معاندان و مخالفان و خائنان و گناهکاران و ظالمان و غاصبان از همه عالمیان حجت قرار داده است.

ای مردم،شما را می ترسانم و انذار می نمایم که من رسول خدا هستم و قبل از من پیامبران بوده اند،آیا اگر من بمیرم یا کشته شوم شما عقب گرد می نمائید؟هر کس به عقب برگردد به خدا ضرری نمی رساند،و خدا بزودی شاکرین و صابرین را پاداش می دهد.بدانید که علی است توصیف شده به صبر و شکر و بعد از او فرزندانم از نسل او چنین اند.

ای مردم،با اسلامتان بر من منت مگذارید،بلکه بر خدا منت نگذارید، که اعمالتان را نابود می نماید و بر شما غضب می کند و شما را به شعله ای از آتش و مس (گداخته) مبتلا می کند،پروردگار شما در کمین است.

ای مردم،بعد از من امامانی خواهند بود که به آتش دعوت می کنند و روز قیامت کمک نمی شوند .ای مردم،خداوند و من از آنان بیزار هستیم.ای مردم،آنان و یارانشان و تابعینشان و پیروانشان در پائین ترین درجه آتش اند و چه بد است جای متکبران. بدانید که آنان«اصحاب صحیفه»هستند،پس هر یک از شما در صحیفه خود نظر کند.

راوی می گوید:وقتی پیامبر(ص)نام«اصحاب صحیفه»را آورد اکثر مردم منظور حضرت از این کلام را نفهمیدند و برایشان سؤال انگیز شد و فقط عده کمی مقصود حضرت را فهمیدند.

ص: ۵۷

ای مردم،من امر خلافت را بعنوان امامت و وراثت آن در نسل خودم تا روز قیامت به ودیعه می سپارم،و من رسانیدم آنچه مأمور به ابلاغش بودم تا حجت باشد بر حاضر و غائب و بر همه کسانی که حضور دارند یا ندارند،بدنیا آمده اند یا نیامده اند.پس حاضران به غائبان و پدران به فرزندان تا روز قیامت برسانند.

و بزودی امامت را بعد از من بعنوان پادشاهی و با ظلم و زور می گیرند.خداوند غاصبین و تعدی کنندگان را لعنت کند.و در آن هنگام استای جن و انسکه می ریزد برای شما آنکه باید بریزد و می فرستد بر شما شعله ای از آتش و مس(گداخته)و نمی توانید آنرا از خود دفع کنید .

ای مردم،خداوند عز و جل شما را به حال خود رها نخواهد کرد تا آنکه خبیث را از پاکیزه جدا کند،و خداوند شما را بر غیب مطلع نمی کند.

ای مردم،هیچ سرزمین آبادی نیست مگر آنکه در اثر تکذیب(اهل آن آیات الهی را)خداوند قبل از روز قیامت آنها را هلاک خواهد کرد و آنرا تحت حکومت حضرت مهدی خواهد آورد،و خداوند وعده خودرا عملی می نماید.

ای مردم،قبل از شما اکثر پیشینیان هلاک شدند،و خداوند آنها را هلاک نمود و اوست که آیندگان را هلاک خواهد کرد.خدای تعالی می فرماید«ألم نهلك الأولین،ثم نتبعهم الاخرین،كذلك نفعل بالمجرمین،و یل یومئذ للمكذبین»،«آیا ما پیشینیان را هلاك نکردیم؟آیا در پی آنان دیگران را نفرستادیم؟ما با مجرمان چنین می کنیم.وای برمکذبین در آن روز».

ای مردم،خداوند مرا امر و نهی نموده است،و من هم به امر الهی علی را امر و نهی نموده ام،و علم امر و نهی نزد اوست.پس امر او را گوش دهید تا سلامت بمانید،و او را اطاعت کنید تا هدایت شوید و نهی او را قبول کنید تا در راه درست باشید،و به سوی مقصد ومراد او بروید و راههای بیگانه،شما را از راه او منحرف نکند.

ص: ۵۸

۷ پیروان اهل بیت(ع)و دشمنان ایشان

ای مردم،من راه مستقیم خداوند هستم که شما را به تبعیت آن امر نموده،و سپس علی بعد از من،و سپس فرزندانم از نسل او که امامان هدایت اند،به حق هدایت می کنند و بیاری حق به عدالت رفتار می کنند.

سپس حضرت چنین خواندند:«بسم الله الرحمان الرحیم،الحمد لله رب العالمین»...تا آخر سوره حمد و سپس فرمودند:

این سوره درباره من نازل شده،و بخدا قسم درباره ایشان(امامان)نازل شده است.بطور عموم شامل آنهاست و بطور خاص درباره آنان است.ایشان دوستان خدایند که ترسی بر آنان نیست و محزون نمی شوند،بدانید که حزب خداوند غالب هستند.

بدانید که دشمنان ایشان سفهاء گمراه و برادران شیاطین اند که اباطیل را از روی غرور به یکدیگر می رسانند.

بدانید که دوستان ایشان(اهل بیت)کسانی اند که خداوند در کتابش آنان را یاد کرده و فرموده است:«لا تجد قوما یؤمنون بالله و الیوم الآخر یوادون من حاد الله و رسوله و لو کانوا آبائهم او ابنائهم او إخوانهم او عشیرتهم،اولئک کتب فی قلوبهم الایمان»...تا آخر آیه،«نمی یابی قومی را که به خدا و روز قیامت ایمان آورده باشند،و در عین حال با کسانی که با خدا و رسولش ضدیت دارند روی دوستی داشته باشند،اگر چه پدرانشان یا فرزندانشان یا برادرانشان یا فامیلشان باشند.آنان اند که ایمان در قلوبشان نوشته شده است»...

بدانید که دوستان ایشان(اهل بیت)کسانی اند که خداوند عز و جل آنان را توصیف کرده و فرموده است:«الذین آمنوا و لم یلبسوا ایمانهم بظلم اولئک لهم الأمن و هم مهتدون»«کسانی که ایمان آورده اند و ایمانشان را با ظلم نپوشانده اند،آنان اند که بر ایشان امان است و آنان هدایت یافتگان اند».

ص: ۵۹

بدانید که دوستان ایشان کسانی اند که ایمان آورده اند و به شک نیفتاده اند.

بدانید که دوستان ایشان کسانی اند که با سلامتی و در حال امن وارد بهشت می شوند و ملائکه با سلام به ملاقات آنان می آیند و می گویند:«سلام بر شما پاکیزه شدید،پس برای همیشه داخل بهشت شوید».

بدانید که دوستان ایشان کسانی هستند که بهشت برای آنان است و در آن بدون حساب روزی داده می شوند.

بدانید که دشمنان ایشان (اهل بیت) کسانی اند که به شعله های آتش وارد می شوند،بدانید که دشمنان ایشان کسانی اند که از جهنم در حالی که می جوشد صدای وحشتاکی می شوند و شعله کشیدن آنرا می بینند.

بدانید که دشمنان ایشان کسانی اند که خداوند درباره آنان فرموده است«کلما دخلت امه لعنت اختها»...تا آخر آیه،«هر گروهی که داخل(جهنم)می شود همتای خود را لعنت می کند»....

بدانید که دشمنان ایشان کسانی اند که خداوند عز و جل می فرماید:

«کلما القی فیها فوج سألهم خزنتها الم یأتکم نذیر،قالوا بلی قد جاءنا نذیر فکذبنا و قلنا ما نزل الله من شیی ء،ان انتم الا فی ضلال کبیر ...فسحقا لأصحاب السعیر»،«هر گاه گروهی(از ایشان)را در جهنم می اندازند خزانه داران دوزخ از ایشان می پرسند:آیا ترساننده ای برای شما نیامد؟می گویند:بلی،برای ما نذیر و ترساننده آمد ولی ما او را تکذیب کردیم و گفتیم:خداوند هیچ چیز نازل نکرده است،و شما در گمراهی بزرگ هستید...پس دور باشند اصحاب آتش».

بدانید که دوستان ایشان(اهل بیت)کسانی هستند که در پنهانی از پروردگارشان می ترسند و برای آ نان مغفرت و اجر بزرگ است.

ای مردم،چقدر فاصله است بین شعله های آتش و بین اجر بزرگ!ای مردم،دشمن ما کسی است که خداوند او را مذمت و لعنت نموده،و دوست ما آن کسی است که خداوند او را مدح نموده و دوستش بدارد.

ص: ۶۰

ای مردم،بدانید که من نذیر و ترساننده ام و علی هدایت کننده است.

ای مردم،من پیامبرم و علی جانشین من است.

ای مردم،بدانید که من پیامبرم و علی امام و وصی بعد از من است،و امامان بعد از او فرزندان او هستند.بدانید که من پدر آنانم و آنها از صلب او بوجود می آیند.

۸ حضرت مهدی عجل الله فرجه

بدانید که آخرین امامان،مهدی قائم از ماست.اوست غالب بر ادیان،اوست انتقام گیرنده از ظالمین،اوست فاتح قلعه ها و منهدم کننده آنها،اوست غالب بر هر قبیله ای از هل شرک و هدایت کننده آنان.

بدانید که اوست گیرنده انتقام هر خونی از اولیاء خدا.اوست یاری دهنده دین خدا.

بدانید که اوست استفاده کننده از دریایی عمیق.اوست که هر صاحب فضیلتی را بقدر فضلش و هر صاحب جهالتی را بقدر جهلش نشانه می دهد.اوست انتخاب شده و اختیار شده خداوند.اوست وارث هر عملی و احاطه دارنده به هر فهمی.

بدانید که اوست خبر دهنده از پروردگارش، و بالابرنده آیات الهی.اوست هدایت یافته محکم بنیان.اوست که کارها به او سپرده شده است.

اوست که پیشینیان به او بشارت داده اند،اوست که بعنوان حجت باقی می ماند و بعد از او حجتی نیست.هیچ حقی نیست مگر همراه او،و هیچ نوری نیست مگر نزد او.

بدانید او کسی است که غالب بر او نیست و کسی بر ضد او کمک نمی شود.اوست ولی خدا در زمین و حکم کننده او بین خلقش و امین او بر نهان و آشکارش.

۹ مطرح کردن بیعت

ای مردم،من برایتان روشن کردم و به شما فهمانیدم،و این علی است که بعد از من به شما می فهماند.

ص: ۶۱

بدانیـد که من بعـد از پایان خطابه ام شـما را به دست دادن با من بعنوان بیعت با او و اقرار به او،و بعد از من به دست دادن با خود او فرا می خوانم.

بدانید که من با خدا بیعت کرده ام و علی با من بیعت کرده است،و من از جانب خداوند برای او از شـما بیعت می گیرم(خداوند می فرمایـد:)«ان الـذین یبایعونـک انمـا یبـایعون الله،یـد الله فوق ایـدیهم،فمن نکث فانمـا ینکث علی نفسه،و من أوفی بما عاهـد علیه الله فسیؤتیه اجرا عظیما»،«کسانی که با تو بیعت می کننـد در واقع با خدا بیعت می کنند،دست خداوند بر روی دست آنان است.پس هر کس بیعت را بشکند این شکسـتن بر ضـرر خود اوست،و هر کس به آنچه با خـدا عهد بسته وفادار باشد خداوند به او اجر عظیمی عنایت خواهد کرد».

۱۰ حلال و حرام،واجبات و محرمات

ای مردم،حـج و عمره از شـعائر الهی هسـتند،(خداونـد می فرمایـد:)«فمن حـج البیت او اعتمر فلاـ جنـاح علیه ان یطوف بهمـا»تا آخر آیه،«پس هر کس به خانه خدا بعنوان حج یا عمره بیاید برای او اشکالی نیست که بر صفا و مروه بسیار طواف کند».

ای مردم،به حـج خـدا برویـد.هیـچ خانـدانی به خـانه خـدا وارد نمی شونـد مگر آنکه مستغنی می گردنـد و شاد می شونـد،وء هیچ خانــدانی آنرا ترک نمی کننــد مگر آنکــه منقطــع می شونــد و فقیر می گردنــد .ای مردم،هیــچ مــؤمنی در موقف(عرفات،مشعر،منی)وقوف نمی کند مگر آنکه خداوند گناهان گذشته او را تا آن وقت می آمرزد،و هر گاه که حجش پایان یافت اعمالش را از سر می گیرد.

ای مردم،حاجیان کمک می شوند و آنچه خرج می کنند به آنان بر می گردد،و خداوند جزای محسنین را ضایع نمی نماید.

ص: ۶۲

ای مردم،با دین کامل و با تفقه و فهم به حج خانه خدا بروید و از آن مشاهد مشرفه جز با توبه و دست کشیدن از گناه بر مگردید.

ای مردم،نماز را بپا دارید و زکات را بپردازید همانطور که خداوند عز و جل به شما فرمان داده است و اگر زمان طویلی بر شما گذشت و کوتاهی نمودید یا فراموش کردید،علی صاحب اختیار شما است و برای شما بیان می کند،او که خداوند عز و جل بعد از من بعنوان امین بر خلقش او را منصوب نموده است.او از من است و من از اویم.

او و آنانکه از نسل من اند از آنچه سؤال کنید به شما خبر می دهند و آنچه را نمی دانید برای شما بیان می کنند.

بدانید که حلال و حرام بیش از آن است که من همه آنها را بشمارم و معرفی کنم و بتوانم در یک مجلس به همه حلالها دستور دهم و از همه حرامها نهی کنم.پس مأمورم که از شما بیعت بگیرم و با شما دست بدهم بر اینکه قبول کنید آنچه از طرف خداوند عز و جل درباره امیر المؤمنین علی و جانشینان بعد از او آورده ام که آنان از نسل من و اویند،(و آن موضوع)امامتی است که فقط در آنها بپا خواهد بود،و آخر ایشان مهدی است تا روزی که خدای مدبر قضا و قدر را، ملاقات کند.

ای مردم،هر حلالی که شما را بدان راهنمایی کردم و هر حرامی که شما را از آن نهی نمودم،هرگز از آنها برنگشته ام و تغییر نداده ام.این مطلب را بیاد داشته باشید و آنرا حفظ کنید و به یکدیگر سفارش کنید،و آنرا تبدیل نکنید و تغییر ندهید.

ص: ۶۳

من سخن خود را تکرار می کنم:نماز را بپا دارید و زکات را بپردازید و به کار نیک امر کنید و از منکرات نهی نمائید.

بدانید که بالاترین امر بمعروف آنست که سخن مرا بفهمید و آنرا به کسانی که حاضر نیستند برسانید و او را از طرف من به قبولش امر کنید و از مخالفتش نهی نمائید،چرا که این دستوری از جانب خداوند عز و جل و از نزد من است،و هیچ امر بمعروف و نهی از منکری نمی شود مگر با امام معصوم.

ای مردم،قرآن به شما می شناساند که امامان بعد از علی فرزندان او هستند و من هم به شما شناساندم که آنان از نسل من و از نسل اویند.

آنجا که خداوند در کتابش می فرماید:«و جعلها کلمه باقیه فی عقبه»،«آن(امامت)را بعنوان کلمه باقی در نسل او قرار داد»،و من نیز به شما گفتم:«اگر به آن دو(قرآن و اهل بیت)تمسک کنید هرگز گمراه نمی شوید».

ای مردم،تقوی را تقوی را.از قیامت بر حذر باشید همانگونه که خدای عز و جل فرموده:«إن زلزله الساعه شیی ء عظیم»،«زلزله قیامت شیئ عظیمی است».

مرگ و معاد و حساب و ترازوهای الهی و حسابرسی در پیشگاه رب العالمین و ثواب و عقاب را بیاد آورید.هر کس حسنه با خود بیاورد طبق آن ثواب داده می شود،و هر کس گناه بیاورد در بهشت او را نصیبی نخواهد بود.

۱۱ بیعت گرفتن رسمی

ای مردم،شما بیش از آن هستید که با یک دست و در یک زمان با من دست دهید،و پروردگارم مرا مأمور کرده است که از زبان شما اقرار بگیرم در باره آنچه منعقد نمودم برای علی امیر المؤمنین و امامانی که بعد از او می آیند و از نسل من و اویند،چنانکه بشما فهماندم که فرزندان من از صلب اویند.

ص: ۶۴

پس همگی چنین بگوئید:

«ما شنیدیم و اطاعت می کنیم و راضی هستیم و سر تسلیم فرود می آوریم درباره آنچه از جانب پروردگار ما و خودت بما رساندی درباره امر امامت امامان علی امیر المؤمنین و امامانی که از صلب او بدنیا می آیند.بر این مطلب با قلبهایمان و با جانمان و با زبانمان و با دستانمان با تو بیعت می کنیم.بر این عقیده زنده ایم و با آن می میریم و(روز قیامت)با آن محشور می شویم.تغییر نخواهیم داد و تبدیل نمی کنیم و شک نمی کنیم و انکار نمی نمائیم و تردید به دل راه نمی دهیم و از این قول بر نمی گردیم و پیمان را نمی شکنیم.

تو ما را به موعظه الهی نصیحت نمودی درباره علی امیر المؤمنین و امامانی که گفتی بعد از او از نسل تو و فرزندان اویند،یعنی حسن و حسین و آنانکه خداوند بعد از آن دو منصوب نموده است.

پس برای آنان عهد و پیمان از ما گرفته شد،از قلبهایمان و جانهایمان و زبانهایمان و ضمائرمان و دستهایمان.هر کس توانست با دست بیعت می نماید و گر نه با زبانش اقرار می کند.هرگز در پی تغییر این عهد نیستیم و خداوند(در این باره)از نفسهایمان دگرگونی نبیند.

ما این مطالب را از قول تو به نزدیک و دور از فرزندانمان و فامیلمان می رسانیم،و خدا را بر آن شاهد می گیریم.خداوند در شاهد بودن کفایت می کند و تو نیز بر این اقرار ما شاهد هستی».

ای مردم،چه می گوئید؟خداوند هر صدایی را و پنهانی های هر کسی را می داند.پس هر کس هدایت یافت بنفع خودش است و هر کس گمراه شد به ضرر خودش گمراه شده است،و هر کس بیعت کند با خداوند بیعت می کند،دست خداوند بر روی دست آنها(بیعت کنندگان)است.

ص: ۶۵

ای مردم،با خـدا بیعت کنیـد و با من بیعت نمائیـد و با علی امیر المؤمنین و حسن و حسـین و امامان از ایشان در دنیا و آخرت،بعنوان امامتی که در نسل ایشان باقی است بیعت کنیـد .خداوند غدر کنندگان(بیعت شـکنان)را هلاک و وفاداران را مورد رحمت قرار می دهـد.و هر کس بیعت را بشـکند به ضـرر خویش شکسـته است،و هر کس به آنچه بـا خـدا پیمـان بسـته وفا کنـد خداونـد به او اجر عظیمی عنایت می فرماید.

ای مردم،آنچـه بـه شـما گفتـم بگوئیـد(تکرار کنیـد)،و بـه علی بعنـوان«امیر المـؤمنین»سـلام کنیـد و بگوئیـد«شـنیدیم و اطـاعت کردیم،پروردگارا مغفرت تو را می خواهیم و بازگشت بسوی توست» .و بگوئیـد:«حمـد و سپاس خـدای را که ما را به این هـدایت کرد،و اگر خداوند هدایت نمی کرد ما هدایت نمی شدیم»....

ای مردم،فضائل علی بن ابی طالب نزد خداونـدکه در قرآن آنرا نازل کردهبیش از آن است که همه را در یک مجلس بشـمارم،پس هر کس درباره آنها بشما خبر داد و معرفت آنرا داشت او را تصدیق کنید.

ای مردم،هر کس خدا و رسولش و علی و امامانی را که ذکر کردم اطاعت کند به رستگاری بزرگ دست یافته است.

ای مردم،کسانی که برای بیعت با او و قبول ولایت او و سـلام کردن بعنوان«امیر المؤمنین»با او،سـبقت بگیرند آنان رسـتگارانند و در باغهای نعمت خواهند بود.

ای مردم،سـخنی بگوئیـد که بخاطر آن خداونـد از شـما راضـی شود،و اگر شـما و همه کسانی که در زمین هسـتند کافر شوند بخدا ضرری نمی رسانند.

خـدایا،بخـاطر آنچه ادا کردم و امر نمودم مؤمنین را بیامرز،و بر منکرین که کافرنـد غضب نما،و حمـد و سپاس مخصوص خـداوند عالم است.

ص: ۶۶

شکستن بت ها

جمهور از برخی طریقه ها روایت کرده اند که پیامبر شانه خود را زیر پای علی علیه السّلام نهاد تا او بتان را از فراز کعبه فرو افکند و درهم شکست. و نیز گذر از صراط جز برای کسی که نامه ولایت علی را در دست دارد ممکن نیست.

ذوالفقار

نیز برای علی علیه السّلام، سطلی که در آن آب و دستمالی بود فرود آمد و آن حضرت برای نماز وضو گرفت و به نماز پیامبر صلّی اللّه علیه و آله پیوست.

روایت دیگر اینکه منادیی در جنگ احد از آسمان ندا داد «شمشیری جز ذوالفقار نیست و دلاوری جز علی» روایت شده که همین ندا در جنگ بدر نیز شنیده شد.

ترجمه نهج الحق و کشف الصدق، ص: ۲۳۴

علی (ع) بهترین بشر

علی (ع) بهترین بشر و بهترین جوانمرد است

«ابن مردویه» فقه اهل سنت در کتابش به سند خود از «حذیفه یمانی» روایت کرده که گفت:

«قال رسول اللَّه: علیّ خیر البشر فمن ابی فقد کفر»

.

پیامبر فرمود: علی (علیه السلام) بهترین بشر است و هر کس او را رد کند، او کافر است).

ترجمه الطرائف ،ص:۲۳۱

علی با حق و حق با علی

حق با علی (ع) است

ابو بکر محمد بن الحسن اجری- شاگرد ابی بکر و پدر ابو داود سجستانی- در کتاب «الشریعه» به سند خود از «علقمه بن قیس» و «اسود بن یزید» روایت کرده که این دو نفر گفتند: خدمت ابو ایوب انصاری آمدیم و گفتیم خداوند به وجود محمد صلی اللَّه علیه و آله و سلّم ترا گرامی داشته، زیرا که به شتر او وحی کرد تا بر در خانه تو فرود آمد و پیامبر میهمان تو شد و این فضیلتی است که خداوند افتخار آن را به تو داده بعد خارج شدی و در رکاب علی (علیه السلام) جهاد کردی.

ص: ۶۷

ابو ایّوب انصاری گفت: آفرین بر شما، خوش آمدید، من قسم می خورم برای شما که پیامبر در همین خانه بود که الان شما دو تا در آن نشسته اید، و در خانه جز رسول خدا و علی کسی نبود، علی هم در دست راست پیامبر نشسته بود، من و انس هم پیش روی او ایستاده بودیم که ناگهان در کوبیده شد، پیغمبر فرمود: انس نگاه کن ببین کیست که در می زند انس نگاه کرد و بر گشت و گفت عمار است.

ابو ایوب گفت: شنیدم از رسول خدا که فرمود: ای انس در را به روی عمار- که طیّب و طاهر است- بگشای تا داخل شود.

عمار داخل شد بر پیامبر سلام کرد، پیامبر صلی اللَّه علیه و آله و سلّم جواب سلام او را داد و به او خوش آمد گفت: و به او فرمود: ای عمار! به زودی بعد از من در میان امت من اختلاف و کشمکش به وجود می آید و به حدی که به روی همدیگر شمشیر می کشند و حتی بعضی از آنان بعضی دیگر را می کشند و بعضی از بعض دیگر بیزاری می جویند آنگاه که این وضع را دیدی، از این مردی که طرف راست من نشسته، دست برندار- یعنی علی بن ابی طالب- فرمود: عمار! اگر تمام مردم به راهی بروند ولی علی (علیه السلام) تنها به راهی برود، تو از همان راهی برو که علی (علیه السلام) است و مردم را ترک کن.

«یا عمّار انّ علیا لا یزال علی هدی یا عمّار طاعه علیّ طاعتی و طاعتی طاعه اللَّه عزّ و جلّ»

ای عمار! علی پیوسته در هدایت است ای عمار! پیروی و اطاعت از علی (علیه السلام) پیروی و اطاعت از من است و اطاعت از من، اطاعت از خدا است.

ص: ۶۸

و همچنین علامه بدخشی از ابو ایوب انصاری و عمار یاسر روایت کرده که پیامبر فرمود:

«یا علی انّ الحقّ معک، و الحقّ علی لسانک و فی قلبک و فی عینک»

«(۱)».

ای علی حق با توست و بر زبان و قلب و چشمانت حق نمایان است.

«عبدری» در کتاب «الجمع بین الصحاح السته» در باب مناقب امیر المؤمنین (علیه السلام) از صحیح بخاری از پیامبر صلی اللّه علیه و آله و سلّم روایت کرده که فرمود:

«رحم اللّه علیّا اللّهمّ أدر الحقّ معه حیث دار»

.

رحمت خدا بر علی باد، خدایا حق را با علی (علیه السلام) بگردان هر کجا که او بگردد.

احمد بن موسی بن مردویه در کتاب «المناقب» از چند طریق از جمله به سند خود از «محمد بن ابی بکر» روایت کرده که گفت:

حدّثنی عایشه ان رسول اللّه قال: «الحقّ مع علیّ و علیّ مع الحقّ لن یفترقا حتّی یردا علیّ الحوض»

.

عایشه به من روایت کرد که رسول خدا فرمود: حق پیوسته با علی است و علی (علیه السلام) هم پیوسته با حق است و این دو از هم جدا نشوند تا نزد من بر حوض وارد شوند.

ابن قتیبه دینوری می نویسد: هنگامی که علی (علیه السلام) در جنگ جمل پیروز شد و عایشه شکست خورد، برادر وی محمد بن ابی بکر که یکی از همراهان علی (علیه السلام) بود، به دیدن او رفت محمد به عایشه گفت: آیا نشنیدی که رسول خدا فرمود:

«علیّ مع الحقّ و الحقّ مع علیّ ثمّ خرجت تقاتلینه بدم عثمان؟!»

«(۱)».

ص: ۶۹

علی با حق است و حق با علی است تو اکنون به عنوان خونخواهی عثمان خروج نموده و با او به پیکار پرداخته ای؟!.

حافظ ابن مردویه اصفهانی در «مناقب» و دیلمی در «فردوس» روایت را چنین نقل کرده اند که محمد به عایشه گفت: ترا به خدا سوگند به یاد می آوری که گفته بودی پیامبر فرمود:

«الحقّ لن یزال مع علیّ و علیّ مع الحقّ لن یختلفا و لن یفترقا»

(حق پیوسته با علی است و علی هم با حق است این دو هیچ وقت از همدیگر جدا نمی شوند) عایشه گفت: آری .

حافظ ابن مردویه از ابو حسن (تمیم بن عمرو و یا تمیم بن عبد عمرو) روایت کرده که گفت: بر امّ المؤمنین عایشه وارد شدم، از من پرسید: چه کسی با خوارج پیکار نمود؟ گفتم: علی بن ابی طالب.

عایشه گفت: بغض و کینه درونی من نسبت به علی (علیه السلام) مانع از گفتن حق نخواهد بود شنیدم پیامبر خدا صلی اللّه علیه و آله و سلّم فرمود: بهترین فرد امت پس از من آنها (خوارج) را به قتل خواهد رسانید و شنیدم که فرمود:

«علیّ مع الحقّ و الحقّ مع علیّ»

.

خطیب در تاریخ بغداد به سند خود از ابو ثابت مولای ابو ذر روایت کرده که گفت: وارد شدم بر اسلمه دیدم گریه می کند و نام علی (علیه السلام) را می برد. و می گوید: از رسول خدا شنیدم می فرمود: علی با حق است و حق با علی است و یک چشم برهم زدن از هم جدا نمی شوند تا کنار حوض کوثر مرا ببینند.

«علیّ مع الحقّ و الحقّ مع علیّ و لن یفترقا حتّی یردا علیّ الحوض یوم القیامه»

ص: ۷۰

.

حافظ ابن عساکر با سند خود از «مالک بن جعونه» از ام سلمه روایت کرده است که گفت: «و اللّٰه انّ علیا مع الحقّ قبل الیوم و بعد الیوم عهدا معهودا و قضاء مقضیا» .

(به خدا سوگند که علی بر حق است پیش از امروز و بعد از امروز و این پیمانی مستحکم و حکمی روا شده است).

باز طبق نقل ابن عساکر، ام سلمه ام المؤمنین به ابو ثابت فرمود: سوگند به خدائی که جانم در دست قدرت اوست، از رسول خدا صلی اللّٰه علیه و آله و سلّم شنیدم که می فرمود:

«علیّ مع الحقّ و الحقّ مع علیّ و القرآن مع علیّ و لن یفترقا حتّی یردا علیّ الحوض»

.

علی با حق و قرآن است و حق و قرآن نیز با علی است و از همدیگر جدا نشوند تا (روز قیامت) سر حوض بر من وارد شوند.

(۱) از آن جمله روایتی است که ابی بکر احمد بن موسی بن مردویه به سند خود از «اصبغ بن نباته» روایت کرده که گفت: چون زید بن صوحان در جنگ جمل به شدت زخمی شد و از پشت اسب به زمین افتاد علی (علیه السلام) بر بالین او آمد و هنوز نیمه جانی از او مانده بود فرمود: ای زید رحمت خدا بر تو باد به خدا قسم من ترا نشناختم مگر این که مئونه و مشقت و تعلقات دنیوی تو اندک بود و معاونت و کمک کردن تو در دین بسیار بود.

همان موقع، زید سر خود را به جانب آن حضرت برداشت و گفت: تو مولای من هستی و خدا به تو جزای خیر بدهد و اللّٰه نشناختم ترا مگر این که به خدا عالم و به آیات او عارف بودید، به خدا سوگند که به همراهی تو با دشمنان تو از روی جهل جنگ نکردم و لیکن شنیدم که «حذیفه بن یمان» می گفت: شنیدم رسول خدا صلی اللّٰه علیه و آله و سلّم می فرمود:

ص: ۷۱

«علیّ امیر البرره و قاتل الفجره منصور من نصره و مخذول من خذله الا و انّ الحقّ معه و یتّبعه الا فمیلوا معه»

.

علی امیر نیکوکاران و قاتل تبهکاران است و یاری کرده شده است کسی که به او کمک کند، و سر افکنده است کسی که او را سر افکنده سازد بدانید حق با علی است و تابع او است آگاه باشید و به او تمایل نشان دهید.

ترمذی در صحیح حدیثی با سند خود از رسول خدا آورده که فرمود:

«رحم اللَّه علیّا»

خدا علی را رحمت کند، آنگاه عرض کرد بار الها حق و علی را همواره با هم به جریان انداز، آن را معرف این، و این را معرف آن قرار بده .

حاکم نیز این روایت را در «مستدرک الصحیحین» آورده و گفته است که:

این حدیث از نظر مسلم واجد شرایط صحت است.

حاکم به سند خود از «عمره» دختر عبد الرحمن روایت کرده که گفت: وقتی علی (علیه السلام) می خواست به طرف بصره (جهت خاموش کردن غائله ای که عایشه به راه انداخته بود) برود وارد بر ام سلمه همسر رسول خدا صلی اللَّه علیه و آله و سلّم شد تا با او خداحافظی کند، ام سلمه گفت: برو در پناه خدا و در کنف او، به خدا سوگند تو (هر جا باشی) بر حقی، و حق (هر جا باشد) با تو است و اگر نبود که من می خواهم از نافرمانی خدا و رسول پرهیز کنم و دستور او را که باید در خانه خود بنشینم و اطاعت کنم، حتما با تو می آمدم و لیکن به خدا سوگند کسی را با تو می فرستم که از جان خودم عزیزتر و او فرزندم است .

ص: ۷۲

حاکم پس از نقل این حدیث می گوید: این حدیث همه شرایط صحت را واجد است چه از نظر مسلم و چه از نظر بخاری.

«هیثمی» در مجمع خود می گوید: از محمد بن ابراهیم تیمی روایت شده که گفت فلانی- یعنی معاویه- در سفر حج به مدینه آمد، مردم هم به دیدارش رفتند، چون سعد داخل شد سلام کرد، معاویه گفت: این مرد نسبت به حق ما، در برابر باطل دیگران اعتنائی ندارد (یعنی من حقم علی (علیه السلام) باطل است).

سعد چیزی نگفت: معاویه پرسید: چرا حرف نمی زنی؟ گفت: فتنه ای بپا شده و ظلمتی عالم را فرا گرفته و به شتر من گفته اخ اخ- یعنی بخواب- شتر من فعلا خوابیده، تا فضا روشن شود.

مرد- معاویه- گفت: من همه جای کتاب خدا را خواندم، هیچ در آن اخ اخ ندیدم.

سعد گفت: سند گفته من کلامی است که از رسول خدا شنیدم می فرمود:

«علیّ مع الحقّ و الحقّ مع علیّ و الحقّ یدور حیث ما دار علیّ»

. (علی پیوسته با حق است و یا حق با علی است هر جا که باشد و هر کار که بکند، معاویه پرسید: آیا غیر از تو کسی دیگر نیز این حدیث را از رسول خدا صلی اللّٰه علیه و آله و سلّم شنیده؟ گفت: آری، این کلام را در خانه امّ سلمه فرمود).

معاویه گفت: بفرستید ام سلمه بیاید. ام سلمه را آوردند، معاویه از او پرسید: در باره این سخن چه می گوئی؟ گفت: این کلام را رسول خدا صلی اللّٰه علیه و آله و سلّم در خانه من فرمود.

هیثمی پس از نقل این جریان اضافه کرده است که معاویه پس از شنیدن شهادت ام سلمه به سعد گفت: هیچ وقت مثل امروز در نظرم مستحق ملامت و سرزنش نبودی.

ص: ۷۳

سعد گفت: چه ملامتی؟

گفت: این کلام را از رسول خدا صلی اللّه علیه و آله و سلّم شنیدی و علی (علیه السلام) را تنها گذاشتی؟

اگر من شنیده بودم تا زنده بودم به علی خدمت می کردم تا مرگم فرا رسد . و مقصود معاویه از تنها گذاشتن علی این بود که سعد در جنگ صفین او را یاری نکرد.

باز هیثمی در همان کتاب از ام سلمه روایت کرده است که گفت:

«کان علیّ علی الحقّ من اتّبعه، اتّبع الحقّ و من ترکه ترک الحقّ عهد معهود قبل یومه هذا».

علی (علیه السلام) با حق بوده و هر که او را پیروی کند از حق پیروی کرده و هر که ترک او گوید حق را ترک کرده است این عهدی است که از پیش معهود بوده .

و نیز از ابو سعید خدری روایت کرده که گفت: با جمعی از مهاجرین و انصار جلو خانه رسول خدا صلی اللّه علیه و آله و سلّم بودیم که علی بن ابی طالب عبور کرد، رسول خدا مکرر فرمود:

«الحقّ مع ذا، الحقّ مع ذا»

: حق با این است، حق با این است ».

این روایت را ابو یعلی و مناوی در «کنوز الحقائق» و متقی در «کنز العمال» آورده اند .

(۱) ابن مردویه در «المناقب» و حاکم در «مستدرک الصحیحین» به سند خود از «ابی ثابت» مولای ابو ذر روایت کرده اند که گفت: در جنگ جمل در لشکر علی (علیه السلام) بودم، همین که عایشه را در لشکر دشمن دیدم، شکی در دلم افتاد که در هنگام نماز ظهر زائل شد و تا آخر در قتال دشمن شرکت کردم، همین که جنگ پایان یافت به مدینه نزد ام سلمه رفتم و گفتم به خدا سوگند برای آب و نان نیامده ام و لکن من مولای ابوذرم و جریانم این طور است وقتی مرا شناخت آفرین گفت و فرمود: دلها به کجا پرواز می کند؟

ص: ۷۴

گفتم هر جا رفت در موقع ظهر، خدا آن را بر گردانید، گفت: احسنت من ازرسول خدا شنیدم که می فرمود:

«علیّ مع القرآن و القرآن مع علیّ لا یفترقا حتّی یردا علیّ الحوض»

(علی با قرآن است و قرآن با علی (علیه السلام) است از هم جدا نمی شوند، تا کنار حوض کوثر مرا ببینند) «۱».

حاکم بعـد از نقل این حـدیث گفته: سـندش صـحیح است و این روایت را مناوی هم در «فیض القـدیر» . و متقی در «کنز العمال نیز آورده اند «۳».

ابو جعفر اسـکافی معتزلی آورده است که عمـار یاسـر ضـمن ایراد خطبه ای از کارشـکنی های ابو موسـی اشـعری در کوفه و تشویق مردم به همکاری با امیر المؤمنین (علیه السـلام) در جنگ با معاویه و نقل پیشـگوئی پیامبر اکرم از کشتار ناکثین و قاسطین و مارقین به دست علی (علیه السلام) گفت که: شنیدم رسول خدا صلی اللّه علیه و آله و سلّم فرمود:

«علیّ مع الحقّ و الحقّ مع علیّ لا یفترقان حتّی یردا علیّ الحوض یوم القیامه»

«۴».

(علی با حق است و حق با علی و از هم جدا نشوند تا در روز قیامت در کنار حوض بر من وارد شوند).

و نیز ابن عساکر و دیگران با ذکر سند به نقل از عمار یاسر آورده اند که گفت:

شنیدم پیامبر صلی اللّه علیه و آله و سلّم می فرماید:

«یا علی سـتقاتلک الفئه الباغیه و انت علی الحقّ فمن لم ینصـرک یومئذ فلیس منّی»(ای علی به زودی گروه تجاوزگر با تو پیکار می کند و تو بر حق هستی، پس کسی که در آن روز تو را یاری نکند از من نخواهد بود).

ص: ۷۵

ترجمه الطرائف ،ص:۲۴۴تا ص:۲۳۶

علی (ع) تقسیم کننده بهشت و دوزخ

علی (ع) تقسیم کننده بهشت و دوزخ

ابن مغازلی در کتاب «المناقب» به سند خود روایت کرده که گفت: پیامبر صلی اللّه علیه و آله و سلّم به علی (علیه السلام) فرمود:

«انّک قسیم الجنّه و النّار و انّک تقرع باب الجنّه و تدخلها بغیر حساب»

.

تو قسمت کننده بهشت و جهنمی و تو در بهشت را می کوبی و بدون حساب داخل آن می شوی.

ابن مغازلی در کتاب خود از انس و غیره روایت کرده که گفت: خدمت پیامبر صلی اللّه علیه و آله و سلّم بودم که علی (علیه السلام) آمد پیامبر فرمود:

«انا و هذا حجّه علی امّتی یوم القیامه»

.

من و علی بر امت خود روز قیامت حجت هستیم.

ابن حجر هیثمی در کتاب «صواعق المحرقه» می نویسد: «دارقطنی» به سند خود روایت کرده که علی (علیه السلام) به آن شش نفری که عمر امر شوری را به آنان واگذار کرده بود، صحبتهای طولانی کرد از آن جمله فرمود: شما را به خدا سوگند می دهم، آیا در شما کسی هست که رسول خدا در باره او فرموده باشد تو در روز قیامت تقسیم کننده بهشت و دوزخی نه من؟ همه آنان گفتند: خود و خدا، نه.

و روایات دیگری از حضرت رضا (علیه السلام) روایت کرده اند که فرمود: «یا علی توئی تقسیم کننده آتش و بهشت در روز قیامت و توئی که به آتش می گوئی این سهم من و آن سهم تو «۳».

متقی در کتاب «کنز العمال» از علی (علیه السلام) روایت کرده که فرمود: «من تقسیم کننده آتشم» و این حدیث را «شاذان فضیلی» در «رد الشمس» آورده .

ص: ۷۶

مناوی در «کنوز الحقائق» نیز نظیر آن را آورده و به دیلمی نسبت داده است .

ترجمه الطرائف ،ص:۲۰۷

تقویت رسول اکرم صلّی اللّه علیه و آله بوجود حضرت علی علیه السّلام

خدای تعالی رسول اکرم صلّی اللّه علیه و آله را به وجود مقدس حضرت علی علیه السّلام تقویت فرمود [تاریخ بغداد ۱۱/ ۱۷۳] از «انس بن مالک» روایت کرده است که رسول اکرم صلّی اللّه علیه و آله فرمود: در شب معراج، بر ساق عرش حضرت پروردگار، این مکتوب را مشاهده کردم:

«لا اله الّا اللّه محمّد رسول اللّه ایّدته بعلیّ»

؛ «خدائی جز خدای یکتا نیست، محمد رسول خداست، او را به نیروی علی علیه السّلام تقویت و تأیید نمودم»

[الدّر المنثور] «سیوطی» در این کتاب، در ذیل تفسیر آیه شریفه:

سُبْحانَ الَّذِی أَسْری بِعَبْدِهِ لَیْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرامِ اظهار داشته است: «ابن عدی» و «ابن عساکر» از «انس» روایت کرده اند که رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله فرمود: در شب معراج، این مکتوب را بر ساق عرش دیدم:

«لا اله الّا اللّه محمّد رسول الله ایّدته بعلیّ»

فضائل پنج تن علیهم السلام در صحاح ششگانه ج ۱، ص: ۳۰۲

ایمان

[کنز العمال ۶/ ۴۰۵] روایت کرده است. این حدیث را «محمد بن ایوب» در «جزء» روایت نموده و «عقیلی» هم، به روایت آن حدیث پرداخته است. و «ذهبی» هم، در [میزان الاعتدال ۱/ ۴۱۷] به اختصار از کتاب «عقیلی» نقل کرده است.

[همان کتاب ۲/ ۱۹۸] از «معاذ بن جبل» نقل کرده است که رسول

خدا صلّی اللّه علیه و آله خطاب به علی علیه السّلام فرمود: یا علی! با داشتن هفت صفت که ویژه خودت است، با همه مردم به مخاصمت می پردازی و هیچیک از مردم قریش تاب محاجه و گفتگوی با تو را ندارد، آن هفت صفت عبارتند از: ۱- نخستین کسی از آنها هستی که بخدای تعالی ایمان آوردی؛ ۲- از همه آنها به پیمان خدا بهتر وفا می کنی؛ ۳- فرمان خدا را بهتر از دیگران انجام می دهی؛ ۴- بهترین آنهائی در تقسیم (اموال و غنائم) بطور مساوی؛ ۵- بهترین آنهائی در اجرای عدالت؛ ۶- در تشخیص و چگونگی وقوع قضیه، از همگان بیناتری؛ ۷- موقعیت تو در پیشگاه خدای تعالی، از همه زیادتر است.

ص: ۷۷

این حدیث را «حاکمی» روایت کرده است.

مؤلف گوید: حدیث مزبور را «ابو نعیم» در [حلیه الاولیاء ۱/ ۶۶] متذکر شده است.

[الاصابه ۷/ قسم ۱/ ۱۶۷] «ابو احمد» و «ابن منده» و دیگران، از طریق «ابراهیم بن بشر اسدی» از «خالد بن حارث» او هم از «عوف» از «حسن» از «ابو لیلای غفاری» روایت کرده است که از رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله شنیدم، می فرمود: پس از من، طولی نمی کشد که آشوبی بر پا می شود، در این هنگام ملازم علی باشید و از علی بن ابیطالب دست برمدارید؛ بدلیل اینکه او نخستین کسی است که به من، ایمان آورده است، و او نخستین کسی است که در روز قیامت با من مصافحه می کند، و او صدّیق اکبر و فاروق این امت است، و علی بن ابیطالب یعسوب «۱» مؤمنان است و مال و ثروت، یعسوب منافقان است.

[فیض القدیر ۴/ ۳۵۸] «طبرانی» و «بزّاز» هر دو از «ابوذر» و «سلمان» در ضمن حدیث طولانی، روایت کرده اند که رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله دست علی علیه السّلام را بدست خود گرفت و فرمود: این بزرگوار نخستین کسی است که به من ایمان آورده است

و فاروق این امت است و یعسوب مؤمنان و مال و ثروت، یعسوب و مهتر ستمگران است.

مؤلف گوید: این حدیث را «متقی» در [کنز العمال ۶/ ۱۵۶] متذکر شده است و آنرا از «طبرانی» در کتاب «الکبیر» از «سلمان» و «ابوذر» نقل کرده است و همچنین از کتاب «سنن کبری» بیهقی نقل کرده است و «ابن عدی» هم، در کتاب «الکامل» از «حذیفه» روایت کرده است.

ص: ۷۸

[کنز العمال ۶/ ۳۹۳] به سند خود، از «مأمون» از «رشید» از «مهدی» از «منصور» از پدرش، او هم از «عبد الله بن عباس» نقل کرده است که از «عمر خطّاب» شنیدم، می گفت: از علی علیه السّلام عیبجوئی نکنید و بزشتی از او یاد ننمائید؛ برای آنکه براستی صفتهائی از رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله در او مشاهده کردم که هر گاه فقط یکی از آنها در «آل خطّاب» یافت می شد نزد من محبوبتر بود از آنچه آفتاب بر آن می تابد! در این رابطه لازم است بگویم در یکی از روزها، من و «ابو بکر» و «ابو عبیده» با گروهی از اصحاب به عزم دیدار رسول اکرم صلّی اللّه علیه و آله روانه شدیم تا اینکه در مسیر خود، به خانه «امّ سلمه» رسیدیم، علی علیه السّلام را در کنار خانه ایشان دیدار کرده و به عرض رسانیدیم: تصمیم داریم بحضور پیغمبر اکرم صلّی اللّه علیه و آله شرفیاب شویم. علی علیه السّلام فرمود: هم اکنون رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله از خانه، خارج می شود. پس چنین شد و همراه آن حضرت، حرکت کردیم. در مسیر، حضرت رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله به علی علیه السّلام تکیه داشت. سپس دست مبارکش را روی شانه علی علیه السّلام گذاشت و فرمود: یا علی! دیری نپاید که مورد بی مهری افراد قرار بگیری! آنها باید بدانند کسی را مورد بی مهری خود قرار داده اند که پیشتر از همه، ایمان آورده است و از همه مردم به روزهای خدا داناتر است و بهتر از همه به عهد خدا وفا می نماید. و از همه بهتر، تقسیم بالسویه می کند و از همگان مهربانتر به رعیّت است و از همه بیشتر به گرفتاریهای عظیم دچار می شود. سپس خطاب به حضرت علی علیه السّلام

ص: ۷۹

فرمود:

یا علی! تو، بازوی توانای من می باشی و تو، مرا غسل می دهی و کفن می کنی و در هر پیشآمد ناراحت کننده ای، پیشوا و پیشآهنگ دیگران هستی و پس از من، هرگز به کفر بازنمی گردی و در دین خدا ثابت قدم خواهی بود. و در روز قیامت در حالی که لوای حمد را در دست داری، پیشاپیش من حرکت می کنی و مخالفان را از حوض من (حوض کوثر) دور می کنی. پس از این گفته، خود «ابن عباس» در توصیف از حضرت علی علیه السّلام اظهار داشت که آری، علی علیه السّلام از دامادی رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله به عالیترین مراتب رستگاری نایل آمد و از عشیره ای گسترده برخوردار گردید و از هیچگونه کمک به بینوایان خودداری نمی کرد، عالم به تنزیل قرآن و فقیه تأویل آن بود و به مراتب آن، از اقران خویش، بیشتر رسیده بود.

مؤلف گوید: پیش از این در باب سابق، در این رابطه از «کنز العمال» از «عمر» نقل کردیم، که رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله دست مبارکش را روی شانه علی علیه السّلام گذاشت و خطاب به آن حضرت، فرمود: تو نخستین کسی هستی که اسلام را پذیرفتی و تو نخستین کسی هستی که ایمان آوردی

فضائل پنج تن علیهم السلام در صحاح ششگانه اهل سنت، ج ۱، ص: ۳۲۵وص: ۳۲۶وص: ۳۲۷

علی علیه السّلام نخستین نمازگزار

اشاره

[اسد الغابه ۴/ ۱۸] به سند خود، از «ابو ایوب انصاری» روایت کرده است که رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله فرمود: مدت هفت سال فرشتگان الهی بر من و علی علیه السّلام درود می فرستادند و این در آن هنگام بود که مرد دیگری جز علی علیه السّلام، با من نماز نمی گزارد.

ص: ۸۰

مؤلف گوید: این حدیث را «محب طبری» در [ریاض النضره ۲/ ۱۶۵] از «ابو الحسن خلعی» نقل کرده است و این جمله را اضافه نموده: «علت درود فرشتگان آن بوده است، هنگامی که ما نماز می گزاردیم، به غیر از من و علی، دیگری در نماز ما شرکت نداشت». لیکن «ابو الحسن خلعی»، مدت هفت سال را نکرده است.

فضائل پنج تن علیهم السلام در صحاح ششگانه اهل سنت، ج ۱، ص: ۳۳۰

برتری ایمان حضرت علی علیه السّلام

[الریاض النضره ۲/ ۲۲۶] از «عمر خطّاب» نقل شده است که گفت:

وجود رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله را شاهد می گیرم که از آن حضرت شنیدم، می فرمود: هر گاه آسمانهای هفتگانه را در کفه ترازو بگذارند و ایمان حضرت علی علیه السّلام را در کفّه دیگر آن، ایمان علی علیه السّلام، از آسمانها سنگینتر خواهد بود

فضائل پنج تن علیهم السلام در صحاح ششگانه اهل سنت، ج ۱، ص: ۳۲۸

خلیفه پیامبر

عن سلمان الفارسی قال: سمعت رسول اللّه (ص) یقول: إن وصیی و خلیفتی و خیر من أترك بعدی ینجز موعدی و یقضی دینی علیّ بن ابی طالب.

سلمان فارسی گفت: از پیامبر خدا (ص) شنیدم وصی و خلیفه من و بهترین کسی که پس از خود او را ترک می کنم که وعده های مرا عملی سازد و دین مرا ادا کند، علیّ بن ابی طالب (ع) است. سیمای امام علی علیه السلام در قرآن /

ترجمه شواهد التنزیل، ص: ۴۳

شبیه انبیاء

عن أبی الحمراء قال: قال رسول اللّه (ص): من أراد أن ینظر إلی آدم فی علمه و إلی نوح فی فهمه و إلی إبراهیم فی حلمه و إلی یحیی فی زهده و إلی موسی فی بطشه فلینظر إلی علیّ بن ابی طالب.

ص: ۸۱

ابو الحمراء گفت: پیامبر فرمود: هر کس بخواهد به آدم در عملش و به نوح در فهمش و به ابراهیم در حلمش و به یحیی در زهدش به موسی در شدتش نگاه کند، پس به علیّ بن ابی طالب (ع) بنگرد.

علم

. علم

: همه دانشـمندان در معارف حقیقی، علوم یقینی، احکام شـرعی و قضایای نقلی، ریزه خوار امیر المؤمنین هسـتند زیرا امام در غایت تیز هوشی و عشق به فراگیری بود «۸» و پیوسته با پیامبر که مهربانترین مردم نسبت به او بود، بسر می برد پس بالضروره

ترجمه نهج الحق و کشف الصدق، ص: ۲۴۶

دانشمندتر از دیگران بوده است. «۱»

پیامبر درباره او فرمود: «آگاهترین شما به دانش قضاوت و دارنده شرایط آن علی است» «۲» و قضاوت مستلزم علم و دین است.

ترمـذی در صـحیح خود روایت کرده است که پیـامبر فرمود: «من شـهر دانشم و علی علیه السّـلام در آن است» «۳» بغوی در صحاح بیـان کرده است: «پیـامبر فرمـود: من خـانه حکمت هسـتم و علی در آن است.» روایـتی از ابی الحمراء در حق علی وجود دارد که به موجب آن پیامبر فرمود: «هر که می خواهد به علم آدم، فهم نوح، حلم و بردباری ابراهیم، هیبت موسـی و زهد عیسی بنگرد، به علی بن ابیطالب نگاه کند.» «۴»

بیهقی به اسـناد خود از پیامبر صـلّی اللّه علیه و آله روایت آورده است که ایشان فرمود: هر که می خواهد به دانش آدم، تقوای نوح، شکیبایی ابراهیم، هیبت موسی و عبادت عیسی نظر کند، به علی بن ابیطالب بنگرد.» «۵»

ترجمه نهج الحق و کشف الصدق، ص: ۲۴۷

(افزون بر این روایـات) امیر المؤمنین علیه السّـلام خاسـتگاه همه دانشـهاست. در کلاـم و اصول فقه که مطلب آشـکار است و گفتار حضـرتش در نهج البلاغه بر کمال معرفت او در توحید و عدل دلالت می کند و همه جزئیات دانش کلام و اصول از آن دریافته می شود.

ص: ۸۲

امام مرجع تمامی فقیهان در دانش فقه است. درباره فقیهان امامیه که نیازی به بیان نیست و در مـذاهب سـنیان، ابو حنیفه شاگرد امام صادق علیه السّلام است و محمّد بن ادریس شافعی، شاگرد محمّد بن الحسن، شاگرد ابو حنیفه است و استاد دیگر شافعی مالک می باشد. پس فقه شافعی به ابو حنیفه و مالک باز می گردد.

احمد بن حنبل نیز شاگرد شافعی است.

مالک نیز از محضر دو تن بهره برده است: ربیعه الرای، شاگرد عکرمه، شاگرد عبد اللّه بن عباس، شاگرد حضرت علی علیه السّلام و استاد دوم او جعفر بن محمّد صادق علیه السّلام می باشد. «۱» خوارج نیز شاگردان او بوده اند. «۲»

امیر المؤمنین بنیانگزار دانش اختر شناسی و تفسیر بود. «۳»

ابن عباس می گوید:

«امیر المؤمنین درباره «باء» بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ

از آغاز شب تا سپیده دم سـخن گفت و گفتارش به پایان نرسید.» «۴» دانش فصاحت نیز از علی علیه السّلام است تا آنجا که درباره کلامش گفته اند برتر از گفتار مخلوق و فروتر از فرموده خالق است. فصاحت از سخنان آن سرور عیان است

ترجمه نهج الحق و کشف الصدق، ص: ۲۴۸

و ابن نباته می گوید: «از کلام امیر المؤمنین هزار خطبه را حفظ کردم و سـپس ذهنم جوشید و جوشید.» «۱» متکلمان نیز چهار گروه معتزله، اشاعره، شـیعه و خوارجند. انتساب شـیعه به علی علیه السّلام آشـکار است. دانشـمندان خوارج نیز به علی علیه السّلام باز می گردنـد، امـا معتزله به واصـل بن عطـاء انتسـاب دارنـد و او شاگرد ابو هاشم عبـد اللّه بوده و ابو هاشم نیز از درس پـدرش محمّـد بن حنفیه، فرزند و شاگرد علی علیه السّلام سود جسته است.

ص: ۸۳

اشاعره نیز شاگردان ابو الحسن اشعری بوده اند و اشعری شاگرد ابو علی جبایی از بزرگان معتزله است. «۲»

صوفیان و ارباب سلوک نیز به جملگی فرقه خود را به امیر المؤمنین استناد می دهند. «۳» جوانمردان و عیاران نیز پیرو کسی هستند که جبرئیل در جنگ بدر درباره اش ندا داده است که جز ذوالفقار شمشیری نیست و جز علی جوانمردی. «۴» پیامبر فرمود: «من جوانمرد، فرزند جوانمرد و برادر جوانمردم.» «۵»

جوانمردی پیامبر آشکار است که او سید و سرور عرب بود. فتوت پدر او نیز از آن روست که خداوند در حق ابراهیم فرمود: «شنیده ایم جوانمردی درباره بتان ما سخن می گوید.» «۶»

جوانمردی برادر پیامبر نیز از گفته جبرئیل در حق علی دانسته می شود.

ترجمه نهج الحق و کشف الصدق، ص: ۲۴۹

همه یاران پیامبر در احکام شرعی به امیر مؤمنان رجوع می کردند و از ایشان بهره می بردند «۱»

و حضرتش هیچگاه در مسأله ای به شخصی رجوع نکرد. عمر بن خطاب در بسیاری از مواقع می گفت: اگر علی نبود عمر نابود می شد، «۲»

زیرا امیر المؤمنین او را از خطاهای فراوانی باز می داشت.

در مسند احمد بن حنبل آمده است: «هیچ یک از یاران پیامبر جز علی جمله «از من پرسش کنید» «۳»

را بر زبان نیاورد.» در صحیح مسلم روایت شده که امام بر منبر فرمود: «پیش از آنکه مرا نیابید پرسش کنید، از کتاب خدا پرسش کنید که در آن

ترجمه نهج الحق و کشف الصدق، ص: ۲۵۰

آیه ای نیست مگر اینکه من می دانم که آیا در کوهپایه فرود آمده یا در بیابان. «۱»

از فتنه ها بپرسید که می دانم بر پا کننده هر آشوب و کشته شدگان آن چه کسانی هستند.» «۲» او علیه السّلام می فرمود: «مرا از راههای آسمان پرسش کنید که بدانها از راههای زمین آگاهترم.» «۳» امیر المؤمنین فرمود: «رسول خدا هزار باب از دانش به من آموخت و در هر باب هزار باب وجود داشت.» «۴» رویدادهای آن بزرگوار فزونتر از شمار است و تنها به ذکر برخی بسنده می کنیم:

ص: ۸۴

درهمها را میان صاحبان نان تقسیم کرد. «۵»

دیه را بر زنی که نیشگون گرفته بود، زنی که جسته بود و زنی که افتاده بود تقسیم کرد. «۶»

فرزند را با قرعه به پدر ملحق کرد و پیامبر این عمل را پسندید. «۷»

فرمان داد تا کودك مورد دعوی دو نفر را از میان دو نیمه کنند و مدعیان به حقیقت، بازگشتند. «۸»

فرمود تا سر از تن برده بیفکنند و او به حق رجوع کرد. «۹» ترجمه نهج الحق و کشف الصدق، ص: ۲۵۱

حکم خنثی «۱»

و خروج کنندگان را بیان داشت چنانکه شافعی گفت ما حکم خروج کنندگان را از علی آموختیم. «۲» جز اینها احکام شگفت انگیز بسیاری از آن سرور صدور یافت که محال بود پرسش شده- عمر- به پاسخ آنها دست یابد. او ندانست کلاله و اب چیست و درباره جد صد گونه فتوا داد که هر یک چون دیگری است.

معرفی بر روی منبر

حضرت علی علیه السّلام شیر خدا و شمشیر او در روی زمین بود و ذکر بخشی از دلاوریهای او [ذخائر العقبی ص ۹۲] از «انس بن مالك» روایت می کند که در یکی از روزها، حضرت رسول اکرم صلّی اللّه علیه و آله به منبر تشریف برد و مطالب بسیاری بیان کرد و از هر دری سخنی گفت، آنگاه فرمود: علی بن ابیطالب علیه السّلام کجاست؟ حضرت علی علیه السّلام بلافاصله از جای برخاست و عرض کرد: هم اکنون، حاضر در خدمتم یا رسول الله! پیغمبر صلّی اللّه علیه و آله علی علیه السّلام را بحضور خواند و حضرتش را در آغوش گرفت و پیشانیش را بوسید و با صدای بلند خطاب به مسلمانان فرمود: ای مسلمانان! این بزرگوار، برادر و پسر عمو و داماد و گوشت و خون و موی من است؛ این بزرگوار، پدر دو نواده من، حسن و حسین، دو سید جوانان بهشت است؛ علی، کسی است که هر گونه ناراحتی را از من می زداید؛ علی، شیر خدا و شمشیر از نیام کشیده حضرت اله است که دشمنان او را از پای درمی آورد. خدای تعالی دشمن او را به لعنت خود و لعنت کنندگان دچار فرماید! خدای تعالی و من از دشمن او بیزاریم؛ بنابراین کسی که می خواهد از خدا و رسول بیزار شود، از علی بیزاری جوید! و اضافه فرمود: اینك گروهی که حاضرند و سخن مرا می شنوند، به آنان که غائب اند، ابلاغ نمایند. سپس به علی علیه السّلام فرمود: در محل خود قرار بگیر و اطمینان داشته باش آنچه را که بیان کردم، از خود نگفتم، بلکه حقیقتی بود که خدای تعالی آنرا به تو ارزانی داشته است.

ص: ۸۵

فضائل پنج تن(ع)در صحاح ششگانه اهل سنت ،ج ۳،ص:۱۹۰

علی (ع) امام المتّقین

علی (ع) امام المتّقین حاکم در «مستدرک الصحیحین» به سند خود از «عبد اللّه بن اسعد بن زراره» از پدرش روایت کرده که گفت: رسول خدا صلی اللّه علیه و آله و سلّم فرمود: در باره علی (علیه السلام) سه عنوان به من وحی شده، اول این که او سید مسلمانان است، دوم اینکه او امام متقیان است، سوم این که او قائد غرّ المحجّلین است .

(۱) فقیه شافعی ابن مغازلی از چند طریق روایت کرده که از جمله گفت: پیامبر صلی اللّه علیه و آله و سلّم فرمود:

«یا علی انّک سیّد المسلمین و امام المتّقین و قائد الغرّ المحجّلین و یعسوب المؤمنین»

.

ای علی تو آقای مسلمانان و امام متقیان و پیشوای روسفیدان و بزرگ پرهیزگاران هستی.

حاکم در مستدرک به سند خود از جابر آورده که گفت: از رسول خدا در حالی که بازوهای علی را گرفته بود، شنیدم با صدای بلند می فرمود:

«هذا امیر البرره قاتل الفجره منصور من نصره مخذول من خذله»

: این پیشوای ابرار و کشنده فجار است، کسی است که یاورانش یاری می شوند و آنان که از یاریش خود داری کنند، بیچاره خواهند شد .

ابن مغازلی در کتاب «المناقب» از چند طریق به سند خود از «حذیفه بن- یمان» روایت کرده که گفت: پیامبر میان مهاجرین برادری انداخت و هر کسی را با همتای خود برادر نمود دست علی بن ابی طالب را گرفت و گفت: این هم برادر من است حذیفه گفت: پس پیغمبر سرور پیامبران و امام متقیان و رسول رب العالمین است او را مثل و مانندی نیست علی هم برادر اوست «۱».

ص: ۸۶

ترجمه الطرائف ،ص:۲۵۸

سوار برناقه بهشتی

علی (علیه السلام) در قیامت بر ناقه بهشتی سوار می شود

(۱) خطیب در تاریخ بغداد به سند خود از «ابن عباس» روایت کرده که گفت:

رسول خدا صلی اللّه علیه و آله و سلّم فرمود در قیامت هیچ کس سواره نمی آید، مگر ما چهار نفر، عمویش عباس گفت: یا رسول اللّه آن چهار نفر چه کسانی هستند؟ فرمود: اول آنها من هستم که بر براقی سوار می شوم، که رویش چون آدمیان است- آنگاه بعد از بیان خصوصیات آن براق- عباس گفت: دیگر کیست ای رسول خدا صلی اللّه علیه و آله و سلّم؟ فرمود: برادرم صالح پیغمبر که او نیز سوار بر ناقه اللّه می آید. گفت: دیگر کیست؟ فرمود: عمویم حمزه که اسد خدا و اسد رسول خدا و سید الشهداء و سوار بر ناقه من می آید، عباس پرسید دیگر کیست؟ فرمود: برادرم علی (علیه السلام) است که بر ناقه ای از ناقه های بهشتی سوار است که افسارش از لؤلؤ رطب است و محملی از یاقوت سرخ دارد- و همچنین از خصوصیات آن ناقه شمرد تا رسید به اینجا- که خلایق به یک دیگر می گویند: این شخص پیغمبری مرسل یا ملکی مقرب است از بالای عرش ندا می رسد که وی نه پیغمبر مرسل است و نه ملکی مقرب و نه حامل عرش خداست.

«هذا علی بن ابی طالب (علیه السلام) وصیّ رسول ربّ العالمین و امام المتّقین و قائد الغرّ المحجّلین»

.

بلکه علی بن ابی طالب وصی رسول رب العالمین است، او امام پرهیزگاران و پیشوای رو سفیدان است.

خطیب در تاریخ بغدادی در جای دیگر به سند خود از ابن عبّاس همین مضمون را روایت کرده و در آخر این حدیث آمده که:

ص: ۸۷

«افلح من صدّقه و خاب من کذّبه و لو انّ عابدا عبد اللَّه بین الرّکن و المقام الف عام حتّی یکون کالشن البالی لقی اللَّه مبغضا لال محمّد اکبه اللَّه علی منخره فی نار جهنّم».

سعادتمند شد آن کسی که او را تصدیق کرد و بدبخت و بی چاره شد آن کسی که او را تکذیب نمود. اگر عابدی خدای را در زمین رکن و مقام ابراهیم در مسجد الحرام هزار سال عبادت کند، به طوری که بدنش چون مشکی خشکیده شود و در قیامت خدای را با بغض آل محمد صلی اللَّه علیه و آله و سلّم دیدار کند، خداوند او را باورویش در آتش می افکند .

«محب طبری» از «جابر بن سمره» روایت کرده که: از رسول خدا پرسید: چه کسی پرچم تو را در روز قیامت حمل می کند؟ فرمود: همان کسی که در دنیا آن را حمل می کرد و این علی بن ابی طالب (علیه السلام) است آنگاه می گوید: این روایت را نظام الملك نیز در امالیش و متقی در کنز العمال آورده «۱».

ترجمه الطرائف ،ص:۲۵۶وص:۲۵۷

رد الشمس و مقام علی (علیه السلام)

رد الشمس و مقام علی (علیه السلام)

(۱) فقیه شافعی ابن مغازلی در کتاب «المناقب» به سند خود روایت کرده که پیامبر سرش در دامن علی (علیه السلام) بود که وحی بر او نازل شد و علی هنوز نماز عصر را نخوانده بود تا آفتاب غروب کرد.

پیامبر صلی اللَّه علیه و آله و سلّم عرض کرد خدایا علی (علیه السلام) بر طاعت تو و رسولت بود، آفتاب را برای او برگردان (تا نماز عصرش را بخواند) راوی می گوید: پس دیدم آفتاب طلوع کرد بعد از آنکه غروب کرده بود

ص: ۸۸

ترجمه الطرائف ،ص:۲۲۸

همچنین روایت است که خورشید پس از غروب، برای علی علیه السّلام بازگشت و این رخداد هنگامی بود که پیامبر صلّی اللّه علیه و آله سر بر دامن او خفته بود و دعا کرد که خورشید

برای ادای نماز عصر بر علی باز گردد و خورشید بازگشت.

رنج ۲۳ ساله از طرف منافقین بدلیل معرفی علی علیه السلام

پیامبر صلی الله علیه و آله در طول بیست و سه سال به هر نحوی برای علت مبقیه ء اسلام ، یعنی امیرالمومنین علی علیه السلام اذیت و آزار را متهمل شدند و صبر نمودند . در سالهای اول بعثت با همراهی علی علیه السلام در کنار آنحضرت به عنوان اولین ایمان آورنده به اسلام و تأیید الهی در یوم الدار از طرف خداوند و انتخاب آنحضرت به عنوان وصی ، وزیر ، برادر و جانشین ، نقطهء شروع کینه ها علیه پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام شد و پیامبر صلی الله علیه و آله در طول رسالت بیست و سه ساله خود به امر الهی زمینه ها را برای روز غدیر مساعد می کردند تا با نزول آیه یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک در غدیر خم علی علیه السلام راعلنی سردست نمود ، و با عبارت من کنت مولا فهذا علی مولاء حجت برای بشریت تمام نمایند .

سیری در سیره عملی پیامبر صلی الله علیه و آله در طول بعثت و دقت در کلام آنحضرت و وقایع تاریخی در این سالها دو مطلب بسیار مهم را برای ما آشکار می نماید ، یکی ابتدا همهء این سالها پیامبر صلی الله علیه و آله کوشید که مردم را آماده چنین نعمتی بزرگ بنام ولایت نماید و دیگری اینکه در این راه بسیار رنج و مشقت را متهمل گردید .

ص: ۸۹

آنچنـان که جنـگ بـا مشـرکین و کفّـار اورا اذیت نکرد ، بلکه ضـربه هـای منـافقین برروح و جـان مطهر آن بزرگوار نهایتاً منجر به مسـموم شـدن ایشـان بـدست دختر ابابکر (عایشه)و دخترعمر (حفصه) گردیـد و در لحضات آخر از رسالت بیست و سه ساله نگران علی علیه السـلام و وصایت آن بزرگوار بودنـد که عمر اجازه نداد برای ایشان کاغذ و قلم بیاورند و با کلامی زشت نسـبت به پیامبر صلی الله علیه و آله کفر باطنی خود را آشکار کرد و درنتیجه ایشان با قلبی رنجور از دست منافقین و دشمنان علی علیه السلام ودلی سوزان از مضلومیت علی علیه السلام و فرزندانشان ، خاصه دختر مظلومه خود حضرت زهرا س ، ندای ارجعی االی ربک را با اشک ریزان لبیک گفتند .

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹